

A

abandoned mine

معدن متروکه (معدن زیرزمینی)

معدن رها شده‌ای که در آن کار نمی‌شود.

abandoned working

حفریه معدنی متروکه (معدن زیرزمینی)

حفریات زیرزمینی که تخریب، پر شده یا رها شده‌اند و در آنها تهویه انجام نمی‌گیرد و بازدید هم نمی‌شوند.

absolute humidity

رطوبت مطلق (تهویه)

جرم بخار آب موجود در واحد حجم هوا که معمولاً بر حسب گرم در متر مکعب بیان می‌شود.

absolute roughness

زبری مطلق (تهویه)

اندازه ناهمواری‌های موجود در مسیر حرکت هوا بر حسب واحد طول دلخواه.

absorption method

روش جذب سطحی (خدمات فنی)

روش متداول خشک کردن هوای فشرده که طی آن هوای فشرده را از روی سطح موادی که قدرت جذب رطوبت بالایی دارند، مانند ژل سیلیسی و آلومینای فعال، عبور می‌دهند تا رطوبت هوای فشرده جذب و به اصطلاح خشک شود.

abutment

تکیه گاه (نگهداری)

سطح یا توده‌ای که برای تحمل بار برجا گذاشته می‌شود، مثل دیواره‌های زغالی دو طرف یک راهرو باریک در معدن زغال سنگ، و نیز جبهه کار و وسایل نگهداری پشت کارگاه در یک کارگاه استخراج جبهه کار بلند.

باربر ← تکیه گاه

abutment load

بارورده (نگهداری)

وزن سنگ بالای یک حفریه باریک در معادن زیرزمینی که به دیواره‌های جانبی آن منتقل می‌شود.

abutment pillars

پایه‌های باربر (نگهداری)

پایه‌هایی که در معادن زیرزمینی به منظور نگهداری بار وارده برجا گذاشته می‌شود. معمولاً این پایه‌ها باربر بزرگ محسوب می‌شوند و ممکن است در بین آنها پایه‌های تسلیم شونده نیز گذاشته شود که کوچکتراند و تحمل وزن طبقات بالای خود را ندارند.

access road

راه دسترسی (عمومی)

راهی که برای ارتباط بین جاده اصلی و معدن احداث می‌شود و برای حمل وسایل و تجهیزات و رفت و آمد وسایط نقلیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

acetylene lamp

چراغ کاربیتی (خدمات فنی)

وسبلیه‌ای که برای تامین روشنایی فردی در معادن زیرزمینی به کار می‌رود و در آن از شعله حاصل از کاربیت استفاده می‌شود.

acid battery

باطری اسیدی (خدمات فنی)

نوعی باطری برای چراغ‌های انفرادی معدنی که کاتد آن سرب خالص، آند آن اکسید سرب، و محلول الکترولیت آن اسیدسولفوریک رقیق شده است.

active span

دهانه فعال (مکانیک سنگ)

فاصله بین دو دیواره تونل و یا فاصله بین جبهه کار و نزدیکترین وسیله نگهداری نصب شده در تونل (هر کدام که بزرگتر باشد).

active support

سیستم نگهداری فعال (نگهداری)

نوعی سیستم نگهداری که در زمان نصب، بار معینی را بر سطح سنگ وارد می‌کند. پیچ سنگ، کابل مهاری کششی و جک هیدرولیکی نمونه‌هایی از این سیستم نگهداری‌اند.

active workings

حفریات معدنی فعال (معدن زیرزمینی)

تمام مناطقی از یک معدن زیرزمینی که به طور منظم تهویه و بازرسی می‌شوند.

adhesive weight

وزن چسبیده (ترابری)

وزن موثر بر محور محرک وسیله نقلیه.

adiabatic process

فرآیند بی‌دررو (تهویه)

فرآیندی که در آن ضمن حرکت هوا، تبادل حرارتی انجام نمی‌گیرد و مقدار حرارت آن ثابت باقی می‌ماند.

فرآیند آدیاباتیک ← فرآیند بی‌دررو

adit

تونل بازکننده (معادن زیرزمینی)

یک راهرو زیرزمینی افقی یا تقریباً افقی که از سطح زمین برای دسترسی به ماده معدنی (یا برای آبکشی) حفر می‌شود و اگر تا جایی ادامه پیدا کند که از دامنه دیگر کوه یا تپه بیرون آید، در ادبیات انگلیسی به نام تونل نامیده می‌شود. تونلی را که از دامنه کوهستان به داخل معدن حفر می‌کنند نیز به همین نام می‌خوانند.

تونل مادر ← تونل بازکننده

adit level

طبقه (معادن زیرزمینی)

تونلی که در یک تراز معدن زیرزمینی و از طریق یک تونل بازکننده حفر می‌شود.

adobe → *mud cap**adsorption factor*

ضریب جذب (خدمات فنی)

بخشی از توان نوری چراغ که در فاصله چراغ تا سطح مورد نظر به وسیله هوا جذب می‌شود و بنابراین به وضعیت گرد و غبار هوا بستگی دارد.

adsorption method

روش جذب سطحی (خدمات فنی)

روشی برای کاهش رطوبت و خشک کردن هوای فشرده که طی آن هوا را از ظرف حاوی مواد جاذب رطوبت مانند کلرید کلسیم و کلرید منیزیم عبور می‌دهند.

advance

پیشروی (معادن زیرزمینی)

عمل حفاری در راهروها و فضاهای زیرزمینی.

آهنگ پیشروی (معدن زیرزمینی) *advance rate*

۱- فاصله طولی که جبهه کار تونل‌های بازکننده، دنباله‌رو، دوپل، یا چاه در مدت زمان معین بر اثر حفاری به جلو می‌رود.
 ۲- سرعت نفوذ مته در سنگ. ۳- طول حفر چال در یک واحد زمانی. ۴- شاخصی برای بیان نحوه عملکرد ماشین حفار تمام مقطع که به صورت میزان پیشروی تونل در مدت معین مثلا متر در شیفیت یا متر در روز تعریف می‌شود.

پیش باطله برداری (معدن رو باز) *advance stripping*

برداشت باطله از روی توده کانسنگ تا آنرا آشکار سازد و برای عملیات استخراج آماده کند.

تونل پیشرو (معدن زیرزمینی) *advanced gate*

تونل دنبال رو زیر طبقه در معدن زغالسنگی که با روش جبهه کار بلند پیشرو استخراج می‌شوند. این تونل همزمان با پیشروی جبهه کار استخراجی و در حدود ۹ تا ۱۸ متر جلوتر از آن پیشروی می‌کند.

روش جبهه کار بلند پیشرو (معدن زیرزمینی) *advancing longwall method*

یک روش استخراج زیرزمینی که در آن، راهروهای بالایی و پایینی کارگاه همزمان با پیشروی جبهه کار استخراج و کمی جلوتر از آن حفر می‌شوند. معمولا جهت پیشروی جبهه کار استخراج از طرف بازکننده به طرف مرز معدن است و راهروهای بالایی و پایینی در تمام مدت استخراج طبقه، نگهداری می‌شوند.

روش پیشرو (معدن زیرزمینی) *advancing method*

روش استخراجی که در آن، عملیات معدنی از طرف چاه یا تونل بازکننده آغاز می‌شود و به طرف مرزهای معدن پیشروی می‌کند.

سرد کننده انتهایی (خدمات فنی) *after cooler*

دستگاه سرد کننده هوای فشرده که آنرا در مرحله پایانی تراکم هوا تعبیه می‌کنند تا هوای فشرده را سرد کند و رطوبت آن را کاهش دهد.

air course → *air way*

ماشین خاکریز بادی (معدن زیرزمینی) *air - stowing machine*

دستگاهی که برای انتقال و ریختن مواد پرکننده به فضای استخراج شده مورد استفاده قرار می‌گیرد و با هوای فشرده کار می‌کند.

air conditioning**مطبوع سازی هوا (تهویه)**

تنظیم مشخصات مهم هوای معدن از قبیل دما، سرعت و رطوبت در حد مطلوب.

air course**راهرو تهویه (تهویه)**

حفریه معدنی که در آن هوا جریان دارد.

air crossing**پل هوا (تهویه)**

ساختار ویژه‌ای که برای عبور هوای دو شاخه متقاطع شبکه تهویه، بدون تداخل آنها احداث می‌شود. به کمک این تاسیسات، هوای یکی از شاخه‌ها را از روی دیگری عبور می‌دهند، بدون آنکه این دو هوا مخلوط شوند.

air curtain**پرده هوا (تهویه)**

روشی برای تنظیم هوا در شاخه‌های شبکه تهویه که در آن با ارسال هوای فشرده از طریق لوله‌های قائمی که شکاف سرتاسری دارند و وضعیت نسبی شکاف و جریان هوای شاخه قابل تنظیم است، شدت جریان هوای شاخه‌ها را کنترل می‌کنند. امتیاز مهم این روش در آن است که مزاحمتی برای سیستم حمل و نقل معدن ایجاد نمی‌کند.

air drift**تونل تهویه (معدن زیرزمینی)**

۱ - تونلی که به منظور تهویه و معمولا در سنگ حفر می‌شود. ۲ - تونلی که مجرای خروجی بادبزن اصلی را به چاه یا تونل تهویه مرتبط می‌کند.

air drilling**چالزنی با هوای فشرده (چالزنی)**

نوعی سیستم چالزنی که در آن قطعات خرد شده حفاری به کمک هوای فشرده از چال خارج می‌شوند. هوای فشرده لازم که به وسیله کمپرسور تامین می‌شود، پس از عبور از درون لوله حفاری و گذر از منافذ سرمته، ذرات حفاری را از فضای بین دیواره چال و لوله حفاری به بیرون چال منتقل می‌کند.

air intake**هوا راه ورودی (معدن زیرزمینی)**

راهرویی که هوای تازه را وارد معدن می‌کند.

air leakage**نشست هوا (تهویه)**

انتشار ناخواسته هوای عبوری از شاخه‌های شبکه تهویه به شاخه‌های دیگر که سبب کاهش شدت جریان مفید شاخه‌ها می‌شود.

air lock**هوا بند (تهویه)**

ساختاری مرکب از دو در مرتبط با هم که همواره یکی از آنها بسته است. هوابندها را در محل‌هایی نصب می‌کنند که حمل و نقل زیاد باشد و درها زیاد باز و بسته شوند. با احداث هوا بند، عبور و مرور وسایل حمل و نقل، مشکلی در امر تهویه ایجاد نمی‌کند.

air receiver**مخزن هوا (خدمات فنی)**

مخزنی استوانه‌ای شکل که هوای فشرده خروجی از کمپرسور وارد آن شده و خط لوله توزیع هوای فشرده از آن منشعب می‌شود.

air shaft**چاه هوا (تهویه)**

چاهی که به منظور تهویه معادن زیرزمینی به کار می‌رود. در صورتی که چاه هوای تازه را از سطح زمین به معدن وارد کند، آنرا چاه ورودی و در صورتی که هوای کثیف را تخلیه کند، به آن چاه خروجی می‌گویند.

air split**انشعاب هوا (تهویه)**

قسمتهایی از شبکه تهویه که در آنها هوا به دو یا چند شعبه تقسیم می‌شود.

air way**راهرو هوا (تهویه)**

هر گونه حفریه زیرزمینی که از آن هوا عبور می‌کند.

airblast**لرزش هوا (آتشباری)**

حرکت سریع و آنی مولکول‌های هوا در اثر امواج حاصل از انفجار مواد منفجره.

airdox**هوا باری (آتشباری)**

نوعی آتشباری که در آن از انبساط ناگهانی هوای فشرده در داخل چال استفاده می‌شود. بدین منظور، کپسول‌های هوای فشرده (با فشار خیلی بالا) را در چال قرار می‌دهند و پس از بستن چال، آنها را می‌ترکانند. در اثر ترکیدن کپسول هوای فشرده در داخل چال، سنگ‌ها خرد می‌شوند. در معادن رغال سنگی که گاز متان زیاد باشد، استفاده از این روش ایمن‌ترین روش برای حفر رغال است.

ایرداکس ← هوا باری**air-lift pump****تلمبه هواران (آبکشی)**

نوعی تلمبه که با هوای فشرده کار می‌کند و برای آبکشی از چاه‌های کم عمق و گمانه‌های اکتشافی مناسب است.

alkaline battery **باطری قلیائی** (خدمات فنی)

نوعی باطری برای چراغهای انفرادی معدنی که آند آن هیدرات نیکل، کاتد آن آهن خالص یا مخلوط کادمیم و آهن و محلول الکترولیت آن پتاس است.

allocating system **سیستم تخصیص** (ترابری)

اختصاص تعدادی باربر به بارکننده‌ای مشخص از طریق برنامه‌ریزی تولید که بهترین نتیجه را به دست دهد.

allowable stripping ratio **نسبت باطله برداری مجاز** (معادن روباز)

نوعی نسبت باطله برداری که در مورد طراحی محدوده نهایی کاواک با روش دستی به کار می‌رود و در آن، برای محاسبه نسبت باطله برداری مجاز، مشابه محاسبه نسبت باطله برداری سر به سر عمل می‌شود، با این تفاوت که رقمی به عنوان سود به ازای فروش ماده معدنی منظور و این رقم به هزینه‌های تولید محصول قابل فروش اضافه می‌شود.

alluvial mining **معدنکاری آبرفتی** (عمومی استخراج)

استخراج کانسارهای آبرفتی با روشهای لایروبی، هیدرولیکی، یا با حفر تونل.

ammonium dynamite **دینامیت آمونیومی** (آتشباری)

نوعی دینامیت که قسمتی از نیتروگلیسیرین آن با نترات آمونیوم جایگزین شده و سرعت انفجار و قدرت آن کمتر از دینامیت معمولی است.

ammonium nitrate with fuel oil (ANFO) **آنفو** (آتشباری)

مخلوطی از حدود ۹۴ درصد نترات آمونیوم و ۶ درصد گازویل که به علت ارزانی و ایمنی، در مقیاس وسیعی در معادن سطحی به کار می‌رود.

anchor load cell **بارسنج میل مهاری** (نگهداری)

وسیله‌ای که به کمک آن می‌توان نیروی کششی موثر بر پیچ سنگ یا کابل مهاری نصب شده را اندازه گرفت.

anemometer **باد سنج** (تهویه)

دستگاه اندازه‌گیری سرعت هوا. این دستگاه پروانه‌ای دارد که در اثر حرکت هوا به گردش در می‌آید و سرعت دوران پروانه متناسب با سرعت هوا است. بنابراین با اندازه‌گیری سرعت دوران پروانه، سرعت هوا تعیین می‌شود.

angle of dip —→ *dip*

annulus

فضای حلقوی (حفاری اکتشافی)

فضای بین دیواره خارجی لوله حفاری و دیواره چال یا گمانه.

anthracosis

آنتراکوزیس (تهویه)

بیماری ناشی از تنفس هوای حاوی ذرات گرد زغال.

antistatic detonator

چاشنی آنتی استاتیک (آتشباری)

نوعی چاشنی که پوک که آن از نظر الکتریکی عایق است و در اثر جریانهای ولگرد، به طور ناخواسته منفجره نمی‌شود و برای انفجار آنها شدت جریانی بیش از ۴ آمپر مورد نیاز است.

aperture

بازشدگی (مکانیک سنگ)

فاصله عمودی بین دیواره‌های یک ناپیوستگی که از هوا، آب، یا مواد آکننده پر شده باشد.

arc action

تشکیل تاق (نگهداری)

فرآیندی که طی آن، سنگ‌های واقع در بالای تونل بخش عمده‌ای از وزن سنگ‌های روباره را به دیواره‌های دو طرف تونل منتقل می‌سازند.

arch

تاق (نگهداری)

۱ - قسمتی از سنگ‌های یک حفریه زیرزمینی در حد فاصل دیوار و سقف که سقف را نگه می‌دارد. ۲ - سقف قوسی هر حفریه زیرزمینی. ۳ - یک عضو قوسی شکل که مانند پل بار سقف را بر روی دیوارها منتقل می‌کند و ممکن است افقی هم باشد. ۴ - سازه‌ای یکپارچه یا چند تکه که در سقف یک فضای زیرزمینی ساخته می‌شود تا بار سقف را تجزیه کند و بر روی پایه‌های جانبی، که معمولاً قائم‌اند، منتقل سازد.

arch girder

قاب قوسی (نگهداری)

نوعی پروفیل فولادی که به شکل قوس خم شده است و برای نگهداری تونل مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوع متداول آن چند تکه دارد که به وسیله پیچ و مهره یا بغل بند به هم متصل می‌شوند. تکه‌های سقفی به شکل قوسی و تکه‌های جانبی به شکل اریب یا قائم یا نعل اسبی ساخته و نصب می‌شوند.

area mining method روش استخراج مسطحی (معدان روباز)

یکی از روش‌های استخراج سطحی که در زمین‌های مسطح و لایه‌های افقی به کار می‌رود و طی آن، برشهای استخراجی در امتداد لایه ایجاد شده و پهنه‌های موازی در سراسر برش استخراج می‌شوند.

articulated truck کامیون کمرشکن (ترابری)

نوعی کامیون با مفصل متحرک که صندوقه‌ای را به صورت تریلر و یا نیمه تریلر به دنبال خود می‌کشد. به دلیل کوتاه بودن شاسی این کامیون‌ها در قسمت‌های کشش و بار، در قوس‌های کوچک نیز می‌توانند مانور کنند. کامیون‌های کمرشکن در انواع مختلف عقب ریز، ته ریز و کنار ریز ساخته می‌شوند.

asbestosis آسبستوزیس (ایمنی)

بیماری ویژه ناشی از تنفس هوای حاوی ذرات آس بست.

ash yield نسبت خاکستر (زغال سنگ)

نسبت درصد وزن موادی که پس از سوختن کامل یک نمونه آزمایشگاهی از جسم سوزا باقی می‌ماند به وزن کل نمونه.

aspirator غبارگیر (ایمنی)

دستگاهی مکشی برای زدودن یا جمع آوری ذرات مایع یا دانه‌های جامد.

assay grade عیار (عمومی)

نسبت درصد اجزای ارزشمند یک کانسنگ (عنصر یا ترکیب) در یک نمونه معرف که از طریق عیارگیری تعیین می‌شود.

asset ملک (عمومی)

دارایی‌ای که ارزش فروش نقدی دارد. در معدنکاری، ملک به کانسارهای دارای ذخیره قطعی گفته می‌شود.

atkinson اتکینسون (تهویه)

واحد مقاومت آئرویدینامیکی شاخه‌های شبکه تهویه در سیستم انگلیسی و آن عبارت از مقاومت بخشی از شبکه تهویه معدن است که در اثر عبور هوایی با شدت جریان هزار فوت مکعب در ثانیه، افتی برابر یک اینچ آب در آن ایجاد شود.

auger

مته مارپیچ (چالزنی)

۱- مته‌ایکه برای حفاری در زمین به کار می‌رود و ضمن کار، خرده‌های حاصل از حفاری را به طور مکانیکی و مداوم و بدون استفاده از سیال از چال به بیرون می‌راند. ۲- هر نوع دستگاهی که برای سوراخ کردن چوب، چالزنی در سنگ، حفاری برای نفت یا آب، استخراج زغالسنگ و نظایر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد

auger bit → *auger**auger hole* → *auger**auger mining*

استخراج به وسیله مته مارپیچ (عمومی استخراج)

یک روش استخراج زغالسنگ با استفاده از مته‌های مار پیچی بزرگ که از سطح زمین انجام می‌شود و بیشتر در ایالات متحده آمریکا متداول است.

اوگر ← مته مارپیچ

auxiliary fan

بادبزن فرعی (تهویه)

بادبزنی که به منظور تهویه بن‌بست‌ها و قسمت‌های در حال پیشروی شبکه تهویه معدن به کار می‌رود.

auxiliary ventilation

تهویه فرعی (تهویه)

سیستم هوا رسانی به نقاط کور شبکه تهویه، بن‌بست‌ها و سایر قسمت‌هایی که سیستم تهویه اصلی معدن قادر به تهویه آنها نیست. بدین منظور با نصب بادبزن فرعی در بیرون حفاریه معدنی، به کمک لوله‌های تهویه، هوای تازه را به جبهه کار می‌رسانند و یا هوای آلوده را از آنجا خارج می‌کنند.

availability

آمادگی ماشین (حفر چاه و تونل)

شاخصی برای بیان نحوه عملکرد ماشین حفار تمام مقطع که به صورت درصد زمانی که طی آن در طول حفاری تونل، ماشین آماده حفاری بوده است، تعریف می‌شود.

average stripping ratio → *overall stripping ratio**axial compressor*

کمپرسور محوری (خدمات فنی)

نوعی کمپرسور که در آن هوا در امتداد محور وارد دستگاه شده و پس از تراکم، در همین امتداد از آن خارج می‌شود. دستگاه یک

چرخ‌دوار دارد که پره‌هایی به آن متصل است و در اثر حرکت پره‌ها، ذرات هوا سرعت می‌گیرند و در مرحله بعد، سرعت آنها به فشار تبدیل می‌شود.

axial fan —————→ *axial flow fan* بادبزن محوری ←———— بادبزن جریان محوری

axial flow fan بادبزن جریان محوری (تهویه)

نوعی بادبزن که در آن هوا از طریق مجرائی که در امتداد دستگاه قرار دارد، وارد می‌شود و به چرخ‌دواری که حاوی پره‌هایی است، می‌رسد. هوا پس از دوران در این قسمت، از پره‌های هادی می‌گذرد و سپس وارد مجرای واگرا می‌شود که به تدریج مقطعش زیاد شده و در نتیجه، انرژی سرعتی آن به انرژی فشاری تبدیل می‌شود.

axial flow pump تلمبه محوری (آبکشی)

گروهی از تلمبه‌ها که در آنها چرخ‌دوار متصل به پره‌ها در امتداد محور تلمبه می‌چرخد و آب نیز در داخل آن، حرکت محوری دارد.

axis محور (عمومی)

خط وسط یک تونل، چاه یا راهروی زیرزمینی.

B

back

سقف (معدن زیرزمینی)
قسمت فوقانی حفريات زیرزمینی.

back break

عقب زدگی (آتشباری)
ایجاد شکستگی ناخواسته در پشت آخرین ردیف چالهای آتشباری که مشکلاتی در پله‌ها و دیواره معدن ایجاد می‌کند.

back fill

پرکننده (نگهداری)
۱- مواد پرکننده مانند سنگ، شن، باطله، که پس از استخراج کانسنگ از کارگاه استخراج، برای نگهداری سقف یا دیوارها به فضای خالی شده می‌ریزند. ۲- شن یا باطله‌ای که در پشت وسایل نگهداری چوبی یا فلزی تونل یا پوشش بتنی چاه ریخته می‌شود.

back filling

پرکردن (عمومی استخراج)
انباشتن فضای خالی شده زیرزمین پس از حفر سنگ یا استخراج کانسنگ.

back stope

استخراج بالارو (معدن زیرزمینی)
کارگاه استخراجی که استخراج کانسنگ از سقف آن و رو به بالا انجام می‌شود.

back up system

سیستم پشتیبانی (حفر چاه و تونل)
مجموعه ماشین آلات خدمات رسان به ماشینهای حفار تمام مقطع. تجهیزات سیستم پشتیبانی شامل واگن‌های تخت یک یا چند طبقه، جرثقیل، سوزن کالیفرنیا، نوار نقاله‌ها، شاسی‌های حمل وسایل نگهداری، و سیستم‌های تهویه و کنترل گرد و غباراند.

back wall**دیواره نهایی** (آتشباری)

دیواره نهایی در آتشباری‌های سطحی.

back hoe**کج بیل** (ترابری)

بارکننده‌ای که فضای جام آن به سمت کاربر است. بیل‌های هیدرولیکی کوچک با نام نه‌رکن و یا بیل‌های قدرتی، و بیل کششی، از انواع کج بیل‌ها به حساب می‌آیند. این نوع بارکننده برای بارگیری مواد، از سطحی پائین تر از ماشین، مناسب است.

balanced hoisting**بالابری تعادلی** (ترابری)

نوعی سیستم بالابری، به صورت ترکیبی از قفس و اسکپ در چاه به گونه‌ای که وینچ دو طبقه همزمان با بالا آوردن یکی از بالابرها، بالابر دیگر را به پائین می‌فرستد و برعکس. در این سیستم، استفاده از دو باربر به طور همزمان موجب کاهش انرژی مصرفی برای بالا آوردن بار می‌شود.

ballast**بالاست** (ترابری)

سنگدانه‌های خرد شده با دانه بندی معین که برای تسطیح راه و انتقال بار و زهکشی مسیرهای ریلی استفاده می‌شود و تراورس بر روی آن قرار می‌گیرد و تا حدودی در آن فرو می‌رود، ریلها نیز بر روی آن قرار دارند. انواع سنگ‌ها را به شرط آنکه میزان فرسایش و هوازدگی آنها ناچیز باشد، می‌توان بدین منظور به کار برد. اندازه دانه‌های بالاست در مسیرهای اصلی ۳۰ تا ۶۰ میلیمتر و در تقاطع‌ها ۲۰ تا ۴۰ میلیمتر و ضخامت آن ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیمتر است.

band**باند** (زغالسنگ)

لایه‌های نازک از جنس شیل یا سایر سنگ‌ها که در میان یک لایه زغالسنگ قرار دارد.

band conveyor → **belt conveyor****Banded deposit****کانسار نواری** (زمین‌شناسی اقتصادی)

کانساری متشکل از لایه‌های مختلف که این لایه‌ها یا دارای کانی‌های یکسان، ولی از نظر رنگ، بافت، یا سایر خصوصیات متفاوت‌اند و یا اصولاً از کانیهای متفاوتی تشکیل شده‌اند.

band → **bench face**

barograph فشارنگار (تهویه)

دستگاهی که میزان فشار هوا در یک نقطه را به طور مستمر اندازه می‌گیرد و تغییرات آن نسبت به زمان را رسم می‌کند.

barrow فرغون (ترابری)

وسیله‌ای برای باربری دستی که صندوقه‌ای در وسط، دو دسته در طرفین صندوقه، و چرخ‌ها در طرف مقابل آن دارد و توسط کارگر حمل می‌شود.

base line خط مبنا (عمومی)

خطی که به عنوان پایه عملیات نقشه برداری یا زمین‌شناسی در نظر گرفته می‌شود.

base price قیمت پایه (اقتصاد معدنی)

حداقل قیمت هر فلز در بازار، که کمتر از آن باعث خارج شدن تولید کنندگان متوسط از بازار می‌شود.

base rock سنگ بستر (ژئوتکنیک)

توده سنگی که بلافاصله در زیر مواد آبرفتی مانند خاک یا سایر مواد هوازده و تحکیم نیافته قرار دارد.

basic friction زاویه اصطکاک مبنا (مکانیک سنگ)

حداقل زاویه اصطکاک که سطوح سنگی از خود نشان می‌دهند که به آن زاویه اصطکاک ماندگار هم می‌گویند.

beach mining معدنکاری ساحلی (عمومی استخراج)

استخراج کانی‌های سنگین اقتصادی مانند روتیل، زیرکن، مونازیت، ایلمنیت و طلا از رسوبات ساحل دریا.

beam تیر (نگهداری)

یک میله یا تیر باربر مستقیم که برای نگهداری سقف بین دو ستون یا دو دیوار به کار می‌رود.

bedrock → **base rock**

bell زنگ (ایمنی)

مخروطی فلزی که با زدن چکش بر آن به صدا در می‌آید و برای علامت دهی در چاه معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

bell قیف (معدن زیرزمینی)

حفریه مخروطی شکلی که در بعضی از روش‌های استخراج برای انتقال سنگ به دهانه بارگیری، در پایین کارگاه استخراج احداث می‌شود. قاعده یا قسمت گشاد آن در بالا و در کف کارگاه استخراج قرار دارد و رأس یا قسمت تنگ آن در پایین، به دهانه بارگیری منتهی می‌شود.

belt نوار (ترابری)

تسمه‌ای بی انتها که به عنوان حامل بار در نوار نقاله به کار می‌رود. این تسمه لایه‌های متفاوتی دارد که به وسیله چسب به یکدیگر چسبانده شده‌اند و از جنس کتان، پلیمر و یا فولاداند که یا به شکل تار و پود بافته می‌شوند و یا به صورت توری در ساختمان نوار به کار می‌روند.

belt conveyor نوار نقاله (ترابری)

نوعی وسیله باربری مرکب از تسمه‌ای بی انتها که با عبور از روی دو طبلک ابتدایی و انتهایی، بار خود را به طور مداوم در طول مسیر باربری منتقل می‌سازد. بخش‌های اصلی آن شامل نوار، موتور محرک، قرقه‌های تکیه گاهی، شاسی، و لوازم فرعی دیگرند.

belt idler هرزه گرد نوار نقاله (ترابری)

هر یک از قرقه‌های نگهدارنده نوار در تسمه‌های نقاله که استوانه‌ای شکل‌اند و با نصب بر روی شاسی، وزن نوار را تحمل می‌کنند و در اثر حرکت نوار، به گردش در می‌آیند.

belt take up تنظیم کننده کشش نوار (ترابری)

وسیله‌ای مکانیکی، هیدرولیکی، یا خود کنترل که برای تأمین کشش باربرهای اصطکاکی به کار می‌رود.

bench پله (عمومی استخراج)

۱- یک جبهه کار افقی بلند در یک کارگاه استخراج در معدن زیرزمینی ۲- قطعاتی که در استخراج زغالسنگ پرشیب به روش جبهه کار بلند و به شکل پلکان معکوس احداث می‌شود. ۳- تراز یا کف مسطحی که از آن کانسنگ، سنگ یا روباره برداشته می‌شود

bench پله (معدن روباز)

نواری افقی از روباره، کانسنگ یا سنگ باطله که پس از طی مراحل استخراج و بارگیری ایجاد شده و با جزئیاتی نظیر کف پله، سطح بالایی پله، لبه پله، پای پله، رخ پله، بلندی پله و شیب رخ پله مشخص می‌شود. معمولاً بهره‌برداری از معدن روباز با ایجاد پله‌های متعدد و متوالی انجام می‌گیرد.

bench blasting**آتشباری پله‌ای (آتشباری)**

عملیات آتشباری در پله‌های معادن روباز به گونه‌ای که در سطح هر پله، یک یا چند ردیف چال به موازات سطح آزاد به صورت شیبدار یا به حالت قائم حفر و آتشباری می‌شود.

bench slope**شیب پله (معدن روباز)**

زاویه بین رخ پله با سطح افق.

bench face angle —→ **bench slope****bench width****عرض پله (معدن روباز)**

فاصله افقی بین پای یک پله و لبه پله پایینی بلافاصله.

benchface**جبهه کار (معدن روباز)**

۱- دیواره‌ای پر شیب از هر نوع مصالح خاکی یا سنگی واقع در تراز معین در یک معدن روباز. ۲- دیواره‌ای از خاک یا سنگ در حالت طبیعی یا در وضعیت پس از آتشباری در یک معدن روباز یا معدن سنگ ساختمانی.

benching method**روش استخراج پله‌ای (معدن روباز)**

نوعی روش استخراج روباز که در آن باطله و ماده معدنی با ایجاد برشهای متوالی افقی و با ارتفاع یکسان استخراج می‌شوند. استخراج یک کانسار ضخیم مثل کانسارهای فلزی توده‌ای شکل، مستلزم ایجاد پله‌های متعدد است که معمولاً در نتیجه آن یک کاواک، به شکل مخروط ناقص در زمین به وجود می‌آید.

bench height**ارتفاع پله (معدن روباز)**

فاصله قائم بین دو پله متوالی.

berm**خاکریز اطمینان (معدن روباز)**

خاکریزی طولی از سنگ ریزه با مقطع قائم مثلثی که در طول لبه پله یا جاده معدن روباز، احداث می‌شود.

bin**بونکر (معدن زیرزمینی)**

مخزنی برای انبار کردن مواد استخراج شده که از فولاد یا مصالح ساختمانی ساخته می‌شود یا در اثر حفر سنگ به وجود می‌آید.

bit **سرمته (چالزنی)**

آخرین قسمت از رشته ابزار حفاری یا چالزنی که در واقع هدف اصلی تمام تاسیسات و لوازم حفاری چرخیدن آن برای حفر سنگهاست. سرمته انواع مختلفی دارد ولی معمولاً نوک آن از جنس کاربید تنگستن و گاه نیز ذرات الماس است که در این حالت به آن سرمته الماسی می‌گویند. بسته به اینکه هدف، حفر چال یا چاه و یا مغزه‌گیری باشد، ساختار سرمته متفاوت است. سرمته‌هایی که صرفاً حفر سنگ‌ها را به عهده دارند، به صورت تیغه ساده یا مضاعف‌اند، حال آنکه سرمته‌های مغزه‌گیری به صورت استوانه‌ای هستند که به انتهای مغزه‌گیر پیچ می‌شوند.

black powder **باروت (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره کند که از ترکیب زغال چوب، گوگرد، و نیترات سدیم یا پتاسیم ساخته می‌شود.

blade centrifugal compressor **کمپرسور پره‌دار (خدمات فنی)**

نوعی کمپرسور که یک چرخ‌دوار دارد که پره‌هایی به آن متصل است و در اطراف آن مجرای حلزونی قرار دارد. ذرات هوا پس از ورود به چرخ‌دوار، از بین پره‌ها عبور می‌کنند و در اثر نیروی گریز از مرکز، سرعت می‌گیرند و در مجرای حلزونی به علت واگرایی تدریجی مقطع، انرژی سرعتی به فشار تبدیل می‌شود.

blade compressor **کمپرسور تیغه‌ای (خدمات فنی)**

نوعی کمپرسور که یک چرخ استوانه‌ای دارد که به طور خارج از محور داخل استوانه دیگر می‌چرخد. استوانه دوار، شیارهایی دارد که در داخل آنها تیغه‌های لغزنده‌ای تعبیه شده است که به علت نیروی گریز از مرکز، همواره به جدار استوانه ثابت تکیه می‌کنند. تیغه‌ها، حفره‌های متحرکی را به وجود می‌آورند که در ابتدای ورود هوا به آنها حجمشان زیاد است و همزمان با چرخش استوانه، به تدریج حجمشان کم می‌شود که حاصل این کار، تراکم و فشرده شدن هوا است.

blade type bit **سرمته تیغه‌ای (چالزنی)**

نوعی سرمته که از دو، سه، یا چهار تیغه تشکیل شده است و معمولاً برای حفر سنگ‌های نرم تا نیمه سخت به کار می‌رود.

blast hole **چال (چالزنی)**

سوراخ استوانه‌ای شکلی که به منظور آتشباری در سنگ‌ها حفر می‌شود و پس از خاتمه حفاری داخل آن مواد منفجره قرار می‌دهند و آنرا منفجر می‌کنند که در نتیجه حجم قابل توجهی از سنگ‌ها خرد می‌شود.

blast hole dewatering **خشک کردن چال (آتشباری)**

خارج ساختن آب موجود در چالها به منظور جلوگیری از تاثیر رطوبت بر عملیات آتشباری. بدین منظور از تلمبه‌های ویژه‌ای که با هوای فشرده و یا الکتریسیته کار می‌کنند، استفاده می‌شود.

blast man**آتشبار (آتشباری)**

کسی که مسئول پر کردن، خرج گذاری و منفجر کردن چالهای انفجاری است.

blasted burden**بارسنگ واقعی (آتشباری)**

کوتاهترین فاصله عمودی بین مرکز یا خط مرکزی خرج با سطح آزاد ایجاد شده در اثر عملیات آتشباری قبلی. میزان بارسنگ واقعی به ترتیب آتش کردن چالها بستگی دارد.

blaster —————> **blastman****blasting****آتشباری (آتشباری)**

مجموعه عملیاتی که منجر به انفجار و خرد شدن سنگ‌ها می‌شود و شامل حفر چال، اتصال فتیله به چاشنی (در مورد آتشباری با فتیله اطمینان)، چاشنی گذاری، خرج گذاری چال، بستن چال، و آتش کردن چالها است.

blasting area**محدوده آتشباری (آتشباری)**

منطقه اطراف محل انفجار که ممکن است تحت تاثیر پدیده پرتاب سنگ قرار گیرد.

blasting cap —————> **detonator cap****blasting circuit****مدار آتشباری (آتشباری)**

مجموعه سیم‌های سر چاشنی که در داخل چاشنی قرار دارد، سیم‌های رابط چاشنی که از دو رشته سیم تشکیل می‌شود و کابل ارتباط دهنده چاشنی‌ها به منبع برق.

blasting design —————> **blasting plan****blasting fuse** —————> **safety fuse****blasting gelatine****ژلاتین انفجاری (آتشباری)**

ماده منفجره‌ای که از مخلوط ۹۰ تا ۹۳ درصد نیتروگلیسییرین و ۷ تا ۱۰ درصد پنبه مخصوص به دست می‌آید و قوی‌ترین ماده منفجره صنعتی است که سرعت انفجار آن ۷۵۰۰ متر در ثانیه و مقاومتش در مقابل آب بسیار زیاد و برای استفاده در عمق زیاد آب بسیار مناسب است.

blasting machine —————→ *explosor*

blasting plan طرح آتشباری (آتشباری)

طرحی که شامل جانمایی چالها، نوع مواد منفجره، زمانهای تاخیر، شیوه خرج گذاری و ترتیب آتش در زمان آتشباری است.

blasting rod —————→ *charging rod*

blasting velocity سرعت انفجار (آتشباری)

سرعت تجزیه یا سوختن ماده منفجره و به بیان دیگر، سرعت حرکت موج انفجار در سرتاسر ماده منفجره.

bleeder entry راهرو تخلیه گاز (معدن زیرزمینی)

راهروی که قبل از شروع استخراج در معدن زغالسنگ گازدار در اطراف یک پهنه یا بلوک استخراجی و در مسیر هوای خروجی حفر می‌شود تا هوای خروجی، گاز متصاعد شده از بلوک زغالی را همراه خود خارج کرده و از انباشته شدن گاز به هنگام استخراج جلوگیری کند.

blending همگن سازی (عمومی)

اختلاط چند ماده معدنی از یک نوع و با مشخصات متفاوت به مقادیر از پیش تعیین شده برای دستیابی به محصولی با مشخصات معین و یکنواخت.

blind shaft borer ماشین حفر چاه (حفر چاه و تونل)

ماشینی شبیه ماشین تمام مقطع که از آن برای حفر چاههای کور معدن به طور تمام مقطع، استفاده می‌کنند.

blind working راهرو کور (معدن زیرزمینی)

راهرو زیرزمینی‌ای که به سطح زمین یا راهروهای اصلی معدن راه ندارد.

block بلوک (معدن زیر زمینی)

۱- بخشی از کانسار یا معدن که به وسیله خطوط روی نقشه یا مرزهای حقوقی در شکل‌های هندسی محدود شده باشد.

۲- بخشی از معدن زیرزمینی که با حفر راهروهای مختلف از همه طرف باز می‌شود و قطعه‌ای مجزا را تشکیل می‌دهد.

کنده (نگهداری) *block*

قطعه‌ای چوب که برای پر کردن پشت وسایل نگهداری، یا محکم کردن قطعه‌ای از وسیله نگهداری به دیوار، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

روش استخراج تخریب توده‌ای (معدن زیرزمینی) *block caving method*

یک روش استخراج زیرزمینی، که در آن توده بزرگی از کانسنگ با ایجاد زیر برش آزاد شده و معمولاً تحت تأثیر نیروی ثقل، شکسته و خرد می‌شود.

قله بر (معدن روباز) *block cutter*

ماشینی برای بریدن سنگ، دارای یک یا چند دیسک گردان که بر روی لبه خارجی آنها، تیغه‌های الماسه نصب شده است.

شکست خمشی واژگونی (مکانیک سنگ) *block flexure toppling*

نوعی شکست که طی آن، تکه‌های سنگ به طور ستونی از توده اصلی جدا و واژگون می‌شوند و عامل آن وجود درزه‌های اریب است.

مدل بلوکی (معدن روباز) *block model*

مدلی براساس تقسیم یک کانسار و سنگ‌های باطله اطراف آن به مجموعه‌ای از اشکال هندسی دو بعدی یا سه بعدی مثل مربع، مستطیل، مکعب مستطیل و نظایر آنها. بسته به نوع کانسار، ابعاد این بلوک‌ها به گونه‌ای انتخاب می‌شود که با حداقل خطای ممکن بتوان بر روی آنها تصمیم‌گیری اقتصادی کرد. مجموعه داده‌های مربوط به بلوک‌ها شامل مختصات سه بعدی مرکز بلوک، خواص فیزیکی، مکانیکی، شیمیایی، فرآوری و متالورژیکی آنها، بانک اطلاعاتی کانسار را تشکیل می‌دهند.

ابعاد بلوک (مکانیک سنگ) *block size*

ابعاد بلوک سنگ که در اثر تقاطع دسته ناپیوستگی‌ها نسبت به همدیگر و نیز فاصله‌داری آنها حاصل می‌شود.

قواره سنگ (معدن روباز) *block stone*

قطعه سنگی که به وسیله ابزارهای خاص به شکل مکعب یا مکعب مستطیل بریده و استخراج شده باشد.

سنگ بلوکی و لایه‌دار (مکانیک سنگ) *blocky and seamy rock*

نوعی سنگ متشکل از قطعاتی که هر کدام از نظر شیمیایی بکر یا تقریباً بکراند اما به طور کامل از یکدیگر جدا و به طور ناقص در هم قفل شده‌اند.

blower fan بادبزن دمنده (تهویه)

بادبزنی که هوا را به داخل معدن یا لوله‌های تهویه می‌راند.

blowing road هواراه ورودی (معادن زیرزمینی)

چاه، تونل، یا راهرویی که هوای تازه ورودی را به معدن می‌رساند.

board and pillar → **room and pillar**

body waves امواج جسمی (آتشباری)

امواجی که از درون محیط الاستیک عبور می‌کنند و به دو دسته امواج طولی و عرضی تقسیم می‌شوند.

bolt پیچ (نگهداری)

میله‌ای که برای دوختن لایه‌های مختلف سنگی به یکدیگر، در داخل سنگ نصب می‌شود.

booster بوستر (آتشباری)

تقویت کننده ماده منفجره که با خرج اصلی متفاوت است و چاشنی ندارد و بر حسب شرایط کار بین لوله‌های ماده منفجره به کار می‌رود. به عنوان مثال لوله‌های دینامیتی که درون چالهای پر شده با انفو قرار می‌گیرند، بوستر به حساب می‌آیند.

booster fan بادبزن تقویتی (تهویه)

بادبزن‌های نسبتاً کوچکی که آنها را در بعضی از شاخه‌های شبکه تهویه نصب می‌کنند تا شدت جریان بیشتری از آنها عبور کند.

bootleg قسمت منفجره نشده چال (آتشباری)

قسمتی از یک چال انفجاری که پس از انجام عملیات آتشباری تقریباً سالم می‌ماند و شبیه ساق چکمه است و ممکن است حاوی مواد منفجره باشد که در آن صورت خطرناک است.

bore hole گمانه (حفاری اکتشافی)

سوراخ استوانه‌ای عمیقی که در سنگ‌ها حفر می‌شود و هدف از حفر آن معمولاً تهیه نمونه‌های استوانه‌ای شکل (مغزه) از ماده معدنی و سنگ‌های درونگیر اطراف آن در اعماق مختلف است. گاه ممکن است قسمتی از گمانه بدون مغزه‌گیری حفاری شود.

borehole jack**جک گمانه** (مکانیک سنگ)

نوعی دستگاه که برای بررسی اتساع سنگ‌ها در داخل گمانه به کار می‌رود و در آن، بار در امتداد قطری از گمانه اعمال می‌شود.

bottom**کف** (عمومی استخراج)

۱- سطح زیرین یک فضای زیرزمینی. ۲- کمر پایین یک لایه یا رگه. ۳- آخرین نقطه چاه. ۴- آخرین نقطه یک گمانه. ۵- آخرین تراز یک معدن زیرزمینی یا یک معدن روباز.

bottom charge**خرج ته چال** (آتشباری)

ماده منفجره قوی که در ته چال قرار می‌دهند.

bottom cut**برش پایینی** (آتشباری)

نوعی برش بادبزی که در آن تعدادی چال در پایین جبهه کار تونل به گونه‌ای حفر می‌شوند که زاویه تمایل آنها به سمت پایین باشد.

boulder**قله سنگ** (عمومی استخراج)

قطعه‌ای از سنگ که ابعاد آن بزرگ و یا آنقدر سنگین است که به آسانی نمی‌توان آنرا با دست بلند کرد و معمولاً در جریان حمل یا هوازگی، گوشه‌های آن گرد شده است.

boulder blasting → **secondary blasting****boundary****مرز** (عمومی استخراج)

حد یا مرز معدن، که در برخورد با پدیده‌های طبیعی، طبق مقررات حقوقی، یا برحسب ملاحظات اقتصادی تعیین می‌شود.

boundary element method**روش عناصر مرزی** (مکانیک سنگ)

روشی برای تحلیل رفتار مکانیکی سازه‌های سطحی و زیرزمینی که در آن، مرز حفریه و به بیان دیگر سطح داخلی آن به عناصر متعددی تقسیم و تحلیل می‌شود و توده سنگ درون حفریه بدون تغییر باقی می‌ماند. این روش از جمله روش‌های تحلیل عددی است.

boundary methods**روشهای مرزی** (مکانیک سنگ)

روشهایی برای تحلیل تنش و تغییر شکل در تونل‌ها یا سایر حفریات زیرزمینی که در آنها، مرز خارجی حفریات به عناصر مجزایی

تقسیم و بخش درونی توده سنگ به عنوان محیطی نامحدود در نظر گرفته می‌شود. از جمله مهمترین این روشها می‌توان به روش عناصر مرزی اشاره کرد.

boundary ventilation method

روش تهویه کناری (تهویه)

یک سیستم تهویه که در آن چاه‌های ورودی و خروجی هوا در طرفین معدن قرار دارند.

box cut

برش جعبه‌ای (معدن روباز)

قطعات بزرگ مکعب یا مکعب مستطیل شکل از سنگ‌های تزئینی که سطوح بالایی و جلویی آن از قبل به وسیله برش، آزاد شده باشد.

brake horse power (bhp)

قدرت ترمز (ترابری)

قدرت واقعی موتور در روی چرخ طیار آن که از طریق نیروی ناشی از ترمز اصطکاکی یا دینامومتر که بر روی چرخ طیار یا میل لنگ آن نصب می‌کنند، تعیین می‌شود. قدرت ترمز حاصلضرب قدرت تئوری در راندمان مکانیکی موتور است.

brake incline

چاه مایل ترمزی (معدن زیرزمینی)

چاه مایلی که در آن واگن‌های معدنی پر در اثر نیروی ثقل پایین می‌روند و واگن‌های خالی را به کمک جرثقیل بالا می‌آورند.

braddish → **brattice sheeting**

brattice cloth → **brattice sheeting**

brattish → **brattice sheeting**

brettice → **brattice sheeting**

brettis → **brattice sheeting**

brattice sheeting

پرده هوا (تهویه)

پارچه ضخیمی که به یک میله چوبی میخ شده و در مقطع حفریه معدنی آویزان می‌شود. این پرده، جریان هوای مورد نظر را محدود می‌کند ولی آنرا متوقف نمی‌سازد.

brazilian test

آزمایش برزیلی (مکانیک سنگ)

نوعی آزمون برای تعیین مقاومت کششی سنگ.

break even cut off grade

عیار حد سر به سری (عمومی استخراج)

عیار حدی که به ازای آن، در آمد ناشی از فروش محصول یا محصولات حاصل از یک تن سنگ معدن با هزینه‌های صرف شده تا مرحله تولید، برابر شود.

break even stripping ratio (BESR)

نسبت باطله برداری سر به سری (معادن روباز)

حاصل تقسیم تفاضل در آمد مربوط به فروش محصول یا محصولات حاصل از یک تن کانسنگ و هزینه‌های صرف شده تا مرحله تولید، بر هزینه یک تن باطله برداری.

break index

شاخص شکست (حفر چاه و تونل)

تعداد متوسط صفحات ضعیف سنگ مثل درزه، گسل، سطح لایه‌بندی، شکستگی و نظایر آن در امتداد یک خط برداشت افقی یا قائم در جبهه کار تونل.

breaker props

ستون تخریب (معادن زیرزمینی)

ردیف ستون یا جرزهایی که در کارگاه استخراج در امتداد یک خط نصب می‌شوند، تا سقف از پشت این خط، به طور طبیعی یا با آتشباری، تخریب یا شکسته شود.

breakthrough

میانبر تهویه (تهویه)

گذرگاهی برای تهویه که در لنگه‌های زغال سنگ واقع در بین اتاق‌ها حفر می‌شود.

breast

جبهه کار (معادن زیرزمینی)

سطح انتهایی هر حفاری زیرزمینی، که حفر سنگ و یا ماده معدنی از آن سطح انجام می‌شود و با حفاری آن، پیشروی انجام می‌گیرد.

breast stoping method

روش استخراج جبهه کاری (معادن زیرزمینی)

یک روش استخراج زیرزمینی که در مورد لایه‌ها یا رگه‌های کم شیب به کار می‌رود و در آن، ماده معدنی استخراج شده در اثر نیروی ثقل جابه‌جا نمی‌شود، بلکه پس از حفر، باید با وسیله‌ای بارگیری شود.

breast mining —————→ *breast stoping*

breasting jacks

جک‌های جبهه کار (حفر چاه و تونل)

جک‌هایی که در قسمت جلویی سپر نصب می‌شوند و وظیفه آنها، نگهداری حائل‌های جبهه کار است.

breather tube method

روش لوله وزشی (نگهداری)

نوعی روش تزریق دوغاب به داخل چال برای محکم کردن کابل‌های مهاری.

bridge conveyer

نوار حد واسط (ترابری)

نواری کوتاه بین نوار اصلی و نوار بار کننده که در واقع پلی بین بارکننده و نوار باربر در کارگاه استخراج است. این نوار واسط، به بارکننده متصل است و بار آن را به نوار باربر منتقل می‌کند. این ارتباط به گونه‌ای است که تغییر مکان بارکننده برای بارگیری مواد پخش شده جبهه کار، موجب قطع انتقال بار به باربر نمی‌شود.

brisance

قدرت خردکنندگی (آتشباری)

قابلیت ماده منفجره برای شکستن سنگ که به سرعت انفجار بستگی دارد.

brittle fracture

شکستگی ترد (مکانیک سنگ)

نوعی شکستگی که طی آن، مقاومت سنگ در امتداد صفحه‌ای معین به طور ناگهانی سقوط می‌کند و شکستگی اتفاق می‌افتد. تغییر شکل دائمی ایجاد شده در آن صفر یا بسیار ناچیز است.

bucket

جام (ترابری)

۱- مخزن، دلو یا سطلی دسته‌دار که برای حمل سنگ و خاک کنده شده از کف چاه، حمل آب، حمل وسایل، یا نفربری مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۲- هر یک از واحدهای حمل مواد در یک نقاله صندوقه‌ای یا یک بالابر بیلچه‌ای. ۳- بیل یا جام لودر.

bucket auger —————→ *auger*

bucket fill factor

ضریب پر شدن جام (ترابری)

نسبت حجم خاک و سنگ برداشته شده به وسیله جام دستگاه بارکننده به ظرفیت لبالب آن. این ضریب در واقع درصدی از ظرفیت جام بارکننده یا صندوقه باربر است که در بعضی شرایط ممکن است از ۱۰۰ درصد نیز بیشتر شود.

bucket wheel excavator**حفار بارکننده بیل چرخشی (ترابری)**

نوعی ماشین حفار بارکننده با صندوقه گردان که از تعدادی صندوقه تشکیل شده است که به محیط چرخ گردانی متصل‌اند و با نفوذ در مواد، آنها را بارگیری و به درون تسمه نقاله واقع در زیر صندوقه تخلیه می‌کنند. این مواد در طول نوار حرکت می‌کنند و در بخش انتهایی به سیستم حمل و نقل تخلیه می‌شوند. این بارکننده در عملیات خاکی با حجم بالا، معادن سطحی و حفر کانال‌ها به کار می‌رود. انواع کوچک آن که به بارکننده بیل چرخشی شباهت دارند، در گودبرداری شیارهای لوله آب، گاز، و نفت به عنوان کانال کن مورد استفاده قرار می‌گیرند.

buffer blasting**آتشباری ضرب خور (آتشباری)**

نوعی آتشباری کنترل شده که ترکیبی از روش پیش شکافی و آتشباری صاف است. در این روش سطح ضرب خوری ایجاد می‌شود که موجب جذب انرژی آزاد شده از انفجار اصلی و کنترل میزان خردشدگی در سنگ‌های واقع در بین چالهای زون ضرب خور و زون پیش شکافی می‌شود.

bulk**توده (عمومی)**

سنگ یا کانسنگ استخراجی انباشته شده به مقدار زیاد.

bulk explosive**ماده منفجره فله‌ای (آتشباری)**

ماده منفجره‌ای که برای استفاده به صورت فله آماده شده است.

bulk strength**قدرت حجمی (آتشباری)**

میزان انرژی آزاد شده به ازای واحد حجم ماده منفجره.

bulldozer**بولدوزر (ترابری)**

ماشینی که در جلوی آن تیغه‌ای برای کندن، بار کردن و جابه‌جا کردن مواد و در عقب آن، کلنگ‌هایی برای شکافتن خاک و سنگ‌های نرم نصب شده است. بولدوزر برای عملیات باطله برداری و خدمات در معادن، تمیز کردن، تسطیح زمین و راهسازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

bump**پوکیدن (معادن زیرزمینی)**

ضربه ناشی از جا به جایی ناگهانی و شکست سقف یا کف یا دیوارها، یا ترکیدن سنگ یا زغالسنگ، همراه با صدای زیاد و لرزش حفاریات معدنی با اثر تخریبی یا بدون آن.

bunker (عمومی) **بونکر**

مخزن یا انباره‌ای که از فولاد یا مصالح ساختمانی ساخته شده و یا در سنگ حفر می‌شود و برای انباشتن مواد و سنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. قسمت پایینی آن معمولاً کوچکتر و به شکل قیف است.

bunton (معادن زیرزمینی) **باتتون**

هر یک از تیرهای افقی چوبی یا فلزی که به فاصله‌های معینی در داخل چاه معدنی نصب می‌شوند و ریل‌های بالابر، بر روی آنها قرار می‌گیرد. این تیرها سطح مقطع چاه را برای کارهای مختلف به چند خانه تقسیم می‌کنند.

burden (آتشباری) **بارسنگ**

کمترین فاصله بین چال تا سطح آزاد. در آتشباری معادن روباز این مشخصه عبارت از فاصله ردیف چالها تا لبه پله است اما در آتشباری تونل‌ها، فاصله چال تا سطح آزاد ایجاد شده در اثر انفجار چالهای برش محسوب می‌شود.

burn hole (آتشباری) **چال خالی**

چالی که فاقد ماده منفجره است و بر حسب نیاز در مرکز برش حفر می‌شود. این گونه چالها به دو منظور حفر می‌شوند، یکی کسب اطلاع از کیفیت و سختی سنگ به منظور تعیین نوع ماده منفجره و مقدار آن، و دیگری ایجاد سطح آزاد برای سایر چالهای برش.

bus wire —————> **connecting wire**

button bit (چالزنی) **سرمرته دکمه‌ای**

نوعی سرمرته که در آن ارتفاع دندانها بسیار کم و جنس آنها از کاربید تنگستن و سردندانها کاملاً صاف و گرد است و از آنجا که شبیه دکمه است به این نام خوانده می‌شود. این سرمرته در سنگ‌های بسیار سخت کاربرد دارد.

buttressing —————> **retaining wall** **دیواره سنگی** ← **دیواره حایل**

bypass (معادن زیرزمینی) **کنارگذر**

راهرو کوتاهی که قسمتی را که عبور از داخل آن ممکن یا به صلاح نیست، دور می‌زند. مثل کنارگذر دور چاه.

C

cable bolt

کابل مهاری (نگهداری)

کابل فولادی محکمی که تا دهها تن نیرو را تحمل می‌کند و آنرا همراه با ملات سیمان در چالی که از قبل آماده شده قرار می‌دهند که پس از سخت شدن ملات، گیرش سرتاسری مناسبی تامین می‌شود. این کابل‌ها در مواردی به کار می‌روند که بار وارده، از حد تحمل پیچ سنگ‌ها و داوولهای موجود تجاوز کند.

cable bridge

پل کابلی (معادن روباز)

پلی زیرگذر، موقت و قابل جا به جایی که در معادن روباز، کابل برق رسانی به شاولیهای برقی از روی آن و کامیون‌های معدنی از زیر آن عبور می‌کنند.

cable connector

اتصال (خدمات فنی)

وسیله‌ای که برای متصل کردن دو کابل برق به یکدیگر به کار می‌رود.

cable drill

ماشین حفاری کابلی (حفاری)

نوعی ماشین حفاری که با سیستم ضربه‌ای کار می‌کند و معمولا برای حفر چاه‌های آب با قطر بیش از ۱۵ سانتیمتر به کار می‌رود. اولین چاه نفت در آمریکا به عمق ۲۰ متر به وسیله این ماشین حفر شده است. در این دستگاه، حفاری در اثر ضربه‌هایی پی در پی که سرمته‌های فولادی به سنگ وارد می‌کنند، انجام می‌گیرد. سرمته‌های این ماشین بزرگ و سنگین‌اند و با سرمته‌های ماشینهای دورانی تفاوت دارند.

بارکننده کاکتوسی (ترابری) *cactus grab*

بارکننده‌ای با جام چنگالی که جام آن از تعدادی فک لولا شده به یکدیگر تشکیل شده است و هر یک از فک‌های جام به وسیله چک هیدرولیکی مستقلی باز یا بسته می‌شود. عملیات بارگیری و تخلیه مواد درون جام در برابر که نوعی دلویا بادیه است، از طریق جرثقیل مستقر در سکوی کار هدایت می‌شود.

قفس (ترابری) *cage*

نوعی صندوقه حمل و نقل نفرت، بار، و تجهیزات در چاه‌های معدنی قائم و مایل.

شمع جدید (خدمات فنی) *candela*

واحد اندازه‌گیری شدت نور که معادل جریان نور یک لومن در داخل زاویه فضایی یک استرادیان است. شمع $\frac{1}{\pi}$ شدت نوری است که یک جسم سیاه مانند اکسید توریم به مساحت یک سانتیمتر مربع در دمای ذوب پلاتین (1753°) در امتداد عمود بر سطح از خود ساطع می‌کند.

کلاهک (نگهداری) *cap*

چوبی که برای نگهداری تونل‌ها، در قسمت بالای یک قاب چوبی نصب می‌شود.

cap → *detonator cap*

انبردست آتشباری (آتشباری) *cap crimper*

انبردستی که برای محکم کردن فتیله اطمینان در داخل چاشنی به کار می‌رود.

ظرفیت (اقتصاد معدنی) *capacity*

حداکثر مقدار تولید در واحد زمانی معین که برای مدتی طولانی همچنان حفظ شود.

سرمایه (اقتصاد معدنی) *capital*

مالی که از آن عایدی به دست می‌آید. به بیان کلی‌تر، سرمایه عبارت از دارایی‌های کل یک واحد اقتصادی است.

کالای سرمایه‌ای ← سرمایه

capital expenditure هزینه سرمایه‌ای (اقتصاد معدنی)

هزینه تجهیز معدن تا قبل از شروع بهره‌برداری که شامل هزینه‌های حق امتیاز، مطالعات، ساخت، احداث، خرید تجهیزات، آماده سازی مقدماتی و سرمایه در گردش است.

car واگن (ترابری)

ارابه چهار چرخه که بر روی ریل فولادی حرکت می‌کند و خود جزئی از قطار است و صندوقه‌ای برای حمل بار دارد.

carbide lamp → *acetylene lamp*

cardox کاردوکس (آتشباری)

نوعی سیستم آتشباری بدون شعله که در آن برای انفجار سنگ‌ها، از انرژی حاصل از انبساط دی‌اکسید کربن استفاده می‌شود. کپسول حاوی دی‌اکسید کربن مایع را همراه با مقداری مواد سوزا و آتش‌زنه در داخل چال قرار می‌دهند و آنرا مسدود می‌کنند. پس از اتصال برق آتش‌زنه، جسم سوزا می‌سوزد و گرمای آن باعث باز شدن درپوش کپسول می‌شود و در نتیجه تبدیل دی‌اکسید کربن مایع به گاز، فشار زیادی تولید می‌شود که سنگ‌ها را می‌ترکاند.

careful blasting → *controlled blasting*

cartridge لول (آتشباری)

استوانه‌ای از دینامت یا سایر مواد منفجره که به دور آن کاغذ مخصوصی پیچیده شده باشد.

casing لوله جداری (حفاری اکتشافی)

لوله‌ای که برای جلوگیری از ریزش دیواره گمانه یا چاه در داخل آن نصب می‌کنند.

catastrophic failure شکست ناگهانی (مکانیک سنگ)

نوعی شکست که علائم و اخطار اولیه آن بسیار کم است و با سرعت زیاد اتفاق می‌افتد.

caunche کف کنی (معادن زیرزمینی)

کندن کف یا سقف یک راهرو زیرزمینی برای افزایش ارتفاع آن.

*cave***تخریب (معدن زیرزمینی)**

سیستمی که طی آن اجازه داده می‌شود که سقف کارگاه استخراج، بدون نگهداری باقی بماند تا سرانجام ریزش کند.

*cave in***فروکش کردن (معدن زیرزمینی)**

۱- ریزش سقف کارگاه استخراج که گاه تا روی سطح زمین ادامه می‌یابد. ۲- ریزش یک دیواره ناپایدار در حفاریات سطحی.
۳- ریزش سقف یا دیواره‌های یک حفیره زیرزمینی.

*cave line***خط تخریب (نگهداری)**

آخرین خط وسایل نگهداری در کارگاه استخراج در روش استخراج جبهه کار بلند که با جا به جایی این خط به طرف جلو، سقف پشت سر آن شکسته شده و تخریب می‌شود.

*caved zone***منطقه تخریب شده (نگهداری)**

سقف بلافاصل کارگاه استخراج که ریزش کرده و ضخامت آن ۲ تا ۸ برابر ارتفاع کارگاه استخراج یا ضخامت ماده معدنی است. در این منطقه، قطعات سنگ از سقف کارگاه ریزش می‌کنند و از آنجا که حجم ظاهری سنگ‌های تخریب شده بیش از حجم آنها به حالت برجا است، به زودی فضای خالی شده در اثر استخراج را پر می‌کنند و پس از آن، ریزش متوقف می‌شود.

*caving methods***روشهای استخراج تخریبی (معدن زیرزمینی)**

گروهی از روشهای استخراج زیرزمینی که در آنها طی یکی از مکانیسم‌های زیر تخریب انجام می‌گیرد. یکی آنکه کانسنگ با ایجاد زیر برش آزاد شده و تحت تأثیر نیروی ثقل تخریب شود و ریزش کند. دیگر آنکه کانسنگ در برشهای متوالی افقی یا مایل، از بالا به پایین استخراج شده و اجازه داده شود که سقف ریزش کرده و فضای خالی شده را پر کند.

*cavitation***کاویتاسیون (آبکشی)**

پدیده‌ای که در تلمبه‌های گریز از مرکز در حالتی که فشار آب در ورود به تلمبه خیلی کم باشد اتفاق می‌افتد و در نتیجه، در قسمت مکش، مقداری بخار آب تولید شده که در داخل تلمبه، مجدداً بخار به مایع تبدیل می‌شود و این امر خوردگی شدید پره‌ها را در پی دارد.

*cement grout***دوغاب سیمان (ژئوتکنیک)**

مخلوط رقیقی از آب، سیمان و ماسه که قابل پمپاژ است و برای تحکیم سنگ‌ها از طریق چالها یا گمانه‌های ویژه‌ای که به این منظور حفر شده‌اند، به داخل سنگ تزریق می‌شود.

center cutter**ابزار برش مرکزی (حفر چاه و تونل)**

آن دسته از ابزار برش که در قسمت مرکزی صفحه حفار ماشین تمام مقطع نصب می‌شوند و وظیفه حفر مرکز جبهه کار را به عنوان بخش حفاری پیشاهنگ، به عهده دارند و معمولاً از نوع غلتکی هستند.

central ventilation method**روش تهویه مرکزی (تهویه)**

نوعی سیستم تهویه که در آن چاههای ورود و خروج هوا در مرکز معدن قرار دارند و هوا پس از عبور از کلیه قسمت‌های شبکه تهویه مجدداً به مرکز معدن بر می‌گردد و از چاه خروجی خارج می‌شود.

centrifugal pump**تلمبه گریز از مرکز (آبکشی)**

تلمبه‌ای که بر اساس نیروی گریز از مرکز حاصل از دوران پره‌های متصل به چرخ دوار آن، کار می‌کند. در این تلمبه‌ها، آب از چشم تلمبه وارد شده و پس از تغییر جهت ۹۰ درجه، در امتداد مماس با پره‌ها حرکت می‌کند و سرانجام وارد مجرای حلزونی اطراف چرخ‌دوار می‌شود.

chain conveyor**ناو زنجیری (ترابری)**

زنجیر متحرک بی‌انتهایی که پاروکهایی به آن متصل است و در فضای درون ناو فلزی در کارگاه استخراج، زغال یا سایر مواد معدنی را جابه‌جا می‌کند.

change house**رخت کن (عمومی)**

ساختمان یا محلی که در آن کارگران معدن لباس‌های تمیز خود را با لباس کار تعویض می‌کنند و بالعکس. رخت کن ممکن است با حمام معدن نیز همراه باشد.

charge**خرج (آتشباری)**

مقدار ماده منفجره‌ای که در چال قرار می‌دهند.

charging**خرج‌گذاری (آتشباری)**

عملیات قرار دادن مواد منفجره در داخل چال. اگر ماده منفجره به صورت لول باشد، معمولاً آنرا با دست در داخل چال قرار می‌دهند و در مورد مواد منفجره پودری و مایع، گاه از ماشین‌های ویژه استفاده می‌کنند.

charging rod**سنبله (آتشباری)**

میله چوبی یا پلاستیکی که برای کوبیدن خرج در داخل چال به کار می‌رود.

chisel bit

سرتمه اسکنه‌ای (چالزنی)

نوعی سرتمه تیغه‌ای که معمولاً برای حفر چال‌های به قطر کمتر از ۷۵ میلیمتر به کار می‌رود.

chock

گوه (نگهداری)

نسل اولیه پایه‌های قدرتی که چهار پایه هیدرولیکی قائم دارند که به یک سینی افقی متصل‌اند. دستگاه مجهز به یک جک هیدرولیکی افقی نیز هست که به کمک آن هر بار پس از پیشروی جبهه کار، پایه را به جلو می‌راند.

churn drill —————> *cable drill**chute*

ریزشگاه (معدن زیرزمینی)

۱- دوپل کوتاه کانه ریز یا زغال‌ریز، بین کارگاه استخراج و راهروی باربری ۲- مجرای پرشیب برای ریختن سنگ یا مواد از یک سطح به سطح پایین‌تر ۳- ناودانی پرشیب.

chute system

روش استخراج ریزشی (معدن زیرزمینی)

نوعی روش استخراج که در آن کانسنگ استخراج شده از معدن روباز از طریق یک شوت یا دوپل به داخل قیفی که در راهروی باربری زیرزمینی احداث شده است، ریخته می‌شود.

circuit – breaker

مدار شکن (خدمات فنی)

وسیله‌ای که در مسیر تغذیه دستگاه‌های برقی تعبیه می‌شود تا در مواقع غیر عادی، مثل بالا رفتن یا پایین آمدن بیش از حد ولتاژ، قسمتی از مدار را که این وضعیت غیرعادی در آن پیش آمده است از شبکه جدا سازد.

circuit tester

مدار سنج (آتشباری)

نوعی اهم‌متر که به کمک آن می‌توان اتصال الکتریکی مدار انفجار را کنترل کرد.

circular failure

شکست دایره‌ای (مکانیک سنگ)

نوعی شکست که در خاک یا سنگ‌های به شدت درزه‌دار یا سنگ‌های هوازده و ضعیف رخ می‌دهد و عمدتاً در شیب‌های خاکی مشاهده می‌شود.

circular slide

لغزش دایره‌ای (مکانیک سنگ)

لغزش توده سنگ در راستای سطوحی منحنی و قاشقی شکل.

clamshell**بیل منقاری (ترابری)**

جام دو قسمتی بدون دندان که مخصوص بارگیری مواد کنده شده و نرم است. بیل منقاری به تمام انواع جام‌های بارگیری دو قسمتی، که از دو بخش لولا شده مجزا تشکیل شده باشند، اطلاق می‌شود. این بیل نوعی جام چنگالی است.

clamshell hoist**جرثقیل حفار (حفر چاه و تونل)**

ماشین حفار ویژه‌ای که برای اجرای تونل به روش کند و پوش به کار می‌رود. بدین منظور، دستگاه را در سطح زمین مستقر می‌کنند و به وسیله آن از ترانشه خاکبرداری می‌کنند تا به تراز تونل برسند. ماشین، خاک‌های حفر شده را به داخل کامیون‌هایی که در سطح زمین مستقر هستند، تخلیه می‌کند.

clamshell loader**بارکننده بیل منقاری (ترابری)**

بارکننده‌ای با جام منقاری که به کمک کابل فولادی جرثقیل، بار خود را از تلبار مواد بارگیری کرده و با چرخش و قرارگیری در محل تخلیه، آن را خالی می‌کند. این بارکننده مخصوص بلند کردن بار از محل تلبار مواد معدنی و تخلیه آن در درون قیف‌ها و یا صندوقه باربرهاست و از آن برای بارگیری و تخلیه کشتی‌ها در بنادر، عملیات خاکبرداری دهانه چاه‌های عمیق، یا پی‌کنی سازه‌های صنعتی استفاده می‌شود.

بارکننده چنگالی ← بارکننده بیل منقاری**cleat****درزهای زغال (زغالسنگ)**

سیستم درزه‌ها، صفحات کلیواژ و سطوح ضعیف در زغالسنگ. این سطوح جدایش، به کندن و شکسته شدن زغالسنگ کمک می‌کنند.

closed network**شبکه بسته (خدمات فنی)**

نوعی شبکه توزیع برق که در آن، هر مصرف‌کننده حداقل از دو طرف تغذیه می‌شود.

closed shield**سپر بسته (حفر چاه و تونل)**

نوعی سپر که برای حفر تونل در زمینهای بسیار سست و ریزشی به کار می‌رود و در آن، قسمت جلوی سپر به وسیله یک صفحه فولادی محکم بسته می‌شود. این صفحه، پنجره‌هایی دارد که از طریق آنها می‌توان خاک جبهه کار را حفر و آنرا به پشت سپر، بارگیری و حمل کرد.

زغالسنگ (زغالسنگ) *coal*

یک ماده معدنی سوختنی، که بیش از ۵۰ درصد وزنی یا بیش از ۷۰ درصد حجمی، مواد کربنی دارد و از بقایای گیاهان تشکیل شده است. برحسب نوع گیاه، درجه دگرگونی، درجه خلوص و سایر خواص، انواع مختلفی از زغالسنگ وجود دارد.

coal auger → *auger*

بریکت زغالسنگ (زغالسنگ) *coal briquette*

زغالسنگی که برای سهولت سوزاندن به شکل آجرهای کوچک مکعب مستطیلی یا تخم مرغی فشرده شده باشد.

زغالبر (معدن زیرزمینی) *coal cutter*

ماشینی که برای استخراج زغالسنگ در روش جبهه کار بلند مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماشین به وسیله یک کابل یا زنجیر بر روی کف کارگاه کشیده می‌شود و بازویی دارد که بر روی آن زنجیر بی‌انتهایی به وسیله یک موتور در حال گردش است. بر روی زنجیر، دندان‌های برشی نصب شده است که در حال گردش زنجیر، زغال را حفر می‌کند. این ماشین می‌تواند در داخل لایه زغالسنگ و به ویژه در زیر آن، شیار ایجاد کند.

گرد زغال (ایمنی) *coal dust*

دانه‌های ریز زغالسنگ که به هنگام حفر زغال در معدن یا به هنگام خرد کردن آن در کارخانه زغالشویی، تولید شده و در فضا پراکنده می‌شود. گرد زغال معمولاً سریع‌الاشتعال و قابل انفجار است و وجود آن به اندازه معین در هوای معدن ممکن است باعث ایجاد بیماری خاص ناشی از تنفس گرد زغال در کارکنان معدن شود.

انفجار گرد زغال (ایمنی) *coal dust explosion*

انفجار حاصل از گرد زغال موجود در هوای معدن که معمولاً به سرعت به سایر مکان‌های معدن سرایت می‌کند و باعث آتش گرفتن گرد زغالی که بر دیواره‌ها، وسایل نگهداری، و اشیاء داخل معدن رسوب کرده است، می‌شود.

جبهه کار زغال (معدن زیرزمینی) *coal face*

سطحی از کارگاه استخراج که دارای زغالسنگ است و زغالسنگ از آنجا حفر می‌شود.

منطقه زغالخیز (زغالسنگ) *coal field*

منطقه‌ای که دارای کانسارهای شناخته شده زغالسنگ است.

coal measures

سازندهای زغالدار (زغالسنگ)

سازندهایی که دارای لایه‌های زغالسنگ‌اند.

coal mining methods

روش‌های استخراج زغالسنگ (معادن زیرزمینی)

روش‌های استخراج زغالسنگ، که به دلیل ویژگی‌های معادن زغالسنگ، گروه ویژه‌ای را تشکیل می‌دهند.

coal plough

رنده زغالتراش (معادن زیرزمینی)

دستگاهی که برای استخراج زغالسنگ در روش استخراج جبهه کار بلند مورد استفاده قرار می‌گیرد. انواع قدیمی این دستگاه تیغه‌ای داشت که با فشار بر روی سطح جبهه کار زغال به حرکت در می‌آمد و پوسته‌ای از زغالسنگ را حفر می‌کرد. در انواع جدید به جای تیغه، دندان‌های برشی سخت نصب شده است. رنده بر روی ناو زنجیری زرهی قرار می‌گیرد و با یک زنجیر که به وسیله دو وینچ در دو انتهای جبهه کار حرکت می‌کند، کشیده می‌شود.

coal plow → *coal plough**coefficient of adhesion*

ضریب چسبندگی (ترابری)

ضریب کشش محور محرک وسیله نقلیه که میزان نیروی کشش واحد وزن روی چرخ متحرک را بیان می‌دارد و به آن ضریب کشش یا ضریب اصطکاک چرخ متحرک نیز می‌گویند. از آنجا که امکان دگر چسبی صددرصد در چرخ متحرک وجود ندارد، بنابراین ضریب چسبندگی همواره کوچکتر از واحد است.

بالابر ← صندوقه حمل

cogging

شمع‌گذاری (نگهداری)

نصب ستون‌هایی در کارگاه استخراج که با کوبیدن یک گوه در بالا، آنها را به زیر سقف محکم می‌کنند و خیلی نزدیک به هم نصب می‌شوند.

coking coal

زغالسنگ کک‌شو (زغالسنگ)

زغالسنگی که قابلیت تبدیل به کک را دارد.

collapse

فروریختن (معادن زیرزمینی)

ریزش کامل و یکباره دیوارها یا سقف یک حفیره زیرزمینی.

collar دهانه چاه (معدن زیرزمینی)

۱- محل شروع چاه از سطح زمین. ۲- چوب بندی یا استحکام بتنی اطراف دهانه یا سرچاه. ۳- اولین قاب نگهداری چاه. ۴- فاصله سر چاه تا عمقی که احتیاج به استحکام بیشتری دارد و معمولاً با بتن یا آجر ساخته می‌شود.

colliery معدن زغال سنگ (عمومی استخراج)

معدن زغال سنگ و تاسیسات سطحی آن.

column charge خرج میان چال (آتشباری)

خرجی که از خرج ته چال بالاتر و قدرت آن از خرج ته چال کمتر است.

combined connection network شبکه تهویه مرکب (تهویه)

حالت کلی شبکه‌های تهویه که در آن شاخه‌ها به شکل‌های مختلف به هم متصل‌اند و در حالت کلی از مجموعه‌ای از شبکه‌های سری، موازی و قطری تشکیل شده است.

combined ventilation method روش تهویه ترکیبی (تهویه)

نوعی سیستم تهویه فرعی که در آن ابتدا به روش مکشی هوای آلوده را از جبهه کار خارج می‌سازند و سپس با تغییر سیستم از مکشی به دهشی، هوای تازه را به جبهه کار هدایت می‌کنند.

commercial granite گرانیت تجاری (سنگهای تزئینی)

اصطلاح عمومی برای هر نوع سنگ ساختمانی تزئینی سخت و بلورین که ممکن است از جنس گرانیت، گنایس، سینیت، مونزونیت، گرانودیوریت و نظایر آنها باشد.

commercial marble مرمر تجاری (سنگهای تزئینی)

اصطلاح عمومی برای هر نوع سنگ ساختمانی تزئینی بلورین کربناته که قابلیت برش، صاب و صیقل داشته باشد.

common detonator چاشنی معمولی (آتشباری)

نوعی چاشنی برای انفجار دینامیت که خود با فتیله اطمینان منفجر می‌شود و خرج اصلی درون چال را منفجر می‌سازد. این چاشنی از استوانه‌ای فلزی از جنس برنج یا آلومینیوم به طول ۴۵ تا ۵۰ و قطر ۶ تا ۷ میلیمتر موسوم به پوکه تشکیل شده است که در کف آن تتریل فشرده به عنوان خرج اصلی و روی آن به ترتیب فولمینات جیوه وازتور سرب فشرده قرار دارد که با پولکی پوشیده می‌شود. قسمت بالای این استوانه خالی است و فتیله در داخل این قسمت قرار می‌گیرد.

compressed air**هوای فشرده (خدمات فنی)**

هوای آزاد که به وسیله کمپرسور فشرده شده و به فشار معینی رسیده است. هوای فشرده با استفاده از شبکه خط لوله، در سراسر معدن توزیع می‌شود و نیروی محرکه بسیاری از تجهیزات معدنی را تشکیل می‌دهد.

compressed air shield**سپر هوای فشرده (حفر چاه و تونل)**

نوعی سپر برای حفر تونل در زمینهای آبدار که در آن، به منظور جلوگیری از هجوم آب به داخل تونل، با استفاده از هوای فشرده، فشار هوای داخل سپر را بالا می‌برند که این امر مانع ورود آب به جبهه کار می‌شود.

compression ratio**نسبت تراکم (خدمات فنی)**

نسبت فشار مطلق هوای فشرده خروجی از کمپرسور بر فشار مطلق هوای ورودی به آن.

compressor**کمپرسور (خدمات فنی)**

دستگاهی که برای تولید هوای فشرده به کار می‌رود و معمولاً دو نوع پیچی و رفت و برگشتی آن در معادن متداول است.

compressor capacity**ظرفیت کمپرسور (خدمات فنی)**

شدت جریان هوای آزاد ورودی به کمپرسور که معمولاً آنرا برحسب فوت مکعب در دقیقه (cfm)، بیان می‌کنند.

concrete**بتن (نگهداری)**

مخلوطی از شن، ماسه، سیمان و آب با نسبت‌های معین که بر اثر ماندن سخت می‌شود و به شکل سنگ در می‌آید و از آن برای انواع کارهای ساختمانی و نگهداری فضاهای زیرزمینی استفاده می‌شود.

concrete liner**آستر بتنی (نگهداری)**

دیواره‌ای بتنی که به منظور نگهداری دائمی چاه، با استفاده از قالبهای آهنی و بتن ریزی در جا، احداث می‌شود.

concussion zone**منطقه لرزش (آتشباری)**

منطقه‌ای که به هنگام آتشباری بلافاصله پس از منطقه گسستگی قرار دارد و در آن، قدرت امواج ناشی از انفجار کم است و قادر به خرد کردن سنگ‌ها نیست و فقط آنها را دچار لرزش و ارتعاش می‌کند.

cone type bit **سرمته چرخشی مخروطی (چالزنی)**

نوعی سرمته که در آن دو تا چهار ردیف دندانه به شکل V تعبیه شده است. برای حفاری سنگ‌های سخت، اندازه دندانه‌ها کوتاه و فاصله آنها از یکدیگر کم می‌شود.

connecting cable —————→ *connecting wire*

connecting plates **صفحات اتصالی (نگهداری)**

صفحات کوچک فلزی که برای اتصال قطعات مختلف قابهای فولادی صلب به یکدیگر به کار می‌روند.

پشت بند ←———— **صفحات اتصالی**

connecting wire **کابل رابط (آتشباری)**

کابلی که رشته سیمهای چاشنی‌های برقی را به منبع برق وصل می‌کند.

consolidation hole **چال استحکامی (ژئوتکنیک)**

چالی که برای تزریق سیمان یا صمغ به درون درز و شکافهای سنگ و به منظور افزایش مقاومت آن حفر می‌شود.

constant stripping ratio **نسبت باطله برداری ثابت (معادن روباز)**

نسبت باطله برداری، وقتی که به گونه‌ای برنامه ریزی شود که در طول عمر معدن ثابت بماند.

contactor **کلید اتصال (خدمات فنی)**

کلید ویژه‌ای که از یک مدار مغناطیسی تشکیل شده است و برای قطع و وصل مدارهای با فشار یا شدت جریان بالا به کار می‌رود.

continuous deformation zone **منطقه تغییر شکل پیوسته (نگهداری)**

منطقه‌ای در کارگاه استخراج که در حدفاصل منطقه شکسته و سطح زمین قرار دارد. در این منطقه، طبقات بدون آنکه شکستگی مهمی در آنها رخ دهد، به طور پیوسته تغییر شکل می‌دهند.

contineous miner **ماشین حفار پیوسته (معادن زیرزمینی)**

دستگاهی که عمل حفر و بارگیری را انجام می‌دهد و برای حفر راهروها یا جبهه کارهای با عرض کم (جبهه کار کوتاه) مناسب است

و بار را از پشت به واگن یا دستگاه باربری می‌ریزد. حفاری با این دستگاه بدون چالزنی و آتشباری انجام می‌شود و بیشتر برای سنگ‌های نرم و به ویژه زغالسنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آتشباری کنتوری (آتشباری) *contour blasting*

نوعی سیستم آتشباری که در آن شکستگی‌های ناخواسته، کنترل و از ایجاد خسارت به سطح باقیمانده سنگ جلوگیری می‌شود.

خط تراز (عمومی) *contour line*

خطی که در تمام نقاط آن، مقدار یک عامل متغیر، ثابت است، مثل خطوط هم تراز در نقشه توپوگرافی، خطوط هم عیار یا خطوط هم ضخامت در یک کانسار.

روش استخراج کنتوری (معادن روباز) *contour mining method*

روشی برای استخراج لایه‌های افقی در مناطق مرتفع که طی آن، استخراج کانسنگ از رخنمون لایه تا آنجا ادامه می‌یابد که با معیار نسبت باطله برداری سر به سری سنجیده شود.

منطقه انقباض (آتشباری) *contraction zone*

منطقه‌ای که بلافاصله در مجاورت ماده منفجره در حال انفجار قرار دارد و در آن، در اثر فشار حاصل از انفجار، تنشهای قابل توجهی اثر می‌کند.

آتشباری کنترل شده (آتشباری) *controlled blasting*

نوعی سیستم آتشباری که در آن لطمه‌های ناشی از ارتعاش زمین، پرتاب سنگ، و عقب‌زدگی، به توده سنگ باقیمانده، کنترل می‌شود.

تخریب کنترل شده (معادن زیرزمینی) *controlled caving*

تخریب تحت کنترل در روش جبهه کار بلند به این صورت که با جابه‌جا کردن جرز و وسایل نگهداری در خط تخریب، عمل تخریب سقف به طور دلخواه انجام می‌شود.

حفاری مغزه‌گیری معمولی (حفاری اکتشافی) *conventional core drilling*

نوعی روش حفاری متداول که در آن گل حفاری از دورن سوراخ مرکزی لوله‌های حفاری به ته گمانه یا چاه جریان می‌یابد تا ذرات حفر شده از فضای حلقوی بین جداره خارجی لوله حفاری و دیواره گمانه به سطح زمین منتقل شود.

convergencemeter

همگرایی سنج (نگهداری)

ابزاری که برای اندازه‌گیری میزان همگرایی در حفريات سطحی و زیرزمینی به کار می‌رود.

conveyance

باربر (ترابری)

۱- هر نوع وسیله حمل و نقل مواد معدنی، باطله، نفرات، و تجهیزات که از انواع آن می‌توان به قفس در چاه، واگن در معادن زیرزمینی، یا کامیون در معادن سطحی اشاره کرد. ۲- صندوقه‌ای برای باربری مواد، نفرات، و تجهیزات در چاه که ممکن است قفس، اسکپ، یا ترکیبی از قفس و اسکپ باشد.

cordtex → *detonating fuse*

کرتکس ← فتیله انفجاری

core barrel

مغزه‌گیر (حفاری اکتشافی)

استوانه فلزی توخالی که مغزه حفر شده در داخل آن قرار می‌گیرد. این استوانه، از یک سو به انتهای ستون لوله و از سوی دیگر به سرتمه متصل است. مغزه‌گیر ممکن است یک، دو و یا سه جداری باشد که انواع یک جداری را برای مغزه‌گیری از سنگ‌های سخت و انواع دو و سه جداری را برای مغزه‌گیری از مواد نرم مثل زغالسنگ به کار می‌برند.

core drilling

روش حفاری مغزه‌گیری (حفاری اکتشافی)

نوعی سیستم حفاری که برای تهیه نمونه‌های استوانه‌ای شکلی از سنگ‌ها و مواد معدنی موسوم به مغزه به کار می‌رود.

core recovery

درصد مغزه‌گیری (مکانیک سنگ)

نسبت درصد طول کل مغزه‌های حاصل از حفر گمانه به طول کل حفاری.

coupling

اتصال دهنده (چالزنی)

قسمتی از رشته ابزار حفاری که از یک طرف به سرتمه و از طرف دیگر به میله مته متصل می‌شود.

coupling factor

ضریب جفت شدگی (آتشباری)

تابعی از نسبت قطر خرج به قطر چال که بیانگر کیفیت خرج‌گذاری است.

crater

قیف آتشباری (آتشباری)

قیفی که در اثر انفجار چالی که عمود بر سطح زمین است، ایجاد می‌شود.

crawler track**چرخ زنجیری (ترابری)**

صفحات کوچک فولادی که نسبت به هم لولا شده‌اند و با حرکت آنها، گروهی از ماشین آلات معدنی و عملیات خاکی به صورت خزشی به حرکت در می‌آیند.

creep**خزش (مکانیک سنگ)**

تغییر شکل وابسته به توان توده سنگ بر اثر اعمال بارهای ثابت که در زمانی طولانی بر آن وارد می‌شود. این اصطلاح اساساً در مورد هر نوع تغییر شکل تابع زمان به کار می‌رود و شامل تغییر شکل‌های بزرگ مقیاس پوسته زمین، تغییر شکل‌های بسیار جزئی ناشی از لغزش بلورهای سنگ و طیف وسیعی از حرکات و تغییر شکل‌های ناشی از عوارض زمین می‌شود. خزش معمولاً طی سه مرحله تغییر شکل اتفاق می‌افتد. در مرحله اول آهنگ تغییر شکل زیاد است، در مرحله دوم تغییر با آهنگ ثابت انجام می‌گیرد و در مرحله سوم یا پایانی، آهنگ تغییر شکل شدید می‌شود و سرانجام به گسیختگی می‌انجامد.

creep rupture**گسیختگی خزشی (مکانیک سنگ)**

نوعی گسیختگی که در مرحله پایانی خزش در سنگ‌ها رخ می‌دهد.

cribbing**جرزبندی چوبی (نگهداری)**

نوعی چوب بستکاری به منظور نگهداری چاه‌های حفر شده در شنهای سست یا مرطوب.

critical diameter**قطر بحرانی (آتشباری)**

حداقل قطر لول مواد منفجره که اگر قطر مواد از آن حد کمتر باشد، موج انفجار یا منتشر نمی‌شود و یا در صورت انتشار، سرعت آن کمتر از حد استاندارد است.

cross arm**کنسول (خدمات فنی)**

یک قطعه نبشی یا ناودانی که آن را به وسیله بست‌های ویژه‌ای به پایه برق وصل می‌کنند و مقره‌ها بر روی آن نصب می‌شوند.

cross bar* → *beam***cross cut*****میان بر (معدن زیرزمینی)**

راهروی کوچک و کم عرضی که بین کارگاه‌های استخراج یا اتاق‌ها به منظور تهویه حفر می‌شود یا خود به خود به وجود می‌آید.

سرسته صلیبی (چالزنی) *cross type bit*

نوعی سرسته که تیغه‌های آن نسبت به هم به صورت بعلاوه و یا ضربدر قرار دارند. این نوع سرسته برای حفاری در سنگ‌های سخت مناسب است.

لنگه تاج (معدن زیرزمینی) *crown pillar*

بخشی از کانسنگ که در بالاترین قسمت کارگاه استخراج، برای حفاظت دیواره‌ها یا تونل فوقانی یا در حد فاصل بین استخراج روباز و استخراج زیرزمینی یا حدفاصل دو کارگاه استخراج شده، باقی می‌ماند.

سنگ خرد شده (مکانیک سنگ) *crushed rock*

سنگی، مرکب از قطعاتی متعدد که ممکن است بکر و سالم باشند. با افزایش میزان خردشدگی پتانسیل نا پایداری توده سنگ در حفاریات معدنی افزایش می‌یابد.

منطقه خردشدگی (آتشباری) *crushing zone*

منطقه‌ای که به هنگام آتشباری در مجاورت منطقه انقباض و بلافاصله پس از آن قرار دارد و در آن، سنگ‌ها در نتیجه تاثیر امواج فشاری، خرد می‌شوند.

آبگذر (معدن روباز) *culvert*

آبراهی برای هدایت و خارج کردن آب از سطح راه‌ها و کارگاه‌های استخراج در معدن روباز.

انفجار بالشی (آتشباری) *cushion blasting*

یکی از روش‌های آتشباری کنترل شده که در آن در حد نهائی محدوده انفجار، تعدادی چال حفر می‌کنند. در این روش، قطر لول ماده منفجره کمتر از قطر چال است و فاصله بین خرج و دیواره چال با خرده ریز حفاری پر می‌شود.

برش (آتشباری) *cut*

آرایش مجموعه چالهای اولین مرحله انفجار در آتشباری تونل‌ها. به هنگام حفر تونل‌های مختلف برای ایجاد جبهه کار آزاد و بالا بردن راندمان حفر، ابتدا در قسمت میانی جبهه کار تعدادی چال نزدیک به هم و با زوایای تمایل مختلف حفر می‌کنند و نقشه انفجار را به گونه‌ای در نظر می‌گیرند که ابتدا این چالها منفجر شوند و یک سطح آزاد برای سایر چالها فراهم سازند که مجموعه این چالها را به نام برش می‌نامند.

cut and fill stoping**روش استخراج کند و آکند (معدن زیرزمینی)**

یک روش استخراج زیرزمینی، که در آن پس از هر برش، فضای استخراج شده با مواد باطله پر می‌شود.

cut and cover**کند و پوش (حفر چاه و تونل)**

روشی برای احداث تونل کم عمق در زمین‌های ریزشی که طی آن، ابتدا ترانشه روبازی را حفر کرده و پس از دیوارسازی و اجرای سقف، روی آنرا با خاک می‌پوشانند.

cut through —————> **cross cut****cutter head****پیشانی حفار (حفر چاه و تونل)**

صفحه‌ای دایره‌ای شکل که در جلو ماشین حفر تونل تمام مقطع نصب شده است و ابزار برش بر روی آن نصب می‌شوند و با چرخش آن، عمل حفر تونل انجام می‌گیرد.

cutter loader**ماشین حفار بارکننده (معدن زیرزمینی)**

نوعی ماشین برای استخراج زغالسنگ در روش جبهه کار بلند، که پس از حفر زغال آنرا بر روی ناو زنجیری می‌ریزد. این ماشین نوع پیشرفته ماشین شیار دهنده است.

cutter picks**ناخن‌های حفار (حفر چاه و تونل)**

دندان‌هایی که در سطح جانبی سرته ماشین‌های بازویی به صورت مارپیچ جایگذاری می‌شوند. این شیوه سبب می‌شود که به هنگام چرخش سرته، هر ناخن، شیار را که ناخن قبلی کنده است، وسیع‌تر کند که این امر، سهولت حفر تونل را سبب می‌شود.

cutting rate**آهنگ حفاری (حفر چاه و تونل)**

حجمی از سنگ که در واحد زمان به وسیله ماشین حفار بازویی از جبهه کار تونل کنده می‌شود.

cutting tools**ابزار برش (حفر چاه و تونل)**

وسایل ویژه برش در ماشین تمام مقطع که بر روی صفحه حفار نصب می‌شوند و وظیفه خرد کردن و برش سنگ‌ها را به عهده دارند. بسته به نوع سنگ مورد حفاری، ابزار برش‌های متفاوتی را به کار می‌برند و به طور کلی آنها را به چهار گروه ابزار برش برای حفر زمینهای نرم، سنگ‌های نرم، سنگ‌های متوسط و سنگ‌های محکم تقسیم می‌کنند.

cycle of operation

چرخه عملیات (معدن زیرزمینی)

مجموعه عملیاتی که به هنگام حفر تونل، حفر چاه و پیشروی کارگاه استخراج باید به طور پی در پی انجام شود تا جبهه کار به مقدار معینی پیشروی کند.

D

darda

داردا (معادن روباز)

دستگاهی شامل پارس و گوه و ضربه زن، که از آن برای استخراج بلوک‌های سنگ ساختمانی و یا قواره کردن آنها استفاده می‌شود.

deck charging

خرج گذاری منقطع (آتشباری)

تقسیم خرج در طول چال به گونه‌ای که بین قسمت‌های مختلف، مواد باطله می‌گذارند تا هر قسمت جداگانه عمل کند. خرج گذاری منقطع سبب می‌شود که خرج در جای مناسب چال قرارگیرد و لرزش زمین و مصرف ماده منفجره کاهش یابد.

decking

بارگیری قفس (ترابری)

عمل وارد کردن و یا خارج ساختن واگن‌های پر یا خالی از داخل قفس.

declining stripping ratio

نسبت باطله برداری نزولی (معادن روباز)

نسبت باطله برداری‌ای که در طول عمر معدن روند نزولی دارد.

deck loading —————→ *deck charging*

decorative stone —————→ *dimension stone*

deflection

خمش مجاز (خدمات فنی)

فاصله بین سر تیر تا پایین ترین نقطه سیم‌های انتقال برق.

deflagration**سوختن (آتشباری)**

تجزیه شدن مواد منفجره به گونه‌ای که سرعت واکنش آن کمتر از سرعت صوت باشد.

degree of reaction**درجه عکس‌العمل (آبکشی)**

نسبت ارتفاع نظیر فشار یک تلمبه به ارتفاع نظیر انرژی کل آن. هر چقدر این درجه بیشتر باشد راندمان تلمبه بهتر خواهد بود.

delay blasting**آتشباری تاخیری (آتشباری)**

نوعی شیوه آتشباری که طی آن چالها بر اساس برنامه خاصی به نوبت و به گونه‌ای منفجر می‌شوند که انفجار هر گروه از چالها، سطح آزاد مناسبی را برای بقیه چالها فراهم سازد.

delay electric detonator**چاشنی الکتریکی تاخیری (آتشباری)**

نوعی چاشنی الکتریکی که بین سر چاشنی و خرج میانی آن، ماده‌ای موسوم به عامل تاخیر دهنده قرار می‌دهند که با سرعت ثابتی می‌سوزد و زمان سوختن آن زمان تاخیر چاشنی را مشخص می‌کند. فاصله تاخیر زمانی دو چاشنی متوالی نیم ثانیه است و معمولاً آنها را در ۱۲ شماره می‌سازند.

delay element**عامل تاخیر دهنده (آتشباری)**

ماده‌ای سوزا که برای ایجاد تاخیر در انفجار چاشنی الکتریکی، به کار می‌رود.

delivery pipe**لوله رانش (آبکشی)**

لوله‌ای که آب خروجی از تلمبه را به خط لوله انتقال آب، هدایت می‌کند.

depletion**استهلاک (عمومی)**

۱- کاهش یا اتمام یک موجودی، مانند خالی شدن یک کانسار از ذخایر. ۲- بخشی از درآمد که آنرا به منظور برگشت سرمایه کنار می‌گذارند و مشمول مالیات نمی‌شود.

derrick**دکل حفاری (حفاری اکتشافی)**

ساختمان فلزی برج‌مانندی که معمولاً به شکل هرم ناقص با قاعده مربع یا مثلث است و از اتصال قطعات لوله یا نبشی مخصوص ساخته می‌شود. در بالای این دکل قرقره‌هایی وجود دارد که کابل جرثقیل از دور آنها عبور می‌کند و به کمک آنها می‌توان لوله‌های حفاری را به درون گمانه یا چاه فرستاد و یا آنها را بیرون کشید. دکل ممکن است به وسیله فونداسیون در زمین محکم شود و یا

روی ارابه یا کامیون قرارگیرد و ارتفاع آن تابع حداکثر عمق دستگاه حفاری است.

destructive zone

منطقه تخریب (آتشباری)

مجموعه سه منطقه انقباض، خردشدگی و گسستگی که به هنگام انفجار ماده منفجره در اطراف آن قرار دارد.

detail drawing

نقشه تفصیلی (عمومی)

نقشه بزرگ مقیاسی که تمام جزئیات، قسمت‌های کوچک، اندازه‌ها و نظایر آنها را نشان می‌دهد.

detector

آشکارساز (تهویه)

ابزاری الکترونیکی یا شیمیایی که برای شناسایی گازهای معدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

detonating cord —————> *detonating fuse*

detonating fuse

فتیله انفجاری (آتشباری)

فتیله‌ای محکم، نرم، و ضد آب که داخل آن با مواد منفجره قوی پر شده است و با سرعت ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ متر در ثانیه منفجر می‌شود و در بسیاری از عملیات آتشباری فوری یا تاخیری برای انتقال انفجار از چاشنی به خرج اصلی و یا انتقال از خرجی به خرج دیگر، به کار می‌رود. این فتیله اولین بار در ایران با نام تجاری کرتکس معرفی شد و هنوز هم به همین نام مشهور است.

detonating relay

تاخیردهنده انفجار (آتشباری)

پوک‌های که آن را در مسیر فتیله انفجاری قرار می‌دهند تا از یک طرف آن موج انفجار وارد و از طرف دیگر با تاخیر خارج شود. رله‌ها را در ۵ شماره می‌سازند که زمان تاخیر آنها از ۱۵ تا ۶۰ ثانیه است.

رله انفجاری ← تاخیر دهنده فتیله انفجاری

detonation

تجزیه انفجاری (آتشباری)

تجزیه ماده منفجره به گونه‌ای که سرعت واکنش آن بیش از سرعت صوت باشد.

detonation pressure

فشار انفجار (آتشباری)

انرژی فشاری ناشی از انتشار موج انفجار در ستون ماده منفجره که مقدار آن در جهت حرکت موج انفجار زیاد می‌شود.

سرعت انفجار (آتشباری) *detonation velocity*

سرعت تجزیه یا سوختن ماده منفجره که همان سرعت حرکت موج انفجار در سرتاسر ماده منفجره است. اگر سرعت سوختن ماده منفجره بیش از سرعت صوت باشد، آن را انفجار و چنانچه کمتر از سرعت صوت باشد، این پدیده را سوختن می‌نامند. مواد منفجره قوی منفجر می‌شوند و مواد منفجره کند، می‌سوزند.

چاشنی (آتشباری) *detonator*

استوانه فلزی کوچکی حاوی ماده منفجره حساسی که به آسانی در اثر شعله، ضربه، یا تاثیر توام آنها منفجر و موجب انفجار خرج اصلی می‌شود. چاشنی به صورت استوانه فلزی کوچکی است که حاوی مواد منفجره حساس است آنرا به دو گروه الکتریکی و معمولی تقسیم‌بندی می‌کنند.

ذخیره آماده سازی شده (عمومی اکتشاف) *developed reserve*

کانساری که مقدار ذخیره، مشخصات هندسی و عیار آن به کمک حفاریات اکتشافی کافی، معمولاً از سه جهت، تعیین و برای استخراج آماده شده است.

تجهیز و آماده سازی (عمومی استخراج) *development*

۱- تجهیز یک معدن برای بهره‌برداری شامل احداث حفاریات لازم برای بازکردن و دسترسی به کانسار و احداث کارگاه‌های استخراج و نیز ساخت و نصب کلیه تأسیسات و تجهیزات لازم. ۲- مرحله بین اکتشاف و استخراج.

آبکشی از معدن (آبکشی) *dewatering*

خارج کردن آب از معدن به طوری که انجام عملیات معدنی امکان پذیر شود.

شبکه تهویه قطری (تهویه) *diagonal connection network*

حالتی از شبکه تهویه موازی که در آن شاخه‌های شبکه علاوه بر ابتدا و انتها، از طریق شاخه یا شاخه‌های دیگری نیز به هم وصل باشند. شاخه اخیر را قطر شبکه می‌گویند و بسته به تعداد قطرها، شبکه را به نام یک قطری یا چند قطری می‌خوانند.

سرتمه الماسی (حفاری اکتشافی) *diamond bits*

نوعی سرتمه استوانه‌ای شکل که در آن قطعاتی از الماس طبیعی یا صنعتی به شکل نگین کار گذاشته می‌شود و برای حفاری مغزه‌گیری در سنگ‌های سخت به کار می‌رود.

diamond drilling**سیستم حفاری الماسی (حفاری اکتشافی)**

نوعی روش حفاری که در آن برای تهیه مغزه از سنگ‌های سخت از سرمته الماسی استفاده می‌شود.

diamond wire cutting**سیم برش الماسه (معادن روباز)**

سیمی برای برش و استخراج سنگ‌های تزئینی و نما. در ساختمان این سیم، دانه‌های ریز الماس بر روی سگمنت‌هایی نصب می‌شود که به فواصل معین در طول سیم قرار گرفته‌اند.

diffuser**تبدیلی (آبکشی)**

قطعه لوله‌ای که مقطع آن به تدریج گشاد می‌شود و به کمک آن می‌توان دو لوله به قطر مختلف را به هم وصل کرد.

diffuser**مجرای واگرا (تهویه)**

مجرای به شکل مخروط یا هرم ناقص وارونه که در سیستم تهویه مکشی در انتهای خروجی بادبزن نصب می‌شود تا سرعت هوای خروجی از معدن و در نتیجه افت فشار دینامیکی هوا کاهش یابد.

dig**کندن (حفاری اکتشافی)**

کندن مواد سنگی از زمین.

digger**حفار (حفاری اکتشافی)**

شخص یا دستگاهی که عمل کندن زمین را انجام می‌دهد.

dilatometry test**آزمون اتساع سنجی (مکانیک سنگ)**

آزمونی که در داخل گمانه‌ها انجام می‌گیرد و به کمک آن می‌توان انبساط گمانه را تحت تنشهای اعمالی اندازه گرفت.

dilution**رقیق شدن (عمومی استخراج)**

کاهش عیار کانسنگ در محصول استخراجی در اثر اختلاط کانسنگ با باطله.

dimension stone**سنگ تزئینی (سنگ تزئینی)**

۱- انواع سنگ‌هایی که به خاطر خواص مکانیکی یا فیزیکی یا زیبایی در نما، دیوار یا کف ساختمانها مصرف می‌شوند و ممکن است آذرین، دگرگونی یا رسوبی باشند. ۲- قطعه سنگی با شکل هندسی معین که به وسیله ابزارها و روشهای خاص از جبهه کار

معادن سنگ‌های تزئینی و نما جدا می‌شود.

dint

کف کنی (معادن زیرزمینی)

کندن کف یک راهرو زیرزمینی برای افزایش ارتفاع آن.

dip

شیب (عمومی)

زاویه یک لایه یا یک رگه یا هر گونه ساختار صفحه‌ای دیگر در یک صفحه قائم عمود بر امتداد، نسبت به افق و به بیان دیگر، شیب خط بزرگترین شیب صفحه.

dipper

جام (ترابری)

صندوقه بارگیری ماشین‌های حفار که از طریق تیرک و یا کابل فولادی به آنها متصل است.

بیل کششی ← دراگلاین

dipper factor → *bucket fill factor*

ضریب جام ← ضریب پر شدن جام

dirt band

لیچه (زغالسنگ)

یک لایه نازک غیر زغالی که در بین لایه زغالسنگ وجود دارد و به علت کمی ضخامت، اجباراً همراه با زغالسنگ استخراج شود.

dirt bed → *dirt band*

dirt parting → *dirt band*

باطله میان لایه ← لیچه

disc cutter

ابزار برش دیسکی (حفر چاه و تونل)

نوعی ابزار برش دیسکی شکل در ماشین‌های حفار تمام مقطع که برای حفر تونل در سنگ‌های نرم و متوسط به کار می‌روند.

discharge pressure

فشار خروجی (خدمات فنی)

فشار مطلق هوای فشرده خروجی از کمپرسور.

displacement**جابه‌جایی (نگهداری)**

تغییر مکان نقاط مختلف سطح مقطع حفاریات زیرزمینی نسبت به زمان حفر.

district**بخش (معادن زیرزمینی)**

قسمتی از یک معدن زیرزمینی که در آن عملیات معدنی به طور جداگانه انجام می‌شود. هر بخش دارای یک یا چند بلوک و هر بلوک دارای یک یا چند کارگاه استخراج است.

ditch**غنو (آبکشی)**

۱- جوی کوچکی که به منظور جمع‌آوری و جریان آب در کف تونل‌ها و راهروهای زیرزمینی احداث می‌شود. ۲- کانال V شکلی در پای دیواره‌های مشرف به راه‌ها در معادن روباز برای هدایت آب‌های روان در سطح راه.

ditcher**نهرکن (حفر چاه و تونل)**

نام عمومی وسیله‌ای که برای حفر ترانشه یا غنو به کار می‌رود. کج بیل هیدرولیکی و نوعی بارکننده چند جامه چرخشی که جامه‌ای آن در عقب ماشین قرار دارد، از جمله انواع نهرکن‌ها هستند.

diversity factor**ضریب انحراف (خدمات فنی)**

نسبت بین حجم هوای فشرده لازم برای تمام وسایل موجود در معدن که در یک زمان کار می‌کنند بر مجموع هوای فشرده لازم که برای تمامی آنها لازم است.

dobie —————→ **mud cap****doghole****گربه‌رو (معادن زیرزمینی)**

حفریه کوچکی که برای ارتباط دادن دو قسمت در زیرزمین حفر می‌شود و معمولاً از میان بر کوچک‌تر است.

double back up method**روشن‌بارگیری از دو سمت (معادن روباز)**

روشی متداول در بارگیری کامیون به وسیله شاول در معادن روباز. در این روش، امکان بارگیری کامیون‌ها در طرفین شاول وجود دارد و بدین ترتیب، در مدت زمان پهلو گرفتن کامیون در کنار شاول صرفه جویی می‌شود.

double spotting method —————→ **double back up method**

double suction pump**تلمبه با مکش مضاعف (آبکشی)**

نوعی تلمبه گریز از مرکز که در آن آب از دو طرف وارد تلمبه می‌شود.

double tube core drilling**حفاری با مغزه‌گیر دو جداری (حفاری اکتشافی)**

نوعی روش حفاری که در آن از مغزه‌گیر دو جداری استفاده می‌شود و مته به لوله بیرونی متصل است و لوله درونی به عنوان محفظه نگه‌دارنده مغزه عمل می‌کند. مغزه در داخل لوله درونی قرار می‌گیرد و چون این قسمت ثابت است، مغزه سالم می‌ماند. این روش برای مغزه‌گیری از مواد نرم به کار می‌رود.

dowel**داول (نگهداری)**

نوعی پیچ سنگ که میله آن، برخلاف پیچ سنگ‌های معمولی، یک مفتول ساده مسطح نیست، بلکه بسته به مورد، آنرا به شکل‌های مختلف در می‌آورند. همچنین پیچ سنگ‌های معمولی تحت کشش، نیروی مثبت بر سنگ‌ها اعمال کنند اما واکنش داول، به نوع حرکت سنگ بستگی دارد و تابع آن است.

down the hole (DTH)**ضربه‌زن ته چالی (چالزنی)**

نوعی دستگاه چالزنی که در آن ضربه‌زن بلافاصله پشت سرمته و در داخل چال قرار می‌گیرد و چون واسطه‌ای بین چکش حفاری و سرمته موجود نیست، اتلاف انرژی از طریق لوله حفاری نیز وجود ندارد.

downcast shaft**چاه ورودی (تهویه)**

چاهی که هوای تازه را از سطح زمین به داخل معدن هدایت می‌کند.

dozer**دوزر (ترابری)**

نوعی تراکتور پر قدرت، مخصوص عملیات خاکی و سنگی که چرخهای زنجیری و یا لاستیکی دارد و برای عملیات مختلف خاکبرداری می‌توان جامه‌ای را در جلو و تجهیزات مخصوص شکافتن سنگ و خاک را در عقب آن نصب کرد. بولدوزر، لودر و بیل دوزر، انواع آن را تشکیل می‌دهند.

dragline excavator**دراگلاین (ترابری)**

نوعی ماشین بارکننده و گاه حفار با دو کابل فولادی متصل به جام آن برای بارگیری و تخلیه مواد معدنی و باطله. این ماشین با پرتاب نوسانی جام خالی به محل خاکبرداری، بارگیری و با کشیدن کابل فولادی کشنده جام به طرف ماشین، جام را پر می‌کند. در انتهای بارگیری، کاربر کابل فولادی بالا برنده جام را بالا می‌برد و با چرخش ماشین، این جام در محل تخلیه قرار می‌گیرد. سپس با

آزاد کردن هر دو کابل فولادی در این مکان، جام تخلیه می‌شود.

draw

واریز (معدن زیرزمینی)

حرکت ثقلی کانسنگ کنده شده در کارگاه‌های استخراج، کندوها، شوت‌ها و یا ناو ثابت.

draw

خوردن پایه‌ها (معدن زیرزمینی)

استخراج کامل یا ناقص یا تخریب پایه‌ها پس از استخراج اتاق‌ها در روش‌های استخراج اتاق و پایه.

draw

بیرون کشیدن (معدن زیرزمینی)

۱- بالا آوردن سنگ یا کانسنگ کنده شده از طریق چاه یا تونل مورب. ۲- کشیدن و جمع‌آوری ستون‌های چوبی از کارگاه استخراج.

draw angle

زاویه کشش (معدن زیرزمینی)

زاویه بین خط قائم و خطی که از کنار کارگاه استخراج جبهه کار بلند تا سطح زمین کشیده می‌شود و محدوده نشست زمین پس از تخریب سقف کارگاه را مشخص می‌کند.

drawbar pull

نیروی کشش (ترابری)

نیروی کشش برابر که صرف حمل بار می‌شود.

تخلیه کن ← دامپر

dredge mining

روش استخراج لایروبی (معدن روباز)

استخراج لجن‌های حاوی مواد معدنی مفید نظیر فلزات و کانی‌های سنگین. لجن ممکن است به حالت طبیعی وجود داشته باشد و یا با استفاده از آب انداختن کانساری که مصالح تشکیل دهنده آن در اثر تماس با آب سست می‌شوند، ایجاد شود. عمل لایروبی و انتقال مواد به وسیله مجموعه‌ای از تجهیزات که بر روی یک شناور نصب شده‌اند، انجام می‌گیرد.

dredging → *dredge mining*

drift

تونل دنباله‌رو (معدن زیرزمینی)

یک تونل افقی که در داخل لایه یا رگه و موازی با امتداد آن یا موازی با بزرگترین بعد توده کانسنگ حفر می‌شود.

تونل دنبال لایه ← تونل دنباله‌رو

روش استخراج تونلی (معدن زیرزمینی) *drift mining method*

نوعی روش استخراج معادن زیرزمینی در عمق کم یا از دامنه کوهستان، که بازکردن آن به وسیله تونل افقی یا تونل کم شیبی که در امتداد خط بزرگترین شیب لایه حفر می‌شود، انجام می‌گیرد. این روش استخراج را می‌توان حد فاصل معادن روباز و معادن زیرزمینی عمیق، که با چاه باز می‌شوند، دانست.

پایه‌گیردار (چالزنی) *drifter*

نوعی پایه که آن را بین کف و سقف تونل محکم می‌کنند تا در موقعیت مناسب چالزن را به آن متصل سازند.

کوهبر (معدن زیرزمینی) *drifter*

شخصی که در به کارگیری چالزن‌های هوای فشرده مهارت دارد.

ساقه مته (چالزنی) *drill collar*

بخشی از مته چالزنی که در بالای سرمته قرار دارد و معمولاً شش گوش است و همراه با سرمته طول مفید مته را تشکیل می‌دهد.

چال (چالزنی) *drill hole*

سوراخ استوانه‌ای شکلی به قطر چند سانتیمتر و به طول چند متر که به منظور آتشباری در سنگ‌ها حفر می‌شود.

فشار در چال (آتشباری) *drill hole pressure*

فشار گازهای حاصل از انفجار بر دیواره چال پس از وقوع انفجار.

مته (چالزنی) *drill steel*

قسمتی از دستگاه چالزن که نقش اصلی را در حفر چال به عهده دارد و از چهار قسمت دسته، طوقه، ساقه و سرمته تشکیل شده است.

قابلیت چال خوری (چالزنی) *drillability*

مقاومتی که سنگ در مقابل نفوذ مته از خود نشان می‌دهد. سرعت نفوذ سرمته در سنگ معمولاً برحسب متر در دقیقه بیان می‌شود. قابلیت چال خوری علاوه بر مشخصات سنگ به نوع ماشین چالزنی نیز بستگی دارد لذا نمی‌توان از آن به عنوان یک مشخصه ذاتی

سنگ نام برد.

driller

حفار (حفاری اکتشافی)

کسی که به دلیل داشتن تجربه و مهارت، قادر است مسئولیت ماشین حفاری را بر عهده گیرد.

drilling

چالزنی (چالزنی)

عملیات حفر چال.

drilling

حفاری (حفاری اکتشافی)

عملیات حفر گمانه و چاه.

drilling factor

چالزنی ویژه (چالزنی)

طول چال مورد نیاز به ازای واحد وزن سنگ خرد شده.

drilling fluid

سیال حفاری (حفاری اکتشافی)

سیالی مانند هوا، آب یا مایعی که در سیستم حفاری به منظور انتقال قطعات خرد شده از ته گمانه یا چاه، خنک نگه داشتن مت، جلا دادن لوله حفاری، معلق نگه داشتن ذرات خرد شده سنگ در طول گمانه به هنگام توقف ناگهانی عملیات حفاری و کنترل فشار طبقات مورد استفاده قرار می‌گیرد.

drilling pattern

الگوی چالزنی (آتشباری)

طرحی که مشخصات حفر چالها را به منظور کسب بهترین نتیجه پس از آتشباری ارائه می‌کند. این الگو شامل موقعیت مکانی، وضعیت، قطر و تعداد چالها است.

drilling rate

آهنگ چالزنی (چالزنی)

عمق نفوذ دستگاه چالزن در واحد زمان.

drive by shovel loading method

روش بارگیری صفی (معادن روباز)

یکی از روشهای قدیمی بارگیری کامیون‌ها به وسیله شاول. در این روش، کامیون‌ها در مسیری مستقیم حرکت می‌کنند و هر کامیون پس از قرار گرفتن در موقعیت مناسب به وسیله شاول بارگیری می‌شود و محل را ترک می‌کند و کامیون بعدی در موقعیت

بارگیری قرار می‌گیرد.

drop ball

فلاخن (عمومی)

وزنه سنگین متصل به انتهای کابل فولادی جرثقیل که عموماً برای خرد کردن سنگ‌های بزرگ و یا تخریب بناها به کار می‌رود. کاربرد آن در معادن به این صورت است که با ضربه زدن دستگاه به سنگ‌های بزرگ حاصل از عملیات آتشباری اولیه، آنها را به اندازه‌های مناسب خرد می‌کند. از این وسیله برای تخریب ساختمان‌ها، بدون استفاده از مواد اولیه نیز استفاده می‌شود.

قلاب سنگ ← فلاخن

drop cut

برش آغازین (معادن روباز)

اولین برش در کف معدن به منظور گشودن پله‌ای جدید.

drum hoist

بالابر طبلی (ترابری)

نوعی بالابر، به صورت استوانه یا مخروطی بزرگ که کابل فولادی، برای باربری در چاه، به دور آن می‌پیچد. این نوع بالابر در دو نوع یک طبلیکه برای بالابری غیر تعادلی و دو طبلیکه برای بالابری تعادلی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

dry drilling

چالزنی خشک (چالزنی)

روش مرسوم چالزنی که در آن به منظور انتقال قطعات از ته چال از هوای فشرده استفاده می‌شود.

dry shotcrete

بتن پاشی خشک (نگهداری)

نوعی روش اجرای بتن پاشی که در آن اجزای بتنی را به حالت خشک یا کمی نمناک، در قیف ویژه‌ای می‌ریزند. این مخلوط به کمک هوای فشرده به داخل شیلنگ تغذیه رانده می‌شود و در محل فشانه انتهایی شیلنگ، آب به مخلوط اضافه و با سرعت بر سطح مورد نظر پاشیده می‌شود.

dump

سنگر (معادن روباز)

مکانی برای تخلیه مواد معدنی و یا سنگ‌های باطله در معادن روباز.

انباشتگاه ← سنگر

dump car**واگن خود تخلیه (ترابری)**

نوعی واگن با تخلیه از کف که به کمک هوای فشرده کار می‌کند.

dumper**دامپر (ترابری)**

هر وسیله‌ای که بتواند باری را از یک مکان به مکان دیگر منتقل سازد و خود توانایی تخلیه آن را نیز داشته باشد. دامپر عبارت عمومی برای هر نوع کامیون بزرگ و کوچک و یا لودر است.

dumping height**ارتفاع تخلیه (ترابری)**

حداکثر ارتفاعی که بار بارکننده، به باربر تخلیه می‌شود. برای کارایی مناسب ناوگان ترابری، لازم است که این ارتفاع با ارتفاع باربر هم‌آهنگ باشد، در غیر این صورت، ضربات ناشی از تخلیه بار به صندوقه باربر، موجب بروز صدمه به باربر می‌شود.

dust proper**گردوغبار (تهویه)**

ذرات گرد و غباری که قطرشان بیش از ۱۰ میکرون است و با سرعت تند شونده در هوا سقوط می‌کنند.

dynamex A**دینامکس A (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره که برای آتشباری در زیر آب مناسب است و به صورت لول‌هایی به قطر ۲۲ تا ۴۰ میلیمتر و وزن ۱۰۰ تا ۳۳۰ گرم ساخته می‌شود.

dynamic pressure**فشار دینامیکی (تهویه)**

نیروی که توده هوای متحرک در هر نقطه بر واحد سطح اعمال می‌کند که عامل آن سرعت هوا است.

dynamite**دینامیت (آتشباری)**

متداولترین ماده منفجره در عملیات معدنی که از مخلوط ۱۵ تا ۶۰ درصد نیتروگلیسیرین، نیترات سدیم، مغز چوب، و بعضی مواد دیگر به دست می‌آید و درصد نیتروگلیسیرین موجود، نام آنرا مشخص می‌کند. برای انفجار دینامیت از چاشنی استفاده می‌کنند.

E, F

earth flow

جریان خاک (ژئوتکنیک)

حرکت دامنه‌ای و آرام خاک همزمان یا بعد از بارش‌های سنگین.

earth pressure balance shield (EPB)

سپر متعادل کننده فشار زمین (حفر چاه و تونل)

نوعی سپر که برای حفر تونل در زمین‌های سست و در زیر سطح ایستایی به کار می‌رود. این سپر، یک صفحه حفار دایره‌ای پنجره دار دارد که در جلو دستگاه می‌چرخد و مجهز به دندان‌های حفار است. مواد حفر شده از جبهه کار، از طریق پنجره‌ها در محفظه ویژه‌ای که بلافاصله در پشت صفحه حفار قرار دارد، جمع و متراکم می‌شود. این مواد، حفاظی را برای نگهداری جبهه کار تونل فراهم می‌سازند و در عین حال، از ورود آب به داخل سپر نیز جلوگیری می‌کنند.

effective burden → *blasted burden*

بارسنگ موثر ← بارسنگ واقعی

electric igniter

آتش زنه الکتریکی (آتشباری)

وسیله‌ای که برای آتش زدن فتیله اطمینان به کار می‌رود و آن عبارت از پوک‌های فلزی محتوی نوعی ماده آتش زنه است که فتیله یا فتیله‌های اطمینان را در قسمت خالی آن قرار می‌دهند. با اتصال جریان برق به طرف دیگر، مواد سوزا مشتعل و سبب آتش زدن فتیله‌ها می‌شود.

electric shotfiring

آتشباری الکتریکی (آتشباری)

نوعی سیستم آتشباری که در آن از چاشنی‌های الکتریکی استفاده می‌شود.

electrical efficiency

ضریب بهره الکتریکی (خدمات فنی)

نسبت توان نوری چراغ (بر حسب وات) به توان الکتریکی آن (بر حسب وات) ضربدر عدد صد.

electrical rotary – percussion drill

چالزن دورانی - ضربه‌ای الکتریکی (چالزنی)

نوعی چالزن دورانی - ضربه‌ای که با انرژی برق تغذیه می‌شود.

electrical rotary drill

چالزن دورانی الکتریکی (چالزنی)

نوعی دستگاه چالزن دورانی که با انرژی برق تغذیه می‌شود.

empty hole —————→ *burn hole**end break*

شکستگی ناخواسته (آتشباری)

شکستگی‌هایی که در طرفین منطقه آتشباری ایجاد می‌شود.

endothermic process

فرآیند گرماگیر (تهویه)

فرآیندی که طی آن گرمای هوا گرفته می‌شود و دمای آن پایین می‌آید.

energy factor

انرژی ویژه (آتشباری)

نسبت انرژی حرارتی حاصل از فرآیند انفجار به وزن یا حجم سنگ منفجر شده که واحد آن کالری بر تن یا کالری بر متر مکعب است.

energy loss

افت انرژی (تهویه)

کاهش انرژی مفید هوا در فاصله دو نقطه از مسیر حرکت آن به علت وجود اصطکاک، موانع و پدیده‌های موضعی در مسیر حرکت که غالباً به صورت افت فشار خودنمایی می‌کند.

entry

تونل زغالی (معادن زیرزمینی)

تونل یا راهرویی در معادن زغالسنگ که درون لایه و به هر منظوری حفر شود. در روش جبهه کار بلند، تونل پایینی کارگاه استخراج، زیر میله و تونل بالایی سرمیله نامیده می‌شود. برحسب وظیفه و نوع حفاری و در مکانهای جغرافیایی مختلف، نامهای متفاوتی به این تونلها داده شده است.

دهانه معادل (تهویه) *equivalent orifice*

مساحت سوراخی در یک صفحه نازک که اگر در طرفین آن اختلاف فشار ΔP اعمال شود، همان شدت جریان هوا از آن عبور کند که در شرایط اعمال اختلاف فشار ΔP ، از شبکه تهویه معدن عبور می‌کند. دهانه معادل را معمولاً بر حسب مترمربع بیان می‌کنند.

بازوی نصاب (حفر چاه و تونل) *erector arm*

بازویی که در قسمت انتهایی دامن سپر نصب می‌شود و وظیفه آن بلند کردن قطعات بتنی یا فلزی حلقه‌های نگهدارنده و نصب آنها در محل خود است.

خروجی اضطراری (معدن زیرزمینی) *escape way*

راهی که در حالت عادی از آن استفاده نمی‌شود و به هنگام خطر، چنانچه راه‌های معمولی معدن به هر دلیلی بسته شود، افراد خود را از آن راه به بیرون می‌رسانند.

کشیدگی سنج (نگهداری) *extensometer*

ابزاری که برای اندازه‌گیری جابه‌جایی در توده سنگ اطراف حفاریات زیرزمینی نصب می‌شود. این دستگاهها یک یا چند نقطه درگیری با سنگ و یک نقطه مبنا دارند و به کمک قرائت متوالی ابزار می‌توان جابه‌جایی نسبی بین نقاط درگیری و نقطه مبنا و یا بین هر یک از دو نقطه درگیری را اندازه گرفت.

ارزیابی (عمومی) *evaluation*

تعیین ارزشهای عددی تمامی عوامل ممکن یا متغیرهایی که در استقرار یک دارایی و یا در یک طرح معدنی اهمیت دارند.

حفاری معدنی (حفر چاه و تونل) *excavation*

کندن و جابه‌جا کردن خاک یا سنگ از محل طبیعی خود به محل دیگر، در سطح یا در زیرزمین. این اصطلاح تمام فرآیندهای حفاری، چالزنی، آتشیاری، شکستن، بارگیری، باربری، تخلیه و نظایر آن را در بر می‌گیرد.

بادبزن مکشی (تهویه) *exhaust fan*

بادبزنی که آنرا در چاه خروجی یا انتهایی لوله تهویه نصب می‌کنند.

روش تهویه مکشی (تهویه) *exhaust ventilation method*

نوعی سیستم تهویه که در آن بادبزن را در انتهای چاه خروجی (تهویه اصلی) و یا لوله تهویه (تهویه فرعی) نصب می‌کنند و بدین ترتیب، هوای آلوده را از معدن یا جبهه کار خارج می‌سازند. در این سیستم، فشار هوا در تمام قسمت‌های شبکه تهویه یا لوله تهویه، کمتر از فشار اتمسفر محل است.

exothermic process

فرآیند گرمازا (تهویه)

فرآیندی که طی آن گرما به هوای معدن داده می‌شود و دمای هوا بالا می‌رود.

expansion shell rock bolt

پیچ سنگ با پوسته منبسط شونده (نگهداری)

نوعی پیچ سنگ که برای محکم کردن آن در چال از پیچ منبسط شونده استفاده می‌شود. بدین منظور، در انتهای رزوه‌ای میله آن یک قطعه مخروطی و در اطراف آن چهار پوسته نصب می‌کنند. پس از راندن میله به داخل چال، آنرا به وسیله آچار می‌چرخانند که در نتیجه، پوسته‌ها از هم باز می‌شوند و به دیواره چال می‌چسبند.

exploitation

استخراج (عمومی استخراج)

۱- کندن و جابه‌جایی کانسنگ از محل طبیعی خود. ۲- کلیه فعالیت‌هایی که به منظور برداشتن کانسنگ از معدن انجام می‌شود. ۳- تبدیل یک ذخیره طبیعی به محصول قابل فروش.

exploitation hole

چال استخراجی (چالزنی)

چالی که برای استخراج مواد معدنی حفر می‌شود.

exploration

اکتشاف (عمومی اکتشاف)

کلیه فعالیت‌هایی که به منظور اثبات وجود یک ذخیره اقتصادی و تعیین مشخصات آن مانند خصوصیات طبیعی، شکل، اندازه، عیار و نظایر آن انجام می‌گیرد.

explosion

انفجار (آتشباری)

یک واکنش شیمیایی گرمازا که منجر به ایجاد حرارت، نور، ارتعاش و صدا می‌شود.

explosion proof

ضد انفجار (خدمات فنی)

خاصیت بعضی از دستگاه‌های برقی معدنی که بنابه آن اگر در داخل دستگاه جرقه یا انفجاری رخ دهد، به بیرون نشت نمی‌کند. این دستگاه‌ها برای استفاده در معادن زغال‌گازدار مناسب‌اند.

explosion stability

پایداری انفجار (آتشباری)

حالت ثابت بودن سرعت انفجار در تمام مدت انفجار.

explosion velocity

سرعت انفجار (آتشباری)

سرعت تجزیه کامل مواد منفجره. این سرعت به عواملی همچون قطر، جرم مخصوص، شرایط ساخت، رطوبت و عوامل فیزیکی دیگر مواد منفجره بستگی دارد و میزان آن ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ متر در ثانیه است.

explosive

ماده منفجره (آتشباری)

ترکیبی شیمیایی یا مخلوطی مکانیکی که در اثر جرقه، ضربه، حرارت، یا شعله در مدت زمان کوتاهی به سرعت تجزیه می‌شود و مقدار بسیار زیادی گاز و گرما تولید می‌کند. اگر این کار در محیط بسته، مثلاً داخل چال انجام گیرد، گازهای حاصله، فشار زیادی به دیواره‌ها وارد می‌کنند و باعث تخریب می‌شوند.

explosive cartridge → *cartridge**explosive loading density*

چگالی خرج گذاری (آتشباری)

نسبت وزن مواد منفجره موجود در چال به حجم بخش خرج گذاری شده چال.

explosor

آتش کن (آتشباری)

مولد برق ساده‌ای که برای آتش کردن چاشنی‌های الکتریکی به کار می‌رود. این دستگاه فنری دارد که آنرا کوک می‌کنند و با آزادسازی کوک، روتور دستگاه به چرخش در می‌آید و برق تولید می‌کند.

extension rod

لوله رابط (چالزنی)

لوله‌ای که برای انتقال چرخش و نیز انتقال هوای فشرده به سرته به کار می‌رود. این لوله‌ها تو خالی‌اند و در دو انتهای خود شیارهای نر و ماده‌ای دارند که به آسانی می‌توان آنها را به یکدیگر متصل ساخت و چالهای عمیق‌تری حفر کرد.

extraction

استخراج (عمومی)

۱- استخراج کانسنگ از معدن و حمل آن به بیرون. ۲- مجموعه عملیات صنعتی لازم برای برداشتن و بیرون آوردن مواد معدنی مفید از پوسته زمین. ۳- کلیه فرآیندهایی که برای بازیابی فلز از کانه فلزی انجام می‌شود.

extraction ratio

نسبت استخراج (عمومی)

نسبت حجمی یا وزنی کانسنگ برداشت شده یا قابل برداشت به کل ذخیره معدن.

face —————> *breast*

سینه کار ← جبهه کار

face cutter

ابزار برش میانی (حفر چاه و تونل)

آن دسته از ابزار برش که در واقع بدنه اصلی صفحه حفار ماشین تمام مقطع را تشکیل می‌دهند و حفر بخش عمده‌ای از جبهه کار تونل به عهده آنها است و ممکن است از نوع دیسکی، غلتکی یا دندان‌های باشند.

face equipments

تجهیزات جبهه کار (معادن زیر زمینی)

مجموعه وسایل، ابزار، سازه‌ها، تاسیسات و ماشین‌آلات نصب شده یا سیار که در جبهه کار به کار گرفته می‌شوند.

face haulage

باربری در کارگاه استخراج (ترابری)

حمل و نقل و جا به جایی مواد معدنی در کارگاه استخراج و انتقال آنها به مسیر بینابین. در کارگاه‌های استخراج شیبدار با شیب بیش از ۲۵ درجه، مواد معدنی به کمک نیروی ثقل و از درون ناو ثابت به مسیر بینابین هدایت می‌شوند و در کارگاه‌های استخراج کم شیب، بسته به ابعاد کارگاه، مواد معدنی به وسیله ماشین‌های بارکننده - باربر ($L H D$)، اسکریپر - اسلاشر، یا ناو زنجیری جابه‌جا می‌شوند.

face plate

صفحه اتصال (نگهداری)

صفحه‌ای که برای توزیع بار پیچ سنگ به سطح سنگ، به کار می‌رود.

fall

ریزش (معادن زیرزمینی)

۱- سقوط خود به خود سنگ از دیواره‌ها، جبهه کار و سقف یک حفریه زیرزمینی ۲- ریختن، پرتاب و پاشیده شدن سنگ در اثر عمل آتشباری. ۳- جدا شدن و ریختن سنگ از سقف و دیواره‌ها در حفریات زیرزمینی و دیواره‌ها در حفریات روباز، به هر علتی که باشد.

fan

بادبزن (تهویه)

وسیله‌ای که هوا را در قسمت‌های مختلف معدن به جریان می‌اندازد. بادبزن انرژی مکانیکی را از موتور می‌گیرد و آنرا به انرژی فشاری تبدیل می‌کند.

- fan cut* **برش بادبزی (آتشباری)**
نوعی برش در آتشباری تونلها که در آن، مجموعه چالها به شکل یک بادبزن هستند.
- fan drift* **راهروی بادبزن (تهویه)**
راهرو ویژه‌ای که بادبزن در آن نصب می‌شود و به چاه یا تونل اصلی مرتبط است.
- fan signal* **هشداردهنده بادبزن (تهویه)**
وسیله خودکاری که در مواقع کم شدن سرعت و یا توقف بادبزن، اخطار می‌دهد.
- feasibility study* **امکان‌سنجی (عمومی)**
بررسی امکان‌پذیری فنی و اقتصادی برای ادامه یا توقف فعالیت‌ها در یک طرح سرمایه‌گذاری. در طرح‌های معدنی این امر مستلزم تهیه طرح معدن و انجام آزمایشهای کانه‌آرایی و فرآوری و محاسبات اقتصادی است. انجام مطالعات امکان‌سنجی در هر مرحله از سرمایه‌گذاری میسر است اما به طور مشخص، در دو مرحله مقدماتی و نهایی عمومیت دارد.
- feeder* **تغذیه‌کننده (ترابری)**
وسیله‌ای برای تغذیه کنترل‌شده سیستم حمل و نقل.
- flesh* ———→ *deflection* **شکم ← خمش مجاز**
- field* **منطقه معدنی (عمومی)**
منطقه‌ای که شامل معدن یا کانسار خاصی است یا برای یک منبع طبیعی کاوش شده است و معمولاً تحت نام کانسنگ موجود در آن خوانده می‌شود. مثل منطقه زغالدار، منطقه طلادار، منطقه نفتی.
- field penetration index* **اندیس نفوذ صحرائی (حفر چاه و تونل)**
شاخصی در مورد نحوه عملکرد ماشین حفار تمام مقطع که به صورت حاصل تقسیم نیروی متوسط موثر بر ابزار برش بر آهنگ نفوذ در سنگ، تعریف می‌شود.
- filling* **پرکردن (معدن زیرزمینی)**

۱- پرکردن یک حفریه با مواد سنگی و خاکی. ۲- پرکردن واگن یا سایر وسایل باربری. ۳- پرکردن فضای خالی شده در زیرزمین پس از کندن سنگ یا استخراج توده کانسنگ.

fillings

پرکننده (معدن زیرزمینی)

مواد باطله یا سنگ و خاکی که برای پرکردن کارگاه‌های استخراج شده زیرزمینی مصرف می‌شود.

filling materials

مواد آکنده (مکانیک سنگ)

موادی که داخل درزه‌های توده سنگ را پر کرده‌اند.

final pit limit

حد نهایی کاواک (معدن روباز)

مرزی از معدن روباز که بیشترین سودآوری را دارد. به عبارت دیگر، اگر یک واحد (بلوک) کانسنگ از محدوده مورد بحث کسر و یا به آن اضافه شود، دیگر سودآوری آن ماکزیمم نخواهد بود.

final pit slope

شیب نهایی کاواک (معدن روباز)

زاویه‌ای که خط واصل بین لبه بالاترین پله و پای پایین‌ترین پله در یک مقطع قائم از حدنهایی کاواک، با خط افق می‌سازد.

final pit wall

دیواره نهایی کاواک (معدن روباز)

موقعیتی از دیواره کاواک که تا حد پیش‌بینی شده در محدوده نهایی کاواک به عقب رانده شده باشد.

finite differences method

روش تفاوت‌های محدود (مکانیک سنگ)

روشی برای تحلیل وضعیت تنش و تغییر شکل در حفریات سطحی و زیرزمینی که در آن، توده سنگ مورد بررسی را به تعداد دلخواهی منطقه چهار گوش تقسیم می‌کنند. سپس بخشی از توده سنگ را در نقاطی موسوم به گره، از سایر مناطق مجزا می‌کنند و با نوشتن معادلات حرکت گره‌ها و با توجه به روابط تنش و تنجش، میزان تنش در نقاط مختلف توده سنگ را برآورد می‌کنند.

finite element method

روش عناصر محدود (مکانیک سنگ)

روشی برای تحلیل وضعیت تنش و تغییر شکل در حفریات سطحی و زیرزمینی که در آن، ساختار مورد مطالعه به قطعه‌های کوچکتری تقسیم می‌شود که هر یک، عنصر نام دارند و فرض می‌شود که این عناصر، در نقاط مشخصی موسوم به گره، به هم متصل‌اند. سپس در نقاط گره میزان جابه‌جائی محاسبه می‌شود. بدین ترتیب جسمی که درجه آزادی آن بینهایت است با جسمی شبیه سازی و جایگزین می‌شود که تعداد درجات آزادی آن دو تا سه برابر تعداد گره‌های فرضی است. با محاسبه جا به جایی گره‌ها و با

توجه به روابط تنش و تنجش، میزان تنش در نقاط مختلف توده سنگ برآورد می‌شود.

fire damp

گاز زغال (تهویه)

گازی که در معادن زغال سنگ از لایه‌های زغال و یا سنگ‌های درون‌گیر آن متصاعد می‌شود. از آنجا که قسمت اعظم این گاز از متان تشکیل شده است لذا غالباً آن را گاز متان و گاه گریزو نیز می‌گویند.

fire man —————> *blast man*

firing circuit —————> *blasting circuit*

مدار آتش ← مدار آتشباری

firing wire —————> *connecting wire*

fishplate

بغل بند (عمومی)

قطعه‌ای فلزی که برای اتصال دو شاخه ریل به یکدیگر یا دو قسمت یک قاب فلزی یا دو شاخه تیر آهن و نظایر آنها، نصب می‌شود.

fitter

نصاب (عمومی)

فردی که در نصب ماشین‌آلات و تجهیزات تخصص و مهارت دارد.

flat jack test

آزمون جک تخت (مکانیک سنگ)

آزمونی که طی آن، با ایجاد شکاف در داخل توده سنگ و قرار دادن جک تختی در شکاف، بر دیواره شکاف بار اعمال می‌کنند و با بررسی تغییر شکل حاصله، مدول کشسانی (ضریب الاستیسیته) توده سنگ را در حالت برجا تعیین می‌کنند.

flame jet drilling

حفاری جت شعله‌ای (آتشباری)

نوعی روش حفر سنگ که در آن سنگ را تحت گرمای شدید، بیش از ۲۳۰۰ درجه سانتیگراد، قرار می‌دهند که این گرما ناشی از شعله سوختن هیدروکربن‌های نفتی در مجاورت اکسیژن یا هوا و در داخل محفظه‌ای در ته چال است. این روش بیشتر برای حفر چالهای انفجاری به کار می‌رود و طی آن می‌توان چالهایی به قطر ۱۶۰ تا ۲۵۰ میلیمتر و عمق ۸ تا ۵۰ متر حفر کرد.

flame proof —————> *explosion proof*

ضد جرقه ← ضد انفجار

flame quenching additive

شعله خفه کن (آتشباری)

موادی که در ترکیب مواد منفجره به منظور کاهش تداوم شعله آنها به کار می‌رود.

flash over tendency**فاصله انتقال انفجار (آتشباری)**

حداکثر فاصله بین دولول ماده منفجره که اگر یکی از لول‌ها در هوای آزاد منفجر شود، موج انفجار حاصله از آن بتواند لول دیگر را منفجر کند.

flexural toppling failure**شکست واژگونی خمشی (مکانیک سنگ)**

نوعی شکست که طی آن قطعات یا توده‌هایی از سنگ حول یک نقطه یا خط واقع در زیر مرکز ثقل آن می‌چرخند و معمولاً در شیبهای سنگی اتفاق می‌افتد و علت آن، تاثیر نیروهای ثقلی یا فشار آب در درزه‌های قائمی است که باعث جدایی و خمیده شدن قطعه سنگ از توده سنگ و در نهایت واژگون شدن قطعات سنگی می‌شود.

floor**کف (معدن زیرزمینی)**

۱- سنگ همبر زیرین لایه زغالسنگ یا یک کانسار لایه‌ای شکل. در کانسارهای پرشیب و کانسارهای فلزی به جای کف معمولاً از اصطلاح کمر پایین استفاده می‌شود. ۲- سطح زیرین هر راهرو زیرزمینی که روی آن افراد راه می‌روند، یا وسایل باربری حرکت می‌کنند.

flow rock**سنگ جریان یابنده (مکانیک سنگ)**

سنگی که در اثر هجوم آب حالت نیمه جامد به خود می‌گیرد و جریان می‌یابد.

fly rock**پرتاب سنگ (آتشباری)**

پرتاب سنگ‌ها از محل انفجار که این امر مطلوب نیست و ممکن است به علت وضعیت سنگ یا خرج‌گذاری اشتباه رخ دهد.

fog**ذرات مه مانند (تهویه)**

ذرات گرد و غبار به قطر ۰/۱ تا ۱۰ میکرون که در هوای ساکن با سرعت ثابت و طبق قانون استوکس سقوط می‌کنند.

foot block**بالشتک (نگهداری)**

صفحات کوچک فولادی که در زیر پایه‌های قاب‌های فولادی نصب می‌شوند تا از فرو رفتن پایه‌ها در زمین جلوگیری کنند.

foot-candela**شمع-فوت (خدمات فنی)**

واحد اندازه‌گیری شدت روشنایی در سیستم انگلیسی که معادل شدت روشنایی حاصل از یک منبع نور به شدت یک شمع در فاصله

یک فوتی است.

forcing ventilation method

روش تهویه دهشی (تهویه)

نوعی سیستم تهویه که در آن، بادبزن را در ابتدای چاه ورودی (تهویه اصلی) و یا لوله تهویه (تهویه فرعی) نصب می‌کنند و به کمک آن، هوا را به قسمت مورد نظر می‌رسانند. در چنین سیستمی، فشار هوا در همه قسمت‌های شبکه تهویه یا لوله‌های تهویه، بیش از فشار اتمسفر است.

foreman

سرکارگر (عمومی)

سرپرست یک گروه از کارگران.

forged bit

سرمته جوش خورده (چالزنی)

سرمته‌ای که به طور یکپارچه در انتهای مته قرار می‌گیرد و غیر قابل جدا شدن و تعویض است.

formal support

سیستم نگهداری رسمی (نگهداری)

نوعی سیستم نگهداری که مشخصاً برای وضعیت هندسی معینی طراحی و اجرا می‌شود مثل دیوارسازی بتنی در تونل‌ها.

forward attack picks

ناخن‌های خمیده به جلو (حفر چاه و تونل)

ناخن‌هایی که به حالت خمیده به سمت جلو در سرمته ماشین‌های حفار بازویی نصب می‌شوند و زاویه تمایل آنها ۳۰ یا ۴۰ درجه است و از آنها می‌توان همراه با جت آب استفاده کرد.

fractured zone

منطقه شکسته (نگهداری)

منطقه‌ای در کارگاه استخراج و در بالای منطقه تخریب شده که در آن سنگ‌ها در اثر ترک‌های تقریباً قائم و افقی به قطعات بزرگ تقسیم می‌شوند.

fragmentation

خرد شدگی (آتشباری)

وضعیت متلاشی شدن سنگ در اثر آتشباری.

frame

قاب (معادن زیرزمینی)

۱- سیستم نگهداری تونل یا هر حفریه زیرزمینی با استفاده از تیرهای چوبی یا پروفیل‌های فلزی که به شکل دو ستون و یک کلاهک به هم متصل شده‌اند و یک مجموعه را تشکیل می‌دهند. ۲- وسایل نگهداری هیدرولیکی برای کارگاه‌های استخراج جبهه

کار بلند زغالسنگ، که مرکب از چند ستون‌اند که با یک کلاهک و یک کف، به هم متصل شده‌اند.

frame support

پایه قالبی (نگهداری)

نسل دوم پایه‌های قدرتی که از دو واحد دو پایه‌ای و سه پایه‌ای ساخته شده که واحد دو پایه‌ای به ناو زنجیری متصل است و با پیشروی کارگاه، ناو را به جلو می‌راند. واحد سه پایه‌ای، وظیفه نگهداری سقف کارگاه پس از عبور ماشین حفار را به عهده دارد و پس از خاتمه حفر ماده معدنی، به جلو حرکت می‌کند.

freezing holes

گمانه‌های انجماد (حفرچاه و تونل)

گمانه‌هایی که به صورت دایره‌ای در اطراف محل احداث چاه حفر می‌شوند و با عبور دادن محلول‌های منجمد کننده از درون آنها، باعث یخ زدن آبهای اطراف چاه و در نتیجه جلوگیری از ورود آبها به هنگام حفر چاه می‌شوند.

friction hoist

بالابر اصطکاکی (ترابری)

بالابر چاه که در اثر اصطکاک کابل فولادی بی انتهای متصل به باربر که از دور قرقره متحرک عبور می‌کند، به حرکت در می‌آید. در این بالابر، کابل فولادی به دور طبلک چرخ چاه نمی‌پیچد بلکه با عبور از قرقره متحرک، به باربر یا پارسنگ متعادل شونده سیستم، متصل می‌شود.

friction yielding prop

پایه فلزی اصطکاکی (نگهداری)

نوعی پایه فلزی که در نگهداری کارگاه استخراج به کار می‌رود و در مقابل افزایش فشار، تسلیم و کوتاه می‌شود و مرکب از یک پایه موسوم به قنداق و یک میله به نام سمبه است. سمبه با فشارمعینی درون قنداق قفل شده است و بر اثر افزایش فشار، کمی در آن فرومی‌رود.

frog

رابط ریل (ترابری)

مکانی از سوزن که در آن، قطار از یک ریل به ریل دیگر منتقل می‌شود. این راه که به شکل حرف V و جنس آن از فولاد یکپارچه است، در مرکز سوزن قرار دارد و چانه ریل در اثر تماس با آن، به مسیر دیگر هدایت می‌شود.

front end loader

بارکننده جلو عقبی (ترابری)

نوعی بارکننده که برای بارگیری به جلو و برای تخلیه به عقب می‌رود. این بارکننده در واقع نوعی تراکتور چرخ لاستیکی و یا چرخ زنجیری کمرشکن است.

لودر ← بارکننده جلو عقبی

full face machine**ماشین تمام مقطع (حفر چاه و تونل)**

ماشینی برای حفر تونل که در جلو آن، صفحه حفار دایره‌ای شکلی وجود دارد که ابزار برش بر روی آن نصب شده است و با چرخش آن، تمام مقطع تونل حفاری می‌شود.

fume gases**گازهای مضر (آتشباری)**

گازهای مضر و مسموم کننده ناشی از آتشباری.

funnel shaped cut**برش قیفی (آتشباری)**

نوعی برش مشتق از برش V که در آن چندین چال در امتداد سطح خارجی یک مخروط به گونه‌ای حفر می‌شوند که امتداد تمامی آنها در وسط جبهه کار متقارب باشند. این برش برای حفر سنگ‌های سخت به کار می‌رود و گاه در وسط آن نیز یک چال به حالت عمود بر جبهه کار حفر می‌شود.

fuse head**سر چاشنی (آتشباری)**

بخشی از چاشنی که از دو نوع خرج آتش‌زا و شعله‌انداز و مقاومت الکتریکی گرم کننده تشکیل شده است و کار انفجار چاشنی را به عهده دارد.

G, H

gabion

گابیون (ژئوتکنیک)

شبکه‌ای از توری سیمی بافته شده که در دامنه شیبه‌ها احداث می‌شود و داخل آنرا با سنگ شکسته یا مصالح رودخانه‌ای به قطر ۱۰ تا ۱۵ سانتیمتر پر می‌کنند تا از لغزش مواد به پائین جلوگیری به عمل آید.

gage —————> **gauge**

gallery

گالری (معدان زیرزمینی)

هر نوع راهروی زیرزمینی افقی یا تقریباً افقی.

gas blow

وزش گاز (تهویه)

نوعی روش تصاعد گاز زغال از لایه‌های زغال که طی آن مقدار قابل توجهی گاز از شکاف‌ها و منافذ لایه خارج شده و در هوای معدن پراکنده می‌شود. خروج گاز با صدای سوت همراه است و اگر لایه آبدار باشد، حباب‌هایی نیز تولید می‌شود.

gas drainage

گاز زدائی (تهویه)

عمل بیرون کشیدن گاز زغال از لایه‌های زغال‌سنگ قبل از استخراج، با حفر تونل یا گمانه‌های ویژه‌ای که به همین منظور حفر می‌شوند.

gas emission

تصاعد گاز (تهویه)

آزاد شدن گاز زغال از لایه‌ها به داخل حفاریات معدنی.

gate valve شیر فلکه کشوئی (آبکشی)

نوعی شیر فلکه که برای کنترل شدت جریان آب در خط لوله به کار می‌رود و اگر به طور کامل هم باز باشد، افت قابل توجهی ایجاد می‌کند.

gathering arm loader بارکننده خرچنگی (ترابری)

نوعی بارکننده که دو بازوی گردان دارد و در اثر فرو بردن سینی جلوی خود در توده مواد سست شده و حرکت بازوها در دو جهت مختلف، بارگیری می‌کند.

gathering conveyor نوار نقاله جمع کننده (ترابری)

نوار نقاله‌ای که مواد را از نقاله‌های دیگر جمع آوری می‌کند و به باربر و یا نقاله دیگری تحویل می‌دهد.

gauge عرض راه آهن (ترابری)

فاصله بین دو ریل یا دوچرخ در راه آهن.

gauge cutters ابزار برش محیطی (حفر چاه و تونل)

آن دسته از ابزار برش که در بخش محیطی صفحه حفار ماشین تمام مقطع نصب می‌شوند و وظیفه آنها برش سطح جانبی تونل و حفظ شکل آن است و ممکن است از نوع دیسکی یا غلتکی باشند.

gear pump تلمبه دنده‌ای (آبکشی)

نوعی تلمبه دوار که در آن دو دنده که بین آنها کمی لقی وجود دارد، با یکدیگر درگیراند. یکی از دنده‌ها به محور موتور وصل و دیگری هرز گرد است و در اثر چرخش آنها، آب از یک سمت به داخل تلمبه مکیده شده و از سمت دیگر با فشار خارج می‌شود.

gelatin ammonia dynamite دینامیت آمونیومی ژلاتینی (آتشباری)

نوعی دینامیت ژلاتینی که به جای قسمتی از نیتروگلیسرین آن، نیترات سدیم به کار رفته است.

gelatin dynamic دینامیت ژلاتینی (آتشباری)

نوعی ماده منفجره پلاستیکی سنگین که مقاومت آن در برابر آب بسیار زیاد است و از مخلوط نیترات سدیم، مواد قابل احتراق، ماده ضد اسید و ژلاتین آتشباری به دست می‌آید.

gelnite**ژلینیت (آتشباری)**

نوعی دینامیت ژلاتینی که از مخلوط نیتروگلیسرین، نیتروسولوز، نترات سدیم، مغز چوب و آرد ذرت به دست می‌آید.

geological strength index(GSI)**شاخص مقاومت زمین شناختی (مکانیک سنگ)**

شاخصی که برای بیان مقاومت زمین شناختی توده سنگ به کار می‌رود و مقدار عددی آن از حدود ۱۰ در مورد سنگ‌های خیلی ضعیف، تا ۱۰۰ در مورد سنگ‌های بکر و مقاوم تغییر می‌کند.

glory – hole system → **chute system****gob****مخروبه (معادن زیرزمینی)**

۱- قسمتی از معدن که کانسنگ آن استخراج و رها شده و معمولاً بر اثر ریزش به حالت مخروبه در آمده است. ۲- بخشی از معدن که در آن باطله و مواد بی‌مصرف و یا کانسنگی که قابل فروش نیست رها شده است. ۳- راهرو یا فضای زیرزمینی که با مواد بی‌مصرف پر شده است. ۴- راهروئی که در یک طرف آن مواد باطله چیده شده است.

grade ability**شیب روی (ترابری)**

حداکثر شیبی که وسایل بار کننده یا باربر با وزن و توان معین، قادرند در آن حرکت کنند.

grade assistance**نیروی محرک شیب (ترابری)**

مولفه نیروی ثقل در جهت موافق حرکت وسایل حمل و نقل در شیب‌ها.

grade resistance**نیروی مقاوم شیب (ترابری)**

مولفه نیروی ثقل در جهت مخالف حرکت وسایل حمل و نقل در شیب‌ها.

grain**دانه (عمومی)**

۱- اجزای یک سنگ خرد شده. ۲- کانی‌ها یا اجزای تشکیل دهنده سنگ رسوبی آواری.

grapple**بارکننده چنگالی (ترابری)**

نوعی بارکننده جرثقیلی با صندوقه بیل منقاری با سه فک که صندوقه آن به انتهای کابل فولادی جرثقیل وصل است. این بارکننده مخصوص عملیات بارگیری مواد در خارج معدن است.

gravel

شن (عمومی)

اصطلاح عمومی برای خرده سنگ‌های حاصل از هوازدگی و فرسایش که غالباً گرد دانه‌اند و اندازه آنها از ۲ میلیمتر (ماسه) بزرگتر است.

gripper pads

چنگ زن‌ها (حفر چاه و تونل)

مجموعه‌ای از جک‌های هیدرولیکی در ماشین حفار تمام مقطع که به حالت عمود بر هم در محیط ماشین نصب می‌شوند و به کمک آنها، ماشین به بدنه تونل تکیه کرده و پس از آن ماشین به وسیله جک‌های رانش به جلو حرکت می‌کند.

grouted rock bolt

پیچ سنگ دوغابی (نگهداری)

نوعی پیچ سنگ که در آن، تمام طول چال را با دوغاب (سیمان، ماسه نرم و آب) پر می‌کنند و بدین ترتیب، سرتاسر میله پیچ سنگ در چال محکم می‌شود.

grouting

تزریق (ژئوتکنیک)

فرآیند تزریق دوغاب رقیق سیمانی یا سایر مواد شیمیایی به داخل شکاف‌های سنگ به منظور کاهش نفوذپذیری، بهبود مقاومت سنگ و یا هر دو.

guhr dynamite

دینامیت گور (آتشباری)

دینامیت اولیه مرکب از نیتروگلیسیرین و دیاتومیت.

guide

هادی (ترابری)

سیستمی برای هدایت و کنترل اسکوپ و قفس در چاه‌های قائم که بدین منظور از ریل‌های چوبی، فلزی و یا کابل فولادی استفاده می‌شود. در سیستم‌های باربری طبلیکی، قرقره‌های استوانه‌ای که بر روی تراورس‌ها و یا در کناره قوس‌ها نصب می‌شوند، وظیفه هدایت کابل‌های فولادی سیستم باربری را به عهده دارند.

guide rail

ریل‌های (ترابری)

ریل چوبی یا فولادی، یا کابل مسیبر اسکوپ یا قفس در چاه، که کفشک‌های اسکوپ یا قفس بر روی آن حرکت می‌کند و از انحراف اسکوپ یا قفس جلوگیری به عمل می‌آورد.

guide roller**قرقره‌هادی (ترابری)**

قرقره هدایت کننده کابل فولادی در حین باربری.

gunite**گونیت (نگهداری)**

روش اولیه و قدیمی بتن‌پاشی که به کمک دستگاهی موسوم به تفنگ سیمان، به سطح حفاریات زیرزمینی پاشیده می‌شد.

gun powder —→ **black powder****half shield****نیم سپر (حفر چاه و تونل)**

نوعی سپر که برای حفر تونل در زمینهای خشک یا زمین‌های آبکشی شده کم عمق به کار می‌رود. مقطع این سپرها نیم دایره یا نیم بیضی است. نیم سپر را بر روی تیر آهن‌هایی که به طور موقت بر روی پایه‌های فولادی یا دیواره بتنی نصب می‌شوند، قرار می‌دهند.

hand auger —→ **auger****hand boring** —→ **auger****hand held drilling****چالزنی دستی (چالزنی)**

ابتدائی‌ترین سیستم چالزنی که ضربه زن آن پتک دستی است و هر بار پس از ضربه زدن، مته را با دست می‌چرخانند تا چال دایره‌ای حفر شود.

hanging wall**کمر بالا (عمومی)**

۱- سنگ همبر بالایی توده کانسنگ. ۲- بخش بالایی سطح یک گسل.

hard rock**سنگ سخت (عمومی)**

سنگی که برای کندن و خرد کردن آن باید از مواد منفجره استفاده کرد.

haulage**ترابری (ترابری)**

جابه‌جا کردن سنگ، مواد، نفرات، تجهیزات، وسایل و غیره از یک محل به محل دیگر در معدن. برحسب نوع وسیله باربری، انواع باربری مشخص می‌شود، مانند باربری ریلی، باربری جاده‌ای، باربری نوار نقاله‌ای، باربری کابلی و نظایر آن. در معادن زیرزمینی، حفاری‌ها یا راهروهایی که عمده‌ترین وظیفه آنها باربری است، معمولاً به عنوان حفاریه اصلی شناخته می‌شوند، مانند تونل باربری یا چاه باربری که ممکن است تونل اصلی یا چاه اصلی نامیده شوند. گاه برای توضیح بیشتر در باره راهرو یا فضای زیرزمینی، نوع باربری

نیز به دنبال آن آورده می‌شود، مانند تونل نوار نقاله‌ای، تونل ریلی، راهروی اسکرپری و نظایر آن.

haulageway

مسیر حمل و نقل (ترابری)

راه‌هایی که برای حمل و نقل مواد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

havage —————→ **coal cutter**

havage machine

دستگاه‌هاواژ (معادن روباز)

دستگاهی برای جدا کردن بلوک یا قواره سنگ از جبهه کار معادن سنگ تزئینی و نما. این دستگاه یک بازوی برنده دارد که سختی تیغه‌های برنده آن متناسب با سختی سنگ تحت برش، قابل تغییر است.

head frame

دکل چاه (ترابری)

سازه واقع در بالای چاه برای تعبیه قرقره عبور سیم بکسل باربری که ممکن است فلزی، چوبی، و یا بتنی باشد. ارتفاع دکل چاه تابع نحوه تخلیه مواد خروجی از چاه و باربری آن، سرعت حرکت باربر در چاه، و مسائل ایمنی باربری است.

head house

ساختمان بالای چاه (ترابری)

ساختمانی شامل دکل چاه، موتورهای بالابری و دیگر امکانات مستقر در سر چاه که در آن بونکرهای مواد معدنی و باطله و یا سیلوی مواد پرکننده فضاهای استخراجی همراه با تجهیزات اسکپ و قفس نیز وجود دارد.

heading

تونل پیشاهنگ (حفر چاه و تونل)

تونلی با سطح مقطع کوچک که قبل از حفر تونل اصلی و پیشاپیش آن حفر می‌شود.

heaped capacity

ظرفیت کوت شده (ترابری)

حجم صندوقه باربر در حالتی که با شیب ۲:۱ پر شده باشد.

explosion heat

گرمای انفجار (آتشباری)

مقدار گرمایی که در اثر انفجار واحد جرم ماده منفجره تولید می‌شود که در مورد مواد ناریه معمولی ۶۵۰ تا ۱۵۰۰ کالری بر گرم است.

helicoilal wire sawing

سیم برش فولادی (معادن روباز)

یکی از روشهای قدیمی استخراج سنگ‌های تزئینی و نما در معادن روباز. در این روش با حرکت مداوم سیم فولادی، ماده ساینده

باعث ایجاد برش در سنگ برجا می‌شود و طی آن می‌توان به طور همزمان تعداد زیادی از سطوح بلوک‌های سنگی را در جهات مختلف و با استفاده از قرقه‌های راهنما، تحت برش قرار داد.

hercudet non electric system

سیستم هرکودت (آتشباری)

نوعی سیستم آتشباری غیر الکتریکی که در آن تحریک چاشنی‌ها از طریق انفجار گاز با انرژی کم انجام می‌گیرد. این سیستم را کمپانی هر کولس ابداع کرده است.

high explosives

مواد منفجره شدید (آتشباری)

مواد منفجره‌ای که در اثر تماس با شعله یا در نتیجه ضربه‌ای شدید منفجر می‌شوند و حجم فراوانی از گاز تولید می‌کنند و سرعت و فشار انفجار بالائی دارند.

مواد منفجره قوی ← مواد منفجره شدید

high voltage cable

کابل فشاری قوی (خدمات فنی)

کابلی که برای انتقال برق در قسمت‌های دائمی معدن مثل چاه و تونل‌های اصلی به کار می‌رود و آنرا برای فشارهای الکتریکی بیش از ۱۰۰۰ ولت می‌سازند.

hoist

بالابر (ترابری)

دستگاه باربری کابلی، برای بالا آوردن کانسنگ و سنگ و بالا و پایین بردن افراد، وسایل، تجهیزات و نظایر آن به وسیله قفس یا اسکوپ در چاه. یک سر کابل بالابر به مخزن حمل، که قفس یا اسکوپ است، متصل می‌شود و سر دیگر آن ممکن است آزاد باشد یا به وزنه تعادل یا به مخزن دیگری متصل شود. بالابرها به دو نوع عمده طبلکی و اصطکاکی تقسیم می‌شوند. در بالابرها طبلکی کابل به دور یک استوانه پیچیده می‌شود و در بالابرها اصطکاکی، کابل به وسیله یک قرقه حرکت می‌کند. بالابرها معمولاً با موتور الکتریکی کار می‌کنند.

hoisting

بالابری (ترابری)

عملیات بالا و پایین بردن بار، تجهیزات و نفرات در چاه‌های معدنی.

hole charging

خرجگذاری چال (آتشباری)

عملیات قرار دادن مواد منفجره در داخل چال که به نوع خرج، نوع بسته بندی خرج و قطر چال بستگی دارد و ممکن است با سنبه چوبی، به کمک هوای فشرده، یا با استفاده از ماشین انجام گیرد.

hole loading → *hole charging*

hopper **قیف (ترابری)**

مخزن یا مکانی به شکل مخروط یا هرم وارونه که معمولاً در زیر زمین و در انتهای مسیر باربری بینابین احداث می‌شود. مواد معدنی تخلیه شده در قیف را براساس برنامه‌ای منظم، به باربر اصلی منتقل می‌سازند.

hopper car truck **باربر قیفی (ترابری)**

باربر قیفی که صندوقه آن دیواره‌های شیب‌داری دارد که این ویژگی، تخلیه مواد داخل آنرا آسانتر می‌کند. در کف این باربرها دریچه‌هایی تعبیه شده است که مواد موجود در باربر، از طریق آنها تخلیه می‌شود.

hose **شیلنگ (خدمات فنی)**

لوله‌ای قابل ارتجاع و چند لایه که برای تغذیه دستگاه‌های متحرکی که با هوای فشرده کار می‌کنند، به کار می‌رود. شیلنگ از یک سو به خط لوله فلزی و از سوی دیگر، به دستگاه مصرف کننده متصل می‌شود.

hydraulic drill (H.D) **چالزن هیدرولیکی (چالزنی)**

نوعی دستگاه چالزنی که در آن انرژی لازم برای چرخش مته به وسیله موتور هیدرولیکی تامین می‌شود. امتیاز این دستگاه نسبت به چالزن‌های معمولی، کاهش سر و صدا و گرد و غبار حاصله است و به ویژه در حفاریات زیرزمینی کارآرایی خوبی دارند.

hydraulic excavator **بیل مکانیکی (ترابری)**

بارکننده‌ای که عملیات بارگیری آن به کمک جک‌های هیدرولیکی انجام می‌شود. این بارکننده نوعی بیل قدرتی با ظرفیت‌های مختلف است که سیستم حرکتی آن از نوع چرخ زنجیری است و انواع کوچک آن نیز به چرخ‌های لاستیکی مجهزاند.

hydraulic fracturing test **آزمون شکافت هیدرولیکی (مکانیک سنگ)**

روشی برای برآورد میزان تنش‌های بر جا در توده سنگ که در آن، با نصب دو مجرا بند، قسمتی از یک گمانه حفاری شده را در بالا و پایین آن از بقیه قسمت‌های گمانه جدا می‌کنند و به وسیله دستگاهی مخصوص، آب را با فشار به این قسمت از گمانه می‌رانند تا سرانجام به ترک خوردگی دیواره گمانه بینجامد.

hydraulic gradient **شیب هیدرولیکی (تهویه)**

منحنی‌ای که در هر نقطه مجموع ارتفاع‌های نظیر انرژی پتانسیل و فشار هوا را نشان می‌دهد و عموماً در جهت حرکت شیب دارد.

hydraulic loss**افت هیدرولیکی (آبکشی)**

افتی که در اثر حرکت آب در قسمت‌های داخلی تلمبه ایجاد می‌شود.

hydraulic mining**استخراج هیدرولیکی (عمومی استخراج)**

استخراج کانسنگ یا کندن سنگ به وسیله جت آب با فشار زیاد و حمل سنگ شکسته شده با آب.

hydraulic radius**شعاع هیدرولیکی (آبکشی)**

حاصل تقسیم مساحت مقطع یک کانال روباز به محیط خیس شده آن.

hydrodynamic drilling**حفاری هیدرودینامیکی (حفر چاه و تونل)**

نوعی روش حفاری که در آن از فشار مایعات برای ایجاد شکاف و شکستگی در سنگ استفاده می‌شود. بسته به جنس سنگ و میزان ناپیوستگی‌های آن میزان فشار بین ۲۰ تا ۲۰۰ مگاپاسکال تغییر می‌کند.

hydrox**هیدروکس (آتشباری)**

کپسول ماده منجره که با پودر نیترات سدیم، کلرید آمونیوم و اکسید منیزیم پر شده است. عملکرد آن به این گونه است که در اثر عبور جریان برق، آتش زنه الکتریکی گرما ایجاد می‌کند و مواد داخل کپسول منفجر و در اثر فعل و انفعال شیمیایی گاز تولید می‌شود و گاز حاصله با فشار از کپسول خارج می‌شود و سنگ را می‌شکند.

I, J, K, L

igniter

آتش زنه معمولی (آتشباری)

نوعی آتش زنه که برای آتش زدن باروت به کار می‌رود و به صورت لوله‌ای کاغذی شبیه مداد است که داخل آن با اسید نیتریک اندود شده و محتوی مقدار کمی باروت بسیار نرم است.

igniter cord

فتیله آتش زنه (آتشباری)

فتیله‌ای نرم و نازک که با شعله می‌سوزد و برای انتقال آتش به کار می‌رود. این فتیله را می‌توان با آتش زنه برقی یا شعله کبریت آتش زد.

illumination

شدت روشنایی (خدمات فنی)

حاصل تقسیم جریان نوری که بر یک سطح می‌تابد (بر حسب لومن) بر مساحت سطحی که روشن شده است (بر حسب مترمربع).

immediate roof

سقف بلافاصل (نگهداری)

سنگ یا لایه موجود در سقف حفریات زیرزمینی که معمولاً کمر بالای ماده معدنی را تشکیل می‌دهد.

immediate strain

تنجش آنی (مکانیک سنگ)

تنجشی که بلافاصله پس از اعمال تنش، در توده سنگ ایجاد می‌شود.

impedance factor

ضریب امپدانس (آتشباری)

ضریب انتقال انرژی از ماده منفجره به سنگ.

impedance of explosive

امپدانس ماده منفجره (آتشباری)

حاصلضرب سرعت انفجار ماده منفجره در چگالی آن.

impedance of rock

امپدانس سنگ (آتشباری)

حاصلضرب سرعت انتشار امواج الاستیک در سنگ در چگالی آن.

impeller

چرخ دوار (آبکشی)

استوانه درونی تلمبه‌های گریز از مرکز که پره‌هایی به آن متصل است و در اثر چرخش، انرژی فشاری آب را تامین می‌کند.

impeller clearance

لقی (تهویه)

فاصله بین انتهای پره‌ها و دیواره داخلی بادبزنهای محوری.

in-seam drift → *drift*

تونل دنباله لایه ← تونل دنباله رو

in situ

برجا (عمومی)

سنگ، خاک، یا هر ماده طبیعی که در همان محلی که تشکیل شده است، قرار دارد.

in situ stress

تنش‌های برجا (مکانیک سنگ)

تنش‌های موجود در توده‌های سنگی برجا که عمدتاً ناشی از وزن طبقات رویی و فعالیت‌های تکتونیکی منطقه‌اند.

inclination → *dip**incline*

تونل مورب (معدن زیرزمینی)

تونل یا چاهی که افقی یا قائم نیست و از سطح زمین به طرف عمق به حالت شیبدار حفر می‌شود و معمولاً شیب آن کم تا متوسط است و در صورتی که شیب آن زیاد باشد، چاه مایل نامیده می‌شود. این حفاری معمولاً داخل لایه یا رگه احداث شده و گاه برحسب نوع وسیله باربری آن مشخص می‌شود مانند تونل شیبدار ریلی یا تونل شیبدار نواری.

inclinometer

انحراف سنج (مکانیک سنگ)

وسيله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه انحراف در جهت عمود بر محور ابزار رفتار سنجی.

income

در آمد (عمومی)

۱- مقدار وجه کالا یا خدمت که شخص حقیقی یا حقوقی یا اقتصادی، در یک دوره زمانی معین دریافت کرده است.

۲- در اصطلاح علم اقتصاد نظری، بازده پولی یا منافع مادی که بر اثر به کار انداختن ثروت یا از خدمات یک فرد در یک دوره زمانی معین به دست می‌آید.

increasing stripping ratio

نسبت باطله برداری صعودی (معادن روباز)

نوعی نسبت باطله برداری در برنامه بهره برداری از معادن روباز به گونه‌ای که روند سالیانه آن صعودی باشد. به عبارت دیگر، سعی می‌شود حتی‌الامکان از اضافه باطله برداری در سالهای ابتدایی بهره‌برداری احتراز و با این روش، به ارزش فعلی معدن افزوده شود.

incremental stripping ratio

نسبت باطله برداری گسترشی (معادن روباز)

نوعی نسبت باطله برداری در برنامه بهره‌برداری از معدن روباز به گونه‌ای که فاصله زمانی استخراج هر واحد باطله با کانسنگ متناظر با آن، با توجه به محدودیت‌های اجرایی، حداقل شود. به عبارت دیگر، در این حالت که ایده‌آل است و در عمل کمتر قابلیت اجرایی دارد، شیب کارگاه‌های استخراج، معادل شیب میانگین کاواک در حد نهایی منظور می‌شود.

independently rotated drill

چالزن با چرخش مستقل (چالزنی)

نوعی چالزن که در آن ضربه‌زن در سطح زمین قرار دارد و چرخش مته به طور مستقل و به وسیله موتور انجام می‌گیرد.

induced porosity → *secondary porosity**induced stress*

تنش‌های القائی (مکانیک سنگ)

تنش‌هایی که در اثر احداث حفاریات زیرزمینی یا سطحی در توده سنگ ایجاد می‌شود.

informal support

سیستم نگهداری غیر رسمی (نگهداری)

نوعی سیستم نگهداری که الزاما محدود به وضعیت هندسی مشخصی نیست، که از جمله این سیستمها می‌توان پیچ سنگ، بتن‌پاش و قابهای فلزی انعطاف‌پذیر را نام برد.

infrastructure**تأسیسات زیربنایی (عمومی)**

تأسیسات پایه‌ای، مانند آب، برق، تلفن، راه آهن، بندرگاه و فرودگاه که به هنگام بهره‌برداری از یک طرح صنعتی یا عمرانی، مورد نیاز است.

injector**فشانه (تهویه)**

وسیله‌ای که برای هوارسانی به جبهه کارهای پیشروی به کار می‌رود و با هوای فشرده کار می‌کند. این وسیله در واقع سوزن ساده‌ای است که آنرا در داخل لوله تهویه قرار می‌دهند به طوری که در اثر خروج هوای فشرده از نوک آن، حجم قابل توجهی از هوا در لوله تهویه به جریان می‌افتد.

inlet pressure**فشار ورودی (خدمات فنی)**

فشار مطلق هوای ورودی به کمپرسور که به نام هوای آزاد نیز خوانده می‌شود.

insert drill steel**مته یک پر (چالزنی)**

رایج‌ترین مت‌چالزنی که به صورت تیغه‌ای است و به سهولت تیز می‌شود و در شرایط عادی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است.

inset**پذیرشگاه چاه (معدان زیرزمینی)**

ورودی چاه به هر طبقه، که شامل تونل مرتبط کننده (عمود بر لایه) از چاه به توده کانسنگ است. معمولاً در پذیرشگاه برحسب نیاز، اتاق‌ها و فضاهای مختلفی احداث و تجهیز می‌شود.

instant electric detonator**چاشنی الکتریکی فوری (آتشباری)**

پوکه‌ای مسی یا آلومینیومی که یک طرف آن بسته است و از طرف دیگرش دو رشته سیم خارج می‌شود. اجزای داخل این پوکه از پایین به بالا عبارت از خرج اصلی، خرج کمکی و سر چاشنی هستند و در بالاترین قسمت آن یک درپوش قرار دارد که دو رشته سیم از آن خارج می‌شود. وقتی که دو رشته سیم به جریان برق وصل شوند، سیم کرمونیکل موجود در سر چاشنی داغ می‌شود و به ترتیب سبب اشتعال و انفجار خرجهای کمکی و اصلی چاشنی می‌شود که پیامد آن، انفجار دینامیت متصل به چاشنی است.

instrumentation**ابزار بندی (مکانیک سنگ)**

استفاده از ابزار خاص برای رفتار سنجی حفاریات سطحی و زیرزمینی.

insulator **مقره (خدمات فنی)**

وسیله‌ای عایق الکتریسیته که بر روی کنسول نصب می‌شود و سیم‌ها یا کابل برق را به آن وصل می‌کنند.

intact rock **سنگ بکر (مکانیک سنگ)**

سنگی که فاقد درزه و ترک‌های مویی باشد.

intake **معبور ورودی هوا (تهویه)**

راهرویی که از طریق آن هوای تازه به معدن یا جبهه کار معدنی دمیده می‌شود.

گریزو ← گاز زغال

integral drill steel **مته یکپارچه (چالزنی)**

نوعی مته که سرمته به آن وصل است و قابل جدا شدن از آن نیست.

inter cooler **میان سرد کننده (خدمات فنی)**

دستگاه سرد کننده هوای فشرده که آنرا در حدفاصل دو مرحله از تراکم هوا در کمپرسورهای چند مرحله‌ای تعبیه می‌کنند تا گرمای حاصل از تراکم را برطرف سازد و دمای هوای فشرده را کاهش دهد.

interaction **برهم کنش (مکانیک سنگ)**

واکنش متقابل سیستم نگهداری و تونل.

interferometer **گازسنج نوری (تهویه)**

دستگاهی که برای سنجش میزان گاز زغال موجود در هوای معدن به کار می‌رود و در آن با استفاده از یک تلمبه دستی، هوای معدن را به داخل یکی از دو لوله آن می‌فرستند. از آنجا که ضریب شکست هوا و هوای مخلوط با گاز متفاوت است، لذا دو اشعه نوری که از دو لوله دستگاه می‌گذرند، در خروج از تداخل سنج با یکدیگر اختلاف فاز پیدا می‌کنند و نوارهای تداخلی آنها جابه‌جا می‌شود. هر چقدر درصد گاز زغال در هوای معدن زیادتر باشد، به همان میزان جابه‌جایی نوارهای تداخلی بیشتر است و به کمک آن می‌توان درصد گاز زغال را مشخص کرد.

تداخل سنج ← گاز سنج نوری

intermediate haulage**باربری بینابینی (ترابری)**

مسیر حمل مواد معدنی در فاصله کارگاه استخراج تا مکانی که امکان تحویل بار به باربر اصلی وجود داشته باشد. در معادن زیرزمینی، باربری در مسیر بینابین یا میانی معمولاً به وسیله نوار نقاله یا سیستم حمل و نقل ریلی انجام می‌گیرد.

intrinsically safe**ذاتاً ایمن (خدمات فنی)**

ویژگی بعضی از دستگاههای برقی معدنی که بنابه آن، امکان تولید هیچگونه جرقه‌ای در آن دستگاه وجود ندارد. این دستگاه‌ها برای استفاده در معادن رغال گازدار مناسب‌اند.

isocandle curves**منحنی‌های هم شدت (خدمات فنی)**

منحنی‌هایی که نقاطی را که شدت نور مساوی دارند، به هم وصل می‌کنند. به کمک این منحنی‌ها می‌توان شدت نور یک منبع را در امتدادهای مختلف، به دست آورد.

isochoric process**فرآیند با حجم ثابت (تهویه)**

فرآیندی که طی آن ضمن حرکت هوا از نقطه‌ای به نقطه دیگر، حجم و در نتیجه جرم مخصوص آن ثابت باقی می‌ماند.

isoline**خط هم خاصیت (عمومی)**

خطی که در روی نقشه یا دیاگرام، نقاطی را که کمیت فیزیکی به آنها دارای مقدار یکسانی است به هم متصل می‌کند، مثل خطوط تراز لایه، خطوط هم عیار، خطوط هم ضخامت، خطوط هم دما و نظایر آنها.

isothermal process**فرآیند تکدما (تهویه)**

فرآیندی که طی آن، دمای هوا در طول حرکت آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر، ثابت باقی می‌ماند.

jack hammer**چالزن دستی (چالزنی)**

نوعی چالزن دورانی - ضربه‌ای سبک به وزن ۱۰ تا ۴۰ کیلوگرم که به هنگام چالزنی آنرا با دست نگه می‌دارند و معمولاً برای چالزنی در حفریات کوچک به کار می‌رود.

jackleg hammer**چالزن دورانی - ضربه‌ای پایه‌دار (چالزنی)**

نوعی چالزن دورانی - ضربه‌ای که به علت سنگینی آنرا بر روی پایه‌ای نصب می‌کنند.

jar (دنگ حفاری)

قطعه‌ای از رشته ابزار حفاری در دستگاه حفاری ضربه‌ای که در بالای ساقه مته قرار دارد و وظیفه آن کمک به خروج و بالا کشیدن مته است. این قطعه از دو حلقه طویل که درون یکدیگر قرار دارند تشکیل شده است.

jet drilling حفاری با جت آب (حفر چاه وتونل)

روشی که در آن با استفاده از انرژی سرعتی آب که تحت فشار خیلی بالا از فشانه خارج می‌شود، سنگ‌ها را حفر می‌کنند. همراه با جت آب از مواد ساینده نیز استفاده می‌کنند که در این حالت راندمان حفاری افزایش می‌یابد. جت آب همراه با ماشین‌های حفر تونل نیز به کار می‌رود.

job efficiency → **operating factor** راندمان کار ← ضریب عملیات

jubilee wagon واگن بغل ریز (ترابری)

واگنی که روی ریل حرکت می‌کند و از بغل تخلیه می‌شود.

judson powder پودر جادسون (آتشباری)

نوعی باروت که ذرات آن با قشری از نیتروگلیسرین پوشیده شده و سرعت انفجار آن بیشتر از باروت معمولی است.

jumbo drill جامبو دریل (چالزنی)

نوعی اربه چالزنی که بیش از یک بازوی حفاری دارد.

kata thermometer دماسنج کاتا (تهویه)

دماسنج ویژه‌ای که برای تعیین قدرت خنک‌کنندگی هوا در محدوده دمای معدن به کار می‌رود و به دو حالت تر و خشک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

key blocks بلوک‌های کلیدی (مکانیک سنگ)

بلوک‌هایی که در توده سنگ‌های درزه‌دار، خطرناکترین وضعیت استقرار را دارند و در پایداری حفاریات نقش کلیدی را به عهده دارند.

kibble دلو چاه (ترابری)

دلو بارگیری سنگ‌های کنده شده به هنگام حفر چاه.

koepe hoist**بالابر اصطکاکی (ترابری)**

نوعی بالابر چاه که در آن، طبلک و کابل برروی قرقره‌ای تکیه کرده و با چرخش قرقره، حرکت می‌کند. به یک طرف کابل، قفس یا اسکوپ و به طرف دیگر آن، وزنه تعادل، قفس یا اسکوپ دیگری آویخته می‌شود. با حرکت کابل، یک طرف بالا و طرف دیگر پایین می‌رود و بالعکس. این بالابر ممکن است چند کابلی باشد.

ladderway**نفررو (معادن زیرزمینی)**

۱- چاه یا دوپیل مخصوص رفت و آمد افراد که بین دو طبقه یا بین راهروی باربری و کارگاه استخراج حفر و در آن نردبانی نیز نصب می‌شود. ۲- بخشی از چاه (یک خانه چاه) که در آن نردبان نصب شده است و در مواقع اضطراری برای ورود و خروج افراد استفاده می‌شود.

lagging**لارده (نگهداری)**

تخته‌ها یا الوارهای کوچکی که در پشت وسایل نگهداری اصلی تونل، چاه، یا دوپیل نصب می‌شوند و وظیفه آنها توزیع فشار بین دو قاب نگهداری و همچنین پوشش سقف و دیوارها برای جلوگیری از سقوط قطعات کوچک سنگ است. به جای چوب ممکن است از لارده بتنی یا فولادی نیز استفاده شود.

lambert**لامبرت (خدمات فنی)**

واحد اندازه‌گیری درخشندگی که عبارت از درخشندگی سطحی است که نور با آهنگ یک لومن بر مترمربع از آن ساطع یا منعکس شود.

lamp room**چراغ خانه (خدمات فنی)**

اتاقی در سر معدن که برای نگهداری، تحویل، شارژ، سرویس و تعمیرات چراغ معدنی، از هر نوعی که باشد، احداث می‌شود.

landslide**زمین لغزش (ژئوتکنیک)**

حرکت توده خاک، سنگ یا واریزه به پایین دست یک سرایشی.

landing**توقفگاه قفس (ترابری)**

مکانی در چاه که در آنجا، قفس، بارگیری یا تخلیه می‌شود.

ناخنهای شعاعی بزرگ (حفر چاه و تونل) *large radial picks*

ناخنهایی که در سرمته ماشینهای حفار بازویی به حالت شعاعی نصب می‌شوند و نوک آنها به سمت جلو خمیده است. از جمله ویژگی‌های این ناخن‌ها، بالا بودن راندمان حفاری و کم بودن میزان گرد و غبار تولیدی است.

شکست گوه‌ای بزرگ مقیاس (مکانیک سنگ) *large scale wedge failure*

نوعی شکست گوه‌ای که معمولاً چندین پله معدن را در برمی‌گیرد.

تونل موازی لایه (معدن زیرزمینی) *lateral drift*

تونلی که به موازات لایه یا رگه حفر می‌شود.

جانمایی (عمومی) *layout*

نقشه‌ای که طرح استقرار ساختمان‌های مختلف سر معدن، تأسیسات، جاده‌ها، تونل‌ها، چاه‌ها، کارگاه‌ها و محل‌های کار را در صفحه افقی نشان می‌دهد.

پایه (چالزنی) *leg*

وسیله‌ای که چالزن‌های سنگین را روی آن قرار می‌دهند تا بتوان چال حفر کرد.

طبقه (معدن زیرزمینی) *level*

هر یک از بخش‌های یک معدن زیرزمینی. طبقات معدن به فواصل تقریباً منظم احداث می‌شوند و آنها را از بالا به پایین شماره‌گذاری کرده و یا ارتفاع مطلق آنها را بیان می‌کنند. در معادنی که چاه دارند، ارتفاع منفی طبقه از سر چاه بیان می‌شود.

تراز (عمومی استخراج) *level*

۱- تونل یا راهروی اصلی‌ای که در تمام طول کانسار در تراز معینی حفر می‌شود و وظیفه باربری اصلی و تهویه را به عهده دارد و آماده سازی کارگاه‌های استخراج نیز از طریق آن انجام می‌شود. ۲- هر یک از طبقات معدن روباز.

برقگیر (خدمات فنی) *lightning arrester*

وسیله‌ای که جریانهای ناشی از رعد و برق و طوفان‌های جوی را به زمین منتقل می‌سازد و از بروز صدمه به وسایل و تجهیزات جلوگیری می‌کند.

limiting economic cut off grade**عیار حد اقتصادی محدود کننده (معادن روباز)**

عیار حدی که بر مبنای یکی از سه عامل محدود کننده ظرفیت استخراج از معدن، ظرفیت واحد کانه‌آرایی و ظرفیت واحد متالورژی، محاسبه می‌شود.

line drilling**چالزنی خطی (آتشباری)**

نوعی روش آتشباری کنترل شده که در آن تعدادی چال بسیار نزدیک به هم در پیرامون محدوده مورد نظر حفر و آتشباری می‌شود.

lining**آستر (نگهداری)**

پوششی از بتن که برای نگهداری تونل‌ها به کار می‌رود و برای اجرای آن، سطح داخلی تونل را قالب بندی و داخل قالب را با بتن پر می‌کنند.

liquid oxygen**اکسیژن مایع (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره که در دمای ۱۸۳- درجه سانتیگراد به جوش می‌آید. چنانچه مواد سوختنی از قبیل خاک اره و گرد زغال را در این ماده فرو ببرند، می‌توانند تا چند برابر وزن خود اکسیژن مایع جذب کنند. در این حالت، جسم سوختنی آلوده به اکسیژن با نزدیک کردن شعله به آن منفجر می‌شود. از آنجا که این ماده به سرعت تبخیر می‌شود، لذا جسم سوختنی را در پای کار با اکسیژن مایع خیس و بلافاصله آن را مصرف می‌کنند.

load – haul – dump unit (L.H.D.)**ماشین بارکننده – باربر (ترابری)**

بارکننده‌ای چرخ لاستیکی که در زیر زمین، مواد معدنی را تا فاصله مشخص حمل می‌کند و در واقع نوعی بارکننده صندوقه‌ای است که صندوقه آن در قسمت جلو ماشین مستقر است و ابعاد آن با توجه به شرایط عملیاتی در زیرزمین، طراحی می‌شود.

load factor**ضریب بار (ترابری)**

نسبت وزن یک مترمکعب توده سنگ یا مواد سست شده و نابرجا به وزن یک مترمکعب توده برجا.

load factor**ضریب بار (خدمات فنی)**

نسبت بار متوسط اعمالی بر کمپرسور در یک فاصله زمانی بر ماکزیمم بار در همین مدت.

load factor**ضریب حداکثر بار (خدمات فنی)**

نسبت مصرف برق متوسط یک دستگاه برقی در یک فاصله زمانی معین، بر مصرف ماکزیمم دستگاه در همان مدت.

بارکننده (ترابری) *loader*

بیل مکانیکی یا ماشین‌های دیگر بارگیری مواد معدنی، باطله و سنگ. لودر نام عمومی تمامی وسایلی است که قادر به بارگیری مواد هستند.

لودر ← بارکننده

ضریب خرج‌گذاری (آتشباری) *loading factor*

وزن ماده منفجره در واحد طول چال.

نقطه بارگیری (ترابری) *loading point*

۱- محلی که کانسنگ یا سنگ به وسایل باربری تحویل داده می‌شود. ۲- جایی که کانسنگ استخراج شده از کارگاه، به بیرون منتقل شده و به وسایل باربری ریخته می‌شود.

افت موضعی (تهویه) *local loss*

کاهش انرژی مفید هوا به هنگام حرکت، در اثر وجود پدیده‌های موضعی از قبیل تنگ و یا گشاد شدن ناگهانی مسیر و یا تغییر جهت در مسیر حرکت آن.

آزمایش لوفران (ژئوتکنیک) *Lofrane test*

آزمایشی که برای تعیین ضریب نفوذپذیری خاکها به حالت بر جا به کار می‌رود. بدین منظور، در کف گمانه‌ای که در آن لوله جداری نصب شده است، آبرا با فشار به داخل گمانه تزریق می‌کنند و با توجه به حجم آب تزریق شده و فشار اعمالی، ضریب نفوذ پذیری سنگ‌های منطقه را محاسبه می‌کنند. این آزمایش در مورد زمین‌های ماسه‌ای فاقد مواد چسبنده به کار می‌رود.

چال بلند (چالزنی) *long hole*

چال آتشباری که طول آن بیشتر از ۳ متر باشد.

روش استخراج جبهه کار بلند (معادن زیرزمینی) *longwall method*

یکی از مهمترین روش‌های استخراج زیرزمینی که عمدتاً برای استخراج زغالسنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، طول جبهه کار در کارگاه استخراج زیاد و معمولاً بیشتر از ۶۰ متر است و تمام طول آن با یک برش استخراج می‌شود. پس از استخراج هر برش، وسایل نگهداری به طرف جلوی جبهه کار جابه‌جا شده و اجازه داده می‌شود تا سقف تخریب شود. گاه و به ویژه در مورد

لایه‌های شیبدار، فضای استخراج شده به جای تخریب، پر می‌شود. با پیشرفت‌های فناوری، مکانیزاسیون کامل کارگاه‌های استخراج جبهه کار بلند امکان پذیر شده و حتی موفقیت‌هایی نیز در خودکار کردن کامل کارگاه استخراج حاصل شده است.

low explosive

مواد منفجره کند (آتشباری)

مواد منفجره‌ای که در اثر تماس با شعله منفجر می‌شوند، سرعت انفجار کمی دارند و حجم گازهای حاصل از انفجار آنها کم است. از جمله این مواد می‌توان باروت را نام برد.

مواد منفجره ضعیف ← مواد منفجره کند

Lugean test

آزمایش لوژن (ژئوتکنیک)

آزمایشی که برای تعیین ضریب نفوذ پذیری توده سنگ بر جا به کار می‌رود. بدین منظور، قسمتی از گمانه را به وسیله توپی مخصوص می‌بندند، به طوری که آب از این قسمت به بالا نفوذ نکند. سپس به کمک لوله‌ای که از توپی عبور کرده است، آبرا با فشار و به کمک تلمبه به داخل گمانه تزریق می‌کنند و با توجه به حجم آب تزریق شده طی آزمایش، ضریب نفوذ پذیری سنگ‌های منطقه را محاسبه می‌کنند.

lumen

لومن (خدمات فنی)

واحد اندازه‌گیری جریان نور که عبارت از جریان نوری است که در داخل زاویه فضائی یک استرادیان، شدت نور یک شمع وجود داشته باشد.

luminance

درخشندگی (خدمات فنی)

حاصل تقسیم شدت نور یک منبع نور به مساحت آن در همان جهت.

lumination efficiency

ضریب بهره نوری (خدمات فنی)

نسبت جریان نور یک چراغ به توان ورودی الکتریکی آن بر حسب لومن بر وات.

lumination flux

جریان نور (خدمات فنی)

توان نوری یک منبع نور که همان میزان انرژی‌ای است که جسم نورانی تشعشع می‌کند و به صورت نور احساس می‌شود.

lumination intensity**شدت نور (خدمات فنی)**

جریان نور موجود در واحد زاویه فضایی.

lump**کلوخه (عمومی)**

۱- کانسنگ یا سنگی که از جبهه کار کنده شده و هنوز خرد نشده است. ۲- قطعات درشت زغالسنگ که سرند شده‌اند و با قیمت بیشتر به فروش می‌رسند.

lux**لوکس (خدمات فنی)**

واحد اندازه‌گیری شدت روشنایی که معادل شدت روشنایی‌ای است که در هر مترمربع از سطح، جریان نور یک لومن تشعشع کند. همچنین می‌توان آنرا عبارت از شدت روشنایی حاصل از منبع نوری به شدت یک شمع در فاصله یک متری تعریف کرد.

luxmeter**روشنایی سنج (خدمات فنی)**

دستگاهی برای اندازه‌گیری شدت روشنایی که معمولاً بر اساس خاصیت سلولهای فتوالکتریک کار می‌کند.

لوکس متر ← روشنایی سنج

M, N

machine body

بدنه ماشین (حفر چاه و تونل)

محور اصلی ماشین حفر تونل تمام مقطع که سایر قسمت‌ها مثل صفحه خفار، الکتروموتورها و سیستم هیدرولیک بر روی آن نصب می‌شوند.

machine mine

معدن مکانیزه (عمومی استخراج)

معدنی که برای فعالیت‌های مختلف در آن به جای افراد از ماشین استفاده می‌شود.

machine tester

آتشکن آزما (آتشباری)

دستگاه مخصوص آزمایش ماشین‌های آتشکن. پس از شارژ ماشین آتشکن و وصل آن به این دستگاه، روشن شدن لامپ دستگاه آزمایش، نشان دهنده سالم بودن ماشین آتشکن است.

magnetic starter

راه‌انداز مغناطیسی (خدمات فنی)

وسیله‌ای که به کمک آن می‌توان ماشین‌های برقی داخل معدن را از راه دور به کار انداخت.

main line haulage

مسیر اصلی باربری (ترابری)

قسمتی از مسیر باربری که حدفاصل مسیر بینابین تا خارج معدن و یا نقطه تخلیه بعدی است.

maintenance

نگهداری (عمومی)

بازرسی، مراقبت، تعمیر و حفظ تجهیزات و تأسیسات، به گونه‌ای که در وضعیت مطلوب و برای کاربری مناسب باشند.

maintenance factor**ضریب نگهداری (خدمات فنی)**

ضریبی که نشانگر وضعیت سرویس و تمیز کاری چراغ است و معمولاً در محدوده ۰/۳ تا ۰/۸ تغییر می‌کند.

major mine disaster**فاجعه معدنی (ایمنی)**

حادثه‌ای که منجر به مرگ بیش از ۵ نفر می‌شود.

man – shift**نفر – شیفت (عمومی استخراج)**

۱- واحدی برای سنجش انجام کار. ۲- بازده مقدار کاری که یک نفر در یک شیفت انجام می‌دهد.

manhole**جان پناه (معدن زیرزمینی)**

۱- فضای کوچکی که در فاصله‌های معینی در تونل‌های کم عرض احداث می‌شود تا به هنگام عبور واگن، افراد بتوانند در آن پناه بگیرند. ۲- یک راهروی کوچک و کم عرض برای عبور افراد. ۳- راهروی کوچکی برای عبور افراد بین کارگاه استخراج و تونل اصلی یا یک کارگاه دیگر.

manway**نفررو (معدن زیرزمینی)**

بخشی از یک حفریه زیرزمینی یا راهرو افقی، مایل یا قائم که برای عبور افراد پیاده اختصاص داده شده است.

mechanical availability**دسترسی مکانیکی (ترابری)**

شاخصی که نشانگر توانائی ارائه خدمات ماشین‌آلات بارگیری یا باربری در طول دوره برنامه، بدون توقفات ضروری برای تعمیرات و نگهداری مکانیکی است.

mechanical availability factor**ضریب قابلیت دسترسی مکانیکی (ترابری)**

توانائی انجام دادن کار در شرایط نگهداری مناسب از ماشین. مقدار عددی این ضریب به صورت نسبت درصد ساعات کار شده به مجموع زمانهای کار شده و تعمیرات ماشین بیان می‌شود. از این ضریب برای برآورد تولید دراز مدت و نیز مقایسه ماشین‌آلات بارگیری یا باربری مختلف با هم استفاده می‌شود.

mechanical losses**افت‌های مکانیکی (آبکشی)**

افت‌هایی که در اثر اصطکاک بلبرینگ چرخ‌دوار و اصطکاک سطحی آب با پره‌های چرخ‌دوار، در تلمبه‌های گریز از مرکز ایجاد می‌شود.

mechanization**مکانیزاسیون (عمومی)**

استفاده از ماشین به جای افراد برای انجام کار. از آنجا که گسترش کاربرد ماشین مختلف است لذا برای توصیف بیشتر، از اصطلاح‌های نیمه مکانیزه و تمام مکانیزه استفاده می‌شود. منظور از مکانیزاسیون کامل در معادن زغالسنگ، استخراج پیوسته با استفاده از ماشین‌آلات، به جای کار چرخه‌ای است.

methane drinage**گاززدائی (تهویه)**

فرآیند انتقال و بیرون کشیدن گاز زغال موجود در لایه‌های زغال و لایه‌های همراه آن از طریق گمانه‌های ویژه‌ای که به همین منظور حفر می‌شوند و انتقال آنها به سطح زمین. این امر علاوه بر آن که میزان گاز زغالی را که در معدن پراکنده می‌شود کم می‌کند و در نتیجه تهویه معدن را آسانتر می‌سازد، صرفه اقتصادی نیز دارد، زیرا می‌توان گاز زغال حاصله را به مصرف رسانید.

methane monitor**پایشگر متان (تهویه)**

وسیله‌ای الکترونیکی که معمولاً بر روی تجهیزات معدنی یا مکان‌های خاص از معدن نصب می‌شود تا مقدار متان در هوای معدن را نشان دهد و در صورت تجاوز از حد مجاز، اعلام خطر کند.

method of working**روش استخراج (استخراج زیرزمینی)**

مجموعه روش‌هایی که برای انجام تمام کارهای معدن شامل آماده سازی، کندن، بارگیری، باربری، تهویه تامین وسایل و تجهیزات و نظایر آن به کار می‌رود. انتخاب روش استخراج به عوامل متعددی مانند کیفیت و کمیت کانسنگ، عمق، مشخصات هندسی و فیزیکی، مقدار سرمایه گذاری، عوامل اقتصادی و نظایر آن بستگی دارد. این اصطلاح شامل ترابری سطحی و فرآوری کانسنگ نمی‌شود.

metring point**نقطه تحویل (خدمات فنی)**

محل پست ترانسفورماتور اختصاصی معدن که در آنجا برق را به شبکه معدن تحویل می‌دهند.

milling mechanism**حفاری با مکانیسم پودر کردن (حفر چاه و تونل)**

نوعی مکانیسم حفر سنگ در بعضی از انواع ماشین‌های حفار بازویی که براساس پودر کردن سنگ استوار است. در این ماشین‌ها محور دوران سرمته در امتداد محور بازوی دستگاه است و سرمته نیز حالت مخروطی دارد و به تدریج با نفوذ سرمته به داخل سنگ، تعداد بیشتری از ناخنها در فرآیند حفاری درگیر می‌شوند و بدین ترتیب، سنگ تا عمق مورد نظر حفر شده و با تغییر موقعیت سرمته، این عمل در نقاط مختلف مقطع تکرار می‌شود.

mine معدن (عمومی استخراج)

۱- جایی که کانسنگ از محل طبیعی خود در زمین استخراج می‌شود. ۲- تمام حفریاتی که به منظور برداشت کانسنگ از زمین در سطح یا در زیرزمین احداث می‌شود. ۳- تمام تأسیسات و حفریاتی که به منظور استحصال کانسنگ احداث شده است به همراه تمام تجهیزات و ماشین‌آلاتی که به این منظور به کار می‌رود. ۴- مؤسسه‌ای صنعتی که به منظور برداشت کانسنگ از زمین و فرآوری و فروش کانسنگ تشکیل شده است و شامل مجموعه حفریات آن در سطح و زیرزمین، تمام ساختمانها و تأسیسات سطحی و زیرزمینی، واحدهای فرآوری کانسنگ، کارگاه‌ها، بخشها و گروه‌های این واحد صنعتی و اقتصادی است.

mine hoist بالابر معدنی (ترابری)

وسیله‌ای برای حمل و نقل مواد معدنی، باطله، نفرت و تجهیزات در چاه که شامل مجموعه باربر (اسکیپ یا قفس)، کابل فولادی و سایر تجهیزات مربوطه است.

mine life عمر معدن (عمومی)

مدتی که با توجه به ظرفیت تعیین شده برای استخراج، طول می‌کشد تا ذخایر اقتصادی معدن تمام شود.

mine working حفریه معدنی (معدن زیرزمینی)

هر نوع حفریه‌ای که به منظور معدنکاری و استخراج معدن احداث شود.

mine working characteristic منحنی مشخصه حفریه معدنی (تهویه)

منحنی‌ای که تغییرات افت انرژی حاصله به ازای عبور شدت جریان‌های مختلف هوا از حفریه را نشان می‌دهد و معمولاً به صورت یک منحنی درجه دوم صعودی است.

mineable reserves ذخایر قابل استخراج (معدن روباز)

کانسنگی که در درون محدوده نهایی کاواک واقع می‌شود. این ذخایر در رده‌های احتمالی و قطعی رده‌بندی می‌شوند.

miner معدنکار (معدن زیرزمینی)

۱- فردی که در یکی از عملیات مرتبط با استخراج معدن فعالیت دارد. ۲- فردی که در یک یا چند فعالیت از عملیات استخراج معدن شامل حفاری، چالزنی، آتشیاری، بارگیری، باربری، نگهداری و غیره مهارت دارد.

mineral land**زمین معدنی (عمومی)**

زمینی که مربوط به فعالیت‌های معدنکاری است و کار برد آن برای کارهای کشاورزی مورد توجه نیست.

minimum pit floor width**حداقل عرض کف کاواک نهایی (معدن روباز)**

حداقل عرض برای کف کاواک نهایی معدن روباز به طوری که عملیات معدنکاری در آن با رعایت همه معیارهای مربوطه، امکان پذیر باشد.

mining**معدنکاری (عمومی استخراج)**

مجموعه دانش‌ها، فنون و فعالیت‌هایی که به منظور استحصال کانی‌های مفید و تحویل آن به مصرف کننده انجام می‌شود. معدنکاری عملیات، اکتشاف، استخراج معدن و فرآوری را در بر می‌گیرد. فنون معدنکاری در امور ساختمانی، عمرانی و نظامی نیز کاربرد دارد.

mining engineering**مهندسی معدن (عمومی استخراج)**

شاخه‌ای از علوم مهندسی، شامل دانش و فن یافتن کانسار، استخراج سنگ و کانسنگ، فرآوری کانسنگ، استحصال کانی و فروش و تحویل آن به مصرف کننده است.

misfire**دزد کردن چال (آتشباری)**

منفجر نشدن چال خرج‌گذاری شده.

moderately jointed rock**سنگ نسبتاً درزه‌دار (مکانیک سنگ)**

سنگی که درزه‌ها و ترک‌های مویی دارد اما قطعات سنگ سالم بین درزه‌ها به گونه‌ای در داخل یکدیگر تداخل کرده‌اند که به هنگام حفر تونل در آنها، دیواره‌های قائم نیازی به نگهداری ندارند.

modified drive loading method**روش بارگیری صفی اصلاح شده (ترابری)**

نوعی روش بارگیری که در آن، کامیون‌ها و بیل به موازات جهت عمومی پیشروی جبهه کار قرار می‌گیرند. در نتیجه، زاویه چرخش بیل برای بارگیری به حدود ۹۰ درجه کاهش می‌یابد و در زمان بارگیری صرفه‌جویی می‌شود.

monitoring**رفتار سنجی (نگهداری)**

پایش رفتار حفريات سطحی و زیرزمینی و توده سنگ پیرامون آنها از طریق مشاهده مستقیم یا به کمک ابزاربندی.

ایستگاه رفتارسنجی (نگهداری)**monitoring station**

بخشی از حفاریات سطحی یا زیرزمینی که در آن، ابزارهایی به منظور اندازه‌گیری و رفتار سنجی حفیه نصب شده است.

تلمبه مونو (آبکشی)**mono pump**

نوعی تلمبه که برای آبکشی موضعی در معادن به کار می‌رود و از یک استاتور ماریپیچی تشکیل شده است که در داخل آن، روتور ماریپیچی دوران می‌کند و با توجه به آنکه حرکت روتور نسبت به استاتور کمی خارج از محور است، لذا این امر سبب مکش آب از یکسو و رانش آن از سوی دیگر تلمبه می‌شود.

حمل و نقل تک ریلی (ترابری)**monorail**

نوعی روش حمل و نقل که در آن واگن‌های معلق ریلی در سقف تونل نصب و به وسیله کابل فولادی به طور دائم جابه‌جا می‌شوند. از این سیستم حمل و نقل، علاوه بر حمل مواد، برای انتقال افراد نیز می‌توان استفاده کرد که در این صورت، واگن‌های ویژه حمل نفرات به کار می‌روند.

تلنبار مواد (ترابری)**muck**

توده سنگ یا مواد معدنی حاصل از جبهه کارهای پیشروی و استخراجی در هر دو نوع عملیات معدنکاری زیرزمینی و سطحی. این مواد در اولین فرصت ممکن باید بارگیری و به خارج از محل خود منتقل شوند.

بارکننده (ترابری)**mucker**

بارکننده‌ای که برای بارگیری مواد حاصل از پیشروی عملیات معدنکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد که ممکن است ماشین یا انسان باشد. اگر عملیات بارگیری به وسیله ماشین‌آلات مکانیکی انجام‌گیرد، ماشینی که این عمل را انجام می‌دهد بارکننده تلنبار مواد نامیده می‌شود. در صورت بارگیری دستی توسط کارگران، هر یک از افراد، بارکننده تلنبار مواد محسوب می‌شوند.

سیستم تخلیه مواد (حفر چاه و تونل)**mucking system**

مجموعه سطل‌های ویژه‌ای که در محیط صفحه حفار ماشین حفاری تمام مقطع نصب می‌شوند تا مواد حفاری شده به داخل آنها بریزد و از طریق آنها، بر روی نوار نقاله‌ای که از بدنه دستگاه می‌گذرد، تخلیه شود.

خرج رو سنگی (آتشباری)**mud cap**

ماده منفجره قوی‌ای که به منظور انفجار ثانویه به کار می‌رود. بدین منظور چالی حفر نمی‌شود بلکه خرج را روی قطعه سنگ قرار می‌دهند و روی آن مقداری خاک مرطوب یا شن می‌ریزند و آنرا منفجر می‌کنند.

mud flow**جریان گل (ژئوتکنیک)**

عمل جاری شدن گل، وقتی که شیب دامنه زمین بین ۵ تا ۱۵ درجه باشد. این نوع جریان در هر دو نوع لایه‌های رسی بکر و شکافدار که با لایه‌های ماسه ریز آبدار همراهند، اتفاق می‌افتد.

multistage pump**تلمبه چند طبقه (آبکشی)**

نوعی تلمبه گریز از مرکز که چندین چرخ‌دوار دارد که نسبت به هم به حالت سری قرار گرفته‌اند. فشار حاصل از این تلمبه بیش از تلمبه یک طبقه است.

multiple drill steel**سرمته چهار پر (چالزنی)**

سرمته‌هایی که مقاطع صلیبی یا ضربدری دارند و برای حفاری در سنگ‌های خرد شده مناسب‌اند.

multiple translation slide**لغزش انتقالی چند مرحله‌ای (ژئوتکنیک)**

نوعی لغزش که در چند مرحله اتفاق می‌افتد و در ابتدا، در اثر یک لغزش اولیه صفحه‌ای فعال می‌شود. این لغزش به تدریج به سمت عقب گسترش می‌یابد و معمولاً بعد از یک باران سنگین، به خصوص در فصل بهار که زمین بر اثر ذوب یخ نرم می‌شود، اتفاق می‌افتد.

murgue**مورگ (تهویه)**

واحد مقاومت آئرو‌دینامیکی شاخه‌های شبکه تهویه در سیستم متریک و آن عبارت از مقاومت بخشی از شبکه تهویه معدن است که در اثر عبور هوایی با شدت جریان یک متر مکعب در ثانیه، افت فشاری معادل یک میلی‌متر آب در آن ایجاد شود.

natural draught —————→ **natural ventilation****natural ventilation****تهویه طبیعی (تهویه)**

تهویه‌ای که به طور طبیعی و به علت اختلاف وزن مخصوص و در نتیجه اختلاف فشار هوا در نقاط ورودی و خروجی معدن به جریان می‌افتد. در معادن کم عمق، جهت و شدت جریان این تهویه در فصل‌های مختلف متفاوت است، اما در معادن عمیق، همواره جهت و مقدار ثابتی دارد و کمک موثری به تهویه اصلی معدن محسوب می‌شود.

negative regulation**تنظیم منفی (تهویه)**

روش تنظیم هوا در معدن که در آن، با نصب درهای تنظیم کننده در قسمت‌هایی از شبکه تهویه، شدت جریان را به نحو دلخواه تنظیم می‌کنند.

New Austrian Tunneling Method (NATM)**روش تونلسازی اطریشی جدید (ناتم) (نگهداری)**

روشی برای حفاری و نگهداری تونل‌ها که در آن برای نگهداری تونل از ترکیب بتن‌پاشی و پیچ سنگ استفاده می‌شود. تمایز اصلی این روش با سایر روش‌ها، به کارگیری رفتار سنجی مداوم و مستمر حرکت سنگ‌ها و بازنگری سیستم نگهداری برای دستیابی به اقتصادی‌ترین و پایدارترین روش نگهداری تونل است.

nit**نیت (خدمات فنی)**

واحد اندازه‌گیری درخشندگی، معادل یک شمع بر مترمربع.

nitroglycerin**نیتروگلیسرین (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره که از مخلوط اسیدسولفوریک و گلیسرین به دست می‌آید. این جسم نوعی ماده منفجره ثانویه خیلی قوی با اثرات تخریبی بالا و یکی از اجزای اصلی مواد منفجره تجاری است.

nonel system**سیستم نائل (آتشباری)**

نوعی سیستم آتشباری غیر الکتریکی که در آن عامل انتقال انفجار، لوله‌ای پلاستیکی است که سطح داخلی آن با مواد منفجره ویژه‌ای اندود شده است و امواج ضربه‌ای را با سرعت ۲۰۰۰ متر در ثانیه منتشر می‌کند که این امواج پس از برخورد با خرج اصلی چال، آنرا منفجر می‌سازند.

nonuniform flow**جریان غیریکنواخت (آبکشی)**

جریانی که در آن، بردار سرعت در طول مسیر حرکت از نظر جهت یا مقدار ثابت نباشد.

normal emission**تصادد عادی (تهویه)**

پراکنده شدن تدریجی و نامحسوس گاز زغال که همزمان با حفر لایه زغال رخ می‌دهد.

nuclear explosives**مواد منفجره هسته‌ای (آتشباری)**

مواد منفجره‌ای نظیر پلوتونیم که از نظر فعل و انفعالات اتمی فعالند. فعل و انفعال اتمی تا حد بحرانی قابل کنترل اند و بعد از این مرز، انفجار بسیار مخربی روی می‌دهد.

O, P, Q

open network

شبکه باز (خدمات فنی)

نوعی شبکه توزیع برق که در آن از محل تولید تا محل مصرف برق، یک یا چند رشته کابل یا سیم کشیده می‌شود و هر مصرف کننده فقط از یک طرف تغذیه می‌شود.

open pit

کاواک روباز (معادن روباز)

حفره یا گودالی که تحت شرایط و ضوابطی، برای استخراج ماده معدنی در سطح زمین ایجاد می‌شود.

open pit mining

روش استخراج روباز (معادن روباز)

نوعی روش استخراج که در آن، معدنکاری در فضای باز انجام می‌گیرد. در این حالت فضای کار به وسیله دیواره‌هایی محصور می‌شود.

open pitting —————> *open pit mining*

open shield

سپر باز (حفر چاه و تونل)

نوعی سپر برای حفر تونل در زمین‌های سست که در آن، در جلو سپر فضای آزادی وجود دارد که فقط به وسیله قید و مهارهای موجود به حجره‌هایی تقسیم می‌شود. سپر باز در هوای آزاد و یا تحت هوای فشرده به کار می‌رود.

open stop

کارگاه استخراج بدون نگهداری (معادن زیرزمینی)

نوعی کارگاه استخراج زیرزمینی، که در آن، به جز در موارد ضروری، معمولاً برای نگهداری سقف و دیوارها از وسایل نگهداری استفاده نمی‌شود. البته ممکن است برحسب ضرورت در بعضی مکان‌ها وسایل نگهداری نصب شود ولی عمومیت ندارد و سنگ، خود

نگهدار است.

opening

باز کننده (معدن زیرزمینی)

حفریاتی که برای باز کردن معدن احداث می‌شوند.

operating factor

ضریب عملیات (ترابری)

نسبت درصد ساعات کار مفید ماشین به مجموع ساعات کار مفید و ساعات انتظار ماشین.

operating load

بار عملیاتی (ترابری)

ظرفیت باربری وسیله حمل و نقل که مقدار آن معادل ۵۰ درصد بار واژگونی در نظر گرفته می‌شود. از این شاخص برای تعیین تعداد بار کننده یا باربر مورد نیاز در خلال دوره بهره‌برداری استفاده می‌شود.

operating point

نقطه عملکرد (تهویه)

نقطه برخورد منحنی مشخصه شبکه تهویه معدن با منحنی مشخصه بادبزن که هر دو در دستگاه مختصات واحدی رسم شده باشند.

ordinary fan cut

برش بادبزنی معمولی (آتشباری)

نوعی برش بادبزنی که در آن آرایش چالها به گونه‌ای است که تمامی آنها از یک نقطه دور می‌شوند. این برش در مورد تونل‌هایی به کار می‌رود که در مرکز جبهه کار آنها یک لایه یا رگه نرم وجود داشته باشد.

ore

کانسنگ (عمومی)

مواد طبیعی که کانی یا کانی‌هایی با ارزش اقتصادی دارند و استخراج آنها سودمند تشخیص داده شده است. ۲- یک کانی مفید (کانه) یا مجموعه‌ای از چند کانی مفید، که ممکن است با مواد نامطلوب (گانگ) همراه باشند، و استخراج آنها سودمند باشد.

ore blending

مخلوط سازی کانسنگ (معدن روباز)

عمل مخلوط کردن کانسنگ از چند جبهه کار استخراج معدن روباز با هدف متجانس کردن خوراک مورد نیاز واحد کانه آرایی.

ore block —————> *block*

ore body

کان تن (عمومی)

توده معدنی با ابعاد مشخص که دارای کانسنگ با ارزش اقتصادی است.

ore mineral

کانه (عمومی)

کانی یا کانی‌هایی که استخراج آنها از نظر اقتصادی سودمند باشد. ۲- آن دسته از کانی‌های موجود در کانسنگ، که ارزش اقتصادی دارند و استخراج کانسنگ به منظور استحصال آنها انجام می‌شود.

ore pass

ریزشگاه کانسنگ (معادن زیرزمینی)

راهرو یا دوپیل قائم یا مایل کوتاهی که برای واریز کانسنگ از کارگاه استخراج به تونل باربری و تحویل آن به وسایل باربری احداث می‌شود. این راهرو در سنگ یا کانسنگ حفر یا در مواد پر شده احداث می‌شود و در انتهای آن دریچه یا دستگاهی تعبیه می‌کنند که به کمک آن، جریان خروج مواد قابل کنترل باشد.

output

ظرفیت تولید (عمومی)

۱- مقدار محصولی که از یک دستگاه تولید کننده به دست می‌آید. ۲- مقدار کانسنگی که در یک واحد زمانی (ساعت، شیفت، روز، ماه یا سال) از معدن استخراج می‌شود.

over break —→ back break**over compression**

بیش فشاری (خدمات فنی)

روشی برای خشک کردن هوای فشرده که طی آن، هوا را بیش از فشار لازم متراکم می‌کنند، در نتیجه بخشی از رطوبت موجود در آن به صورت آب از آن جدا می‌شود، سپس آنرا تا حد فشار لازم منبسط می‌کنند.

over current circuit breaker

مدار شکن جریان زیاد (خدمات فنی)

نوعی مدار شکن که وقتی شدت جریان برق مدار از حد معینی تجاوز کند، مدار مربوطه را قطع می‌کند.

over drilling —→ subdrilling**overall stripping ratio**

نسبت باطله برداری کلی (معادن روباز)

حاصل تقسیم وزن باطله کلی استخراج شده از کاواک بر وزن کانسنگ متناظر با آن.

overburden

روباره (نگهداری)

سنگهای واقع در فاصله سقف تونل تا سطح آزاد زمین.

overcharge**اضافه خرج (آتشباری)**

استفاده از مواد منفجره بیش از حد در چال.

overcoring method**روش مغزه‌گیری دوباره (مکانیک سنگ)**

روشی برای اندازه‌گیری میزان تنش‌های برجا در توده سنگ که در آن، ابتدا گمانه‌ای با قطر کم در توده سنگ حفر کرده و در انتهای آن ابزاری نصب می‌کنند که نسبت به تغییرات قطر واکنش نشان می‌دهد. سپس، گمانه بزرگتری هم محور با گمانه اولیه حفر می‌کنند و به کمک آن مغزه‌ای از سنگ با دیواره ضخیم به دست می‌آورند که از توده سنگ اصلی جدا شده است. با بررسی وضعیت تغییر شکل مغزه، تنشهای اولیه برجا را برآورد می‌کنند.

overhand stoping**روش استخراج بالا (معدن زیرزمینی)**

نوعی روش استخراج که در آن، جهت کلی پیشروی استخراج از راهروی پایین طبقه به راهروی بالای طبقه است. در کارگاه‌های استخراج بالارو، که برای توده‌های کانسنگ پرشیب مناسب است، استخراج از بالا سر انجام شده و کانسنگ بر اثر وزن خود به پایین ریخته می‌شود.

overhead loader**بارکننده پشت انداز (ترابری)**

بارکننده‌ای که صندوقه آن از یک طرف بارگیری کرده و پس از چرخش، بار را در قسمت انتهائی ماشین به باربر تخلیه می‌کند. این بارکننده مخصوص معدن زیرزمینی است و در تمام نقاطی که نیاز به بارگیری باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. جبهه کارهای پیشروی تونل، کارگاه‌های استخراج، و راهروی زیر استخراج، اصلی‌ترین مکان‌های فعالیت این نوع بارکننداند.

بارکننده خاک بر سر ← بارکننده پشت انداز**oversize****فرا اندازه (آتشباری)**

سنگهای بزرگ حاصل از آتشباری که برای حمل و نقل، به آتشباری ثانویه نیاز دارند.

oxygen balance**تراز اکسیژن (آتشباری)**

اختلاف بین مقدار اکسیژن موجود در ماده منفجره و مقدار اکسیژن لازم برای تحقق کامل فعل و انفعال انفجار.

packing**جرزبندی سقف (نگهداری)**

نگهداری سقف فضای خالی شده ناشی از استخراج کانسنگ، با سنگ چینی یا پر کردن با مواد باطله.

panel**پهنه** (معدن زیر زمینی)

بلوک استخراجی در لایه‌های کم شیب زغال سنگ.

pantograph**پانتوگراف** (خدمات فنی)

وسیله‌ای که در سقف لکوموتیوهای برقی معدنی نصب می‌شود به گونه‌ای که هنگام حرکت لکوموتیو، به طور دائم بر خط تغذیه واقع در سقف تونل مماس است و بدین ترتیب، لکوموتیو را تغذیه می‌کند.

parallel - serie connection of caps**اتصال موازی - سری چاشنی‌ها** (آتشباری)

یک روش اتصال چاشنی‌های الکتریکی که در آن، ابتدا چاشنی‌ها را در ردیف‌های موازی به هم وصل کرده و آنگاه، ردیف‌های موازی را به حالت سری به هم متصل می‌کنند. این روش در مواردی که تعداد چالها خیلی زیاد باشد، مناسب است.

parallel connection network**شبکه تهویه موازی** (تهویه)

شبکه تهویه‌ای که در آن ابتدا و انتهای کلیه شاخه‌ها به هم وصل باشند. در چنین شبکه‌ای، افت فشار کلیه شاخه‌ها یکسان و شدت جریان کلی شبکه برابر مجموع شدت جریان شاخه‌ها است.

parallel connection of caps**اتصال موازی چاشنی‌ها** (آتشباری)

نوعی سیستم اتصال چاشنی‌های الکتریکی که در آن، چاشنی‌ها را به صورت موازی به هم وصل می‌کنند. این روش در مواردی که کار می‌رود که تعداد چالها و فاصله آنها زیاد باشد. در روش موازی، یکی از دو سیم همه چاشنی به یکی از سیم‌های مدار انفجار و سیم دیگر چاشنی‌ها به سیم دوم مدار انفجار وصل می‌شود.

parallel cut**برش موازی** (آتشباری)

نوعی برش که در آن چالها به موازات یکدیگر و به حالت عمود بر جبهه کار و موازی محور تونل حفر می‌شوند. معمولاً قطر همه چالها یکسان است اما در وسط جبهه کار، چال بزرگتری را حفر کرده و در آن خرج‌گذاری نمی‌کنند که این چال برای چالهای دیگر برش نقش سطح آزاد را دارد. گاه نیز به جای یک چال، چند چال خالی در مرکز جبهه کار باقی می‌گذارند.

passive support**سیستم نگهداری غیرفعال** (نگهداری)

نوعی سیستم نگهداری که در آن، بلافاصله پس از نصب سیستم، نیرویی بر آن اعمال نمی‌شود، اما پس از تغییر شکل سنگ درونگیر تونل و تماس با سیستم نگهداری، فعال می‌شود و نسبت به بار وارده واکنش نشان می‌دهد.

- peak shear strength* مقاومت برشی نهایی (مکانیک سنگ)
حداکثر تنش برشی که سنگ می‌تواند قبل از گسیختگی برشی تحمل کند.
- peak strength* مقاومت نهایی (مکانیک سنگ)
حداکثر تنشی که سنگ می‌تواند قبل از گسیختگی تحمل کند.
- penetration rate* آهنگ نفوذ (چالزنی)
میزان حفر چال در واحد زمان.
- penetration rate* آهنگ نفوذ (حفر چاه و تونل)
میزان حفاری ماشین حفار تمام مقطع که بر حسب میلیمتر در هر چرخش صفحه حفار و یا متر در ساعت بیان می‌شود.
- pentaerythritol tetranitrate (PETN)* پانتريت (آتشباری)
نوعی ماده منفجره که در ساختمان چاشنی‌ها و یا فتیله‌های انفجاری به کار می‌رود و نام شیمیایی آن پنتا اریتریتول تترانیترات است.
- perforator* → *rotary – percussion drill* پرفراتور ← چالزن دورانی – ضربه‌ای
- perforatrice* → *rotary drill* پرفراتریس ← چالزن دورانی
- periodic stripping ratio* نسبت باطله برداری دوره‌ای (معادن روباز)
نسبت باطله برداری در یک دوره زمانی خاص در یک معدن روباز.
- permanent support* سیستم نگهداری دائمی (نگهداری)
سیستمی که برای تامین نگهداری دائمی حفاریات زیرزمینی به کار می‌رود.
- permissible dynamite* دینامیت مجاز (آتشباری)
نوعی دینامیت، مخصوص معادن زغال حاوی گاز و گرد زغال. این دینامیت سریع عمل می‌کند و دمای انفجار آن کمتر از دینامیت‌های معمولی است و در ترکیب آنها مقداری زغال، نمک، و آب وجود دارد.

phot**فت** (خدمات فنی)

واحد مرسوم اندازه‌گیری شدت روشنایی در عکاسی و فیلمبرداری که عبارت از شدت روشنایی حاصل از منبعی به شدت نور یک شمع در فاصله یک سانتیمتری است.

photometer**نورسنج** (خدمات فنی)

دستگاهی که برای اندازه‌گیری شدت نور به کار می‌رود.

physical availability**دسترسی فیزیکی** (ترابری)

نسبت مجموع ساعات کار مفید و آماده به کار ماشین‌آلات به کل ساعات برنامه‌ریزی شده برای آن، که به صورت درصد بیان می‌شود. این مشخصه، میزان درگیر بودن عملی ماشین را در فعالیت‌ها بیان می‌دارد و در آن همه عوامل ناشی از تأخیرات آب و هوایی، ترافیک، آتشباری و جابه‌جایی بار کننده در نظر گرفته می‌شود.

pick —————→ **pneumatic pick****picking** —————→ **cobbing****Pillar****پایه** (معدن زیرزمینی)

۱- ستونی از کانسنگ که برای حفاظت سقف، به حالت استخراج نشده باقی ماند. در بعضی از روش‌های استخراج، باقی گذاشتن پایه جزئی از روش کار است. این پایه‌ها ممکن است بعداً طور کامل یا ناقص استخراج شوند. ۲- پایه‌ای از ماده معدنی که برای حفاظت تونل‌های دنبال لایه، در یک طرف یا هر دو طرف آن باقی گذاشته می‌شود و به آن لنگه می‌گویند.

لنگه ← **پایه****pillar mining system****روش استخراج پایه‌ای** (معدن زیرزمینی)

هر نوع روش استخراج زیرزمینی که در آن پایه باقی گذاشته شود. این گروه از روش‌های استخراج جزو قدیمی‌ترین روش‌های استخراج زیرزمینی در معدن مختلف فلزی، غیرفلزی و زغالسنگ محسوب می‌شوند. حالت‌های مختلف این روش تفاوت‌های اندکی با همدیگر دارند و برحسب ویژگی‌ها و نیز برحسب مکان‌های مختلفی که به کار رفته‌اند، نامگذاری محلی و متنوعی پیدا کرده‌اند.

pilot tunnel**تونل پیشاهنگ** (حفر چاه و تونل)

تونلی کوچک که قبل از حفر تونل‌های اصلی با سطح مقطع کوچک و کمی جلوتر از آن، حفر شده و سپس با بزرگ کردن سطح

مقطع آن، تونل اصلی حفر می‌شود. حفر تونل پیشاهنگ، علاوه بر کسب اطلاعات در باره کیفیت سنگ، با ایجاد سطح آزاد، به حفاری تونل اصلی نیز کمک می‌کند.

لوله رانی (حفر چاه و تونل) *pipe jacking*

یک روش حفر تونل‌های با مقطع کم که در آن، با اعمال نیروهای افقی بر لوله‌های فولادی یا بتنی، آنها را به جلو می‌رانند و بدین منظور، از جک‌های هیدرولیکی قوی استفاده می‌کنند. حفاری جبهه کار به وسیله دست یا ماشین انجام می‌گیرد.

خط لوله (آبکشی) *pipeline*

مجموعه‌ای از لوله‌ها و اتصالات که برای انتقال آب در معادن به کار می‌رود.

زانوئی (آبکشی) *pipebend*

وسیله‌ای که دو لوله متقاطع را به هم وصل می‌کند.

منحنی مشخصه خط لوله (آبکشی) *pipeline characteristic*

منحنی‌ای که اختلاف فشار لازم برای عبور شدت جریان‌های مختلف آب از خط لوله را نشان می‌دهد و عموماً به صورت یک منحنی صعودی است.

pillar and breast —————> *room and pillar*

pillar and wall —————> *room and pillar*

کاواک (معدن روباز) *pit*

گودال یا حفره‌ای که در اثر استخراج باطله و کانسنگ در سطح زمین ایجاد می‌شود.

پذیرشگاه زیرزمینی (معدن زیرزمینی) *pit bottom*

موقعیت ورودی به مسیرهای زیرزمینی در هر طبقه از مسیرهای اصلی در معادن زیرزمینی، همراه با امکانات ایجاد شده در اطراف آن. در این محل‌ها، تجهیزاتی برای بارگیری و تخلیه باربر، خدمات فنی، آبکشی، تعمیرگاه‌های زیرزمینی، انبار، استراحتگاه نفرات و نیز بخش خدمات بهداشتی و ایمنی احداث می‌شود.

pit top پذیرشگاه سطحی (زیرزمینی)

محل در اطراف دهانه چاه معدن در سطح زمین که در آنجا امکانات و تجهیزاتی برای بارگیری به باربر و تخلیه آن در فضای خارج معدن احداث می‌شود.

pitot tube لوله پیتو (تهویه)

لوله U شکلی که برای اندازه‌گیری دقیق سرعت هوا در نقاط مختلف به کار می‌رود. اختلاف ارتفاع مایع درون دستگاه در دو شاخه آن، نشانگر ارتفاع نظیر سرعت هوا است.

plane failure شکست صفحه‌ای (ژئوتکنیک)

شکست در شیب‌های سنگی در امتداد ناپیوستگی‌های زمین شناختی مثل لایه‌بندی در زه و گسل.

placer mining → **alluvial mining**

planning طراحی (عمومی استخراج)

تهیه طرح معدن روباز، راه‌های اصلی، جانمایی سطحی، شبکه حفاریات معدن زیرزمینی، کارگاه‌های استخراج، طرح باربری، محاسبات تهویه، محاسبه هزینه‌ها، تعیین تجهیزات و ماشین‌آلات و نظایر آن که در چند مرحله انجام می‌گیرد. طرح معدن با نقشه‌های مورد نیاز برای عملیات همراه است.

plaster shooting آتشباری روسنگی (آتشباری)

نوعی روش آتشباری ثانویه که طی آن ماده منفجره را بر روی قطعات سنگ قرار می‌دهند و در اثر انفجار ماده منفجره سنگ خرد می‌شود.

plate – bearing test آزمون صفحه باربر (مکانیک سنگ)

آزمونی که طی آن، با بارگذاری بر سطح توده سنگ و بررسی تغییر شکل حاصله، شکل پذیری توده سنگ را در سر زمین و به حالت برجا تعیین می‌کنند.

plow → **coal plow**

plough → **coal plow**

رنده ← رنده زغالتراش

pneumatic

بادی (خدمات فنی)

ابزارها و دستگاه‌هایی که با هوای فشرده کار می‌کنند.

pneumatic loading

خرج‌گذاری با هوای فشرده (آتشباری)

نوعی روش خرج‌گذاری که با استفاده از هوای فشرده و دستگاه‌های مخصوص خرج‌گذاری انجام می‌شود. این دستگاه‌ها به ویژه برای چالهای عمیق و زیر آبی به کار می‌روند. از هوای فشرده برای خرج‌گذاری دینامیت‌ها و آنفو نیز استفاده می‌شود.

pneumatic pic

چکش مکانیکی (حفاری)

دستگاهی که با هوای فشرده کار می‌کند و به کمک آن می‌توان مواد معدنی نرم مثل زغالسنگ را حفر کرد. طرز کار این دستگاه شبیه طرز کار قلم و چکش دستی است، به این صورت که قلم فولادی نوک تیزی دارد که آنرا بر روی سنگ تکیه می‌دهند. به وسیله سیستم مکانیکی موجود در دستگاه، بر انتهای دیگر قلم ضربات متوالی وارد می‌شود و با نفوذ نوک قلم به داخل سنگ، سبب شکسته شدن سنگ می‌شود.

pneumatic rotary – percussion drill

چالزن دورانی – ضربه‌ای بادی (چالزنی)

نوع متداول چالزن‌های دورانی – ضربه‌ای در معادن که به وسیله انرژی هوای فشرده تغذیه می‌شود.

pneumatic rotary drill

چالزن دورانی بادی (چالزنی)

نوعی دستگاه چالزن دورانی که به وسیله انرژی هوای فشرده تغذیه می‌شود.

pneumatic stowing → *air stowing**pneumoconiosis*

پنوموکونیوزیس (ایمنی)

بیماری‌های ریوی ناشی از تنفس گرد و غبار موجود در هوای معدن.

point attack picks

ناخنهای با تماس نقطه‌ای (حفر چاه و تونل)

ناخن‌هایی که به شکل مخروط متقارنی در سرمته ماشینهای بازویی نصب می‌شوند و نوک تیزی دارند و قادرند حول محورشان بچرخند.

point by point method

روش نقطه به نقطه (خدمات فنی)

روشی برای طراحی دقیق روشنایی در فضاهای مختلف که بر اساس آن، هر بار طرحی را برای سیستم روشنایی محیط در نظر

می‌گیرند و روشنایی را در چندین نقطه محاسبه کرده و بر اساس آنها منحنی‌های هم‌روشنایی را رسم می‌کنند و این عمل آنقدر ادامه می‌یابد، تا منحنی‌های روشنایی حاصله، به حد مطلوب برسند.

polytropic process

فرآیند چند شکلی (تهویه)

فرآیندی که طی آن هیچکدام از ویژگی‌های هوا یا جریان، ثابت باقی نمی‌ماند.

popping condition

شرایط پوکیدن (مکانیک سنگ)

وضعیتی که طی آن، قطعاتی از دیواره یا سقف تونل به طور ناگهانی جدا شود و سقوط کند.

portable cable

کابل نرم (خدمات فنی)

کابلی که برای تغذیه ماشین‌آلات برقی متحرک در داخل معدن نظیر بارکننده‌ها و ماشین‌های حفار به کار می‌رود. این کابل‌ها تا فشار الکتریکی ۱۰۰۰ ولت قابل استفاده‌اند.

portable derrick mast

دکل قابل حمل (حفاری اکتشافی)

دکلی که همراه با سایر تجهیزات حفاری روی کامیونی نصب شده است و با استقرار کامیون در نقطه مورد نظر، به وسیله سیستم هیدرولیکی آنرا به حالت قائم در می‌آورند. پس از خاتمه حفاری، با تغییر وضعیت آن به حالت افقی، دستگاه را جابه‌جا می‌کنند.

portal

دهانه تونل (حفر چاه تونل)

محل‌ی که تونل از سطح زمین شروع می‌شود و در آنجا سازه‌ای (دیوار و سقف) با مصالح ساختمانی مانند بتن و آجر یا با قاب‌های نگهداری تحکیم یافته احداث می‌کنند.

positive regulation

تنظیم مثبت (تهویه)

یک روش تنظیم هوا که طی آن با کاهش مقاومت بعضی از شاخه‌های شبکه تهویه و یا با نصب بادبزن تقویتی در آنها، سرعت جریان هوا در شاخه‌ها را تنظیم می‌کنند.

powder factor ———> specific charge

power shovel

بیل مکانیکی قدرتی (ترابری)

نوعی بارکننده صندوقه‌ای با عملکرد کابلی.

powered supports**وسایل نگهداری قدرتی (نگهداری)**

وسایل نگهداری یکپارچه که دارای کف، ستون هیدرولیکی و سپر سقف هستند. این وسایل نگهداری مکانیزه در کارگاه‌های استخراج زغالسنگ به روش‌های جبهه کار بلند و جبهه کار کوتاه کاربرد دارند.

presplit blasting**آتشباری پیش شکافی (آتشباری)**

نوعی سیستم آتشباری که در آن بین منطقه اصلی انفجار و دیواره نهائی معدن شکافی ایجاد می‌شود. این شکاف مانند سطح آزاد عمل می‌کند و باعث خروج گازها و انرژی آزاد شده به هوا و لذا مانع ایجاد شکاف در خارج از این منطقه می‌شود.

presplitting**پیش شکافی (آتشباری)**

ایجاد شکاف در پیرامون محدوده سنگ قبل از انفجار چالهای اصلی و در بعضی موارد قبل از حفر چالهای اصلی.

pressure cell**سلول فشار (نگهداری)**

وسیله‌ای که به کمک آن می‌توان تغییرات تنش در شاتکریت، آستری بتنی و نیز بین پوشش بتنی و سنگ را به طور مستقیم اندازه گرفت.

pressure head**ارتفاع نظیر فشار (تهویه)**

ارتفاعی که سیال در اثر فشار خود تا آن حد بالا می‌رود. ارتفاع نظیر فشار برابر حاصل تقسیم فشار بر وزن مخصوص سیال است.

pressure loss**افت فشار (تهویه)**

کاهش فشار هوا در فاصله دو نقطه از مسیر حرکت آن به علت وجود اصطکاک، موانع و پدیده‌های موضعی در مسیر حرکت.

prillite**پرلیت (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره پودری که بخش اعظم آن از نیترات آمونیوم تشکیل شده است و از آن برای خرج‌گذاری چالهای بزرگ در محل‌های فاقد آب استفاده می‌کنند.

primary creep**خزش اولین (مکانیک سنگ)**

اولین مرحله از تغییر شکل خزشی توده سنگ در اثر اعمال تنش که طی آن تنجش با آهنگ کند شونده نسبت به زمان، رخ می‌دهد.

primary support**نگهداری اولیه (نگهداری)**

نوعی سیستم نگهداری که در حین عملیات حفاری نصب می‌شود و وظیفه آن ایجاد شرایط امن در محل کار است.

prime mover**کشاننده (ترابری)**

تراکتور، لکوموتیو، بالابر و یا هر وسیله مشابه دیگری که به دنبال خود تریلر، نیمه تریلر، واگن و یا صندوقه بار را یدک می‌کشد.

primer cartridge**لول فعال (آتشباری)**

لول دینامیتی که در آن چاشنی نصب شده است.

primitive stress**تنش اولیه (مکانیک سنگ)**

تنشی که قبل از احداث حفاریات زیرزمینی به طور طبیعی در محل وجود داشته است.

progressive failure**شکست تدریجی (مکانیک سنگ)**

نوعی شکست که به تدریج اتفاق می‌افتد و علائم و اخطار فراوان دارد و عوامل شکست به تدریج گسترش می‌یابد.

prop**ستون (نگهداری)**

ستون یا پایه‌های چوبی، فولادی یا هیدرولیکی که برای نگهداری سقف در کارگاه‌های استخراج نصب می‌شود.

property capital**سرمایه ملکی (عمومی)**

آن قسمت از سرمایه که به شکل سند مالکیت مانند سهام و اوراق قرضه است.

protective relay**رله حفاظتی (خدمات فنی)**

وسیله‌ای که در مدار برق تعبیه می‌شود تا اشخاص و دستگاه‌ها را در برابر صدمات ناشی از تغییرات ناگهانی مدار، حفظ کند.

pulse velocity test**آزمون سرعت پالس (مکانیک سنگ)**

آزمونی که در آزمایشگاه بر روی مغزه‌های حاصل از حفر گمانه‌های اکتشافی انجام می‌گیرد و براساس آن، ضرایب کشانی (E) و برشی (G) سنگ محاسبه می‌شود.

pump

تلمبه (آبکشی)

دستگاهی برای انتقال آب در خط لوله که انرژی مکانیکی را از موتور می‌گیرد و به انرژی فشاری تبدیل می‌کند.

pump efficiency

راندمان تلمبه (آبکشی)

نسبت انرژی مفید آب خروجی از تلمبه به کل انرژی که در محور به آن داده می‌شود.

pump eye

چشم تلمبه (آبکشی)

سوراخ مرکزی تلمبه‌های گریز از مرکز که آب از طریق آن وارد تلمبه می‌شود.

purkinje shift

انتقال پور کینج (خدمات فنی)

اختلاف بین ماکزیمم حساسیت نسبی چشم نسبت به طول موجهای مختلف در روز و شب.

push back

عقب راندن (معادن روباز)

رساندن موقعیت یک یا مجموعه‌ای از پله‌های معدن به سمت حد نهایی آن، طی یک یا چند دوره زمانی.

pyramidal cut

برش هرمی (آتشباری)

نوعی برش، مشتق از برش ۷ که در آن ۴ یا ۶ چال که در یک نقطه متقارب‌اند حفر می‌شود. در وسط برش نیز معمولاً یک چال به حالت عمود بر جبهه کار وجود دارد. این برش برای آتشباری در سنگ‌های فوق‌العاده سخت به کار می‌رود.

پرایمر ← لول فعال

quarry

معدن روباز (معادن روباز)

معدن سطحی که در آن عملیات معدنکاری با روش استخراج پله‌ای انجام می‌گیرد و در طول عمر معدن، فضای کار به وسیله دیواره‌های اطراف محصور نمی‌شود، مانند اکثر معادن سنگ‌های ساختمانی و معادن مواد خام برای تولید مصالح ساختمانی.

R

radial flow fan

بادبزن شعاعی (تهویه)

نوعی بادبزن که از یک چرخ گردنده تشکیل شده که پره‌های متعددی به آن متصل است. چرخ به وسیله محوری که از موتور انرژی می‌گیرد، دوران می‌کند. ذرات هوا به هنگام عبور از بین پره‌ها، در اثر نیروی گریز از مرکز سرعت می‌گیرند و پس از خروج از چرخ، وارد مجرای حلزونی اطراف چرخ می‌شوند که به علت واگرایی تدریجی این مجرا، انرژی سرعتی آنها به تدریج به انرژی فشاری تبدیل می‌شود.

radial jacking test

آزمون جک بندی شعاعی (مکانیک سنگ)

آزمونی که برای اندازه‌گیری شکل پذیری توده سنگ به حالت بر جا به کار می‌رود و در آن، به کمک تعدادی جک، بر محیط تونل بار اعمال می‌کنند و تغییر شکل سنگ را در برابر آن اندازه می‌گیرند.

radius of destruction

شعاع تخریب (آتشباری)

شعاع منطقه تخریب که مرکب از مجموع سه منطقه انقباض، خردشدگی و گسستگی است.

rail bender

ریل خم کن (ترابری)

وسیله‌ای قابل حمل برای خم کردن ریل به منظور نصب آن در قوسها و دوراهی‌ها.

rail haulage system

سیستم حمل و نقل ریلی (ترابری)

سیستم حمل و نقل متداول در بسیاری از معادن زیرزمینی که در آن از قطار و ریل استفاده می‌شود. واگن‌ها مجهز به صندوقه حمل بار و یا بدون صندوقه و به صورت شاسی‌اند و به وسیله سیستم کشش ثابت (وینچ) و یا متحرک (لکوموتیو) بر روی ریل حرکت می‌کنند.

دویل (معدن زیرزمینی) *raise*

راهرویی با سطح مقطع کوچک که به حالت مایل یا قائم از یک تونل یا از یک کارگاه استخراج به سمت بالا حفر می‌شود و هدف از آن ارتباط بین دو طبقه برای رفت و آمد افراد (نفررو)، ارتباط بین کارگاه استخراج و تونل باربری (ریزشگاه کانسنگ)، رساندن مواد پرکننده به کارگاه استخراج (خاکریز)، باربری، تهویه، اکتشاف توده کانسنگ، و مانند آن است. این راهرو ممکن است بدون نگهداری و یا با نصب سیستم نگهداری چوبی ساخته شود. در دوپیل‌هایی که افراد از آن عبور می‌کنند نردبان نصب می‌شود.

ماشین حفر دوپیل (حفر چاه و تونل) *raise borer*

ماشین ویژه‌ای که برای حفر دوپیل در معدن زیرزمینی به کار می‌رود. بدین منظور، ابتدا گمانه‌ای بین دو طبقه معدن حفر کرده و آنگاه ماشین، حفر دوپیل را از پایین به بالا آغاز می‌کند و مواد حفاری شده، از درون گمانه آغازین به طبقه پایین می‌ریزد.

رمپ (عمومی استخراج) *ramp*

۱- تونل شیب‌داری که در معدن زیرزمینی با شیب کم و برای عبور وسایل نقلیه چرخدار حفر می‌شود. ۲- راه کوتاه شیب‌داری که در معدن روباز، دو پله را به هم ارتباط می‌دهد.

ظرفیت نامی (ترابری) *rated capacity*

ظرفیت جام یا صندوقه بار کننده یا باربر که توسط سازندگان آنها اعلام می‌شود.

قدرت اسمی (ترابری) *rated horse power (rhp)*

قدرت موتور در چرخ طیار که به نام قدرت ترمز نیز بیان می‌شود.

کامیون عقب ریز (ترابری) *rear dump truck*

کامیون یا نیمه تریلری که صندوقه بار آن از جلو بلند می‌شود تا بار در آن بلغزد و از انتها تخلیه شود.

جک‌های گیرش عقبی (حفر چاه و تونل) *rear support legs*

جک‌های هیدرولیکی که در قسمت عقب ماشین حفار تمام مقطع نصب می‌شوند و به کمک آنها، بدنه دستگاه نسبت به کف تونل ثابت می‌شود تا قسمت جلویی آن با حرکت کشویی، به جلو حرکت کند.

کمپرسور رفت و برگشتی (خدمات فنی) *reciprocating compressor*

نوعی کمپرسور که دارای استوانه‌ای است که در داخل آن یک پیستون حرکت رفت و برگشتی دارد و در اثر باز شدن متناوب

دریچه‌های خروجی و ورودی، هوای محل از طریق دریچه ورودی وارد استوانه شده و پس از تراکم، از دریچه خروجی به خط لوله توزیع هوای فشرده هدایت می‌شود.

reciprocating pump

تلمبه رفت و برگشتی (آبکشی)

نوعی تلمبه انتقال آب متشکل از استوانه‌ای محتوی یک پیستون که در اثر حرکت رفت و برگشتی این پیستون در داخل استوانه و باز و بسته شدن دریچه‌های ورودی و خروجی، آب را با فشار در خط لوله به جریان می‌اندازد.

reclaimer

برداشتگر (ترابری)

سیستم بارکننده مجدد مواد انبار شده در تلمبار مواد که در واقع نوعی بارکننده مجهز به صندوقه‌هایی است که در محیط چرخ‌گردان نصب شده است. صندوقه‌ها پس از برداشت بخشی از مواد از تلمبار، مواد بارگیری شده را بر روی نوار نقاله تخلیه می‌کنند. نوار نقاله نیز در انتهای مسیر خود، بار را به باربر دیگر منتقل می‌سازد.

reclamation

بازسازی (معادن روباز)

ترمیم محل استخراج شده و بازگرداندن آن به حالت اولیه. بدین منظور پس از استخراج کانسار به روش روباز، نسبت به بازسازی محدوده تحت معدنکاری اقدام می‌شود. این بازسازی‌ها با هدف بازگرداندن شرایط توپوگرافی و اکولوژیکی به حالت اولیه و یا حداقل با هدف سالم سازی و سازگار سازی محیط دست خورده با محیط‌های اطراف انجام می‌گیرد.

rectifier

یکسو کننده (خدمات فنی)

وسیله‌ای برقی که جریان متناوب را به جریان مستقیم تبدیل می‌کند.

reflectance

ضریب انعکاس (خدمات فنی)

نسبت جریان نور منعکس شده از یک سطح به جریان نوری که به آن می‌تابد.

refuse

ضایعات (عمومی‌فراوری)

باطله حاصل از عملیات کانه آرایی.

regulator

در تنظیم کننده (تهویه)

درهای تهویه‌ای که سطح مقطع آنها قابل تنظیم است و برای کنترل شدت جریان هوا در شاخه‌های شبکه تهویه به کار می‌روند.

reinforced concrete**بتن مسلح (نگهداری)**

نوعی بتن که به منظور افزایش مقاومت کششی آن، میله‌هایی فولادی در داخل آن کار می‌گذارند.

reinforcement**تقویت (نگهداری)**

فرآیندی که به کمک آن، با استفاده از سیستم‌هایی همچون پیچ سنگ، کابل‌های مهاری، و تزریق، سنگ به حالت خود نگهدار در می‌آید.

relative humidity**رطوبت نسبی (تهویه)**

نسبت درصد رطوبت مطلق هوا بر رطوبت مطلق لازم برای اشباع هوا در همان دما. هر چقدر هوا به حالت اشباع نزدیکتر باشد، رطوبت نسبی آن بیشتر است و در حالت اشباع به حد صددرصد می‌رسد.

relative roughness**زبری نسبی (تهویه)**

حاصل تقسیم زبری مطلق بر شعاع یا قطر مقطع مسیر حرکت هوا.

reolit**رئولیت (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره مایع با جرم مخصوص زیاد که در برابر آب مقاوم است.

reomex**رومکس (آتشباری)**

نوعی ماده منفجره فاقد نیتروگلیسرین که به صورت لوله‌های استوانه‌ای به قطر ۲۵ تا ۴۰ میلیمتر در چالهای بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

reserve**ذخیره (عمومی‌اکتشاف)**

مقدار کانسنگ، کانه یا فلز موجود در محدوده مورد نظر. ذخیره زمین‌شناسی یا ذخیره کل، فقط بر اساس اندازه هندسی محاسبه می‌شود، اما ذخیره قابل کار یا قابل استخراج را با در نظر گرفتن روش‌های استخراج، کانه‌آرایی، فرآوری و برآوردهای اقتصادی تعیین می‌کنند. بر حسب مرحله اکتشاف و کیفیت و کمیت اطلاعات کسب شده، ذخیره به انواع قطعی، ممکن و احتمالی یا استنباطی تقسیم بندی می‌شود.

residual friction angle**زاویه اصطکاک ماندگار (مکانیک سنگ)**

زاویه اصطکاک، ناشی از مقاومت برشی ماندگار که پس از جابه‌جایی برشی بسیار زیاد در امتداد سطح برش به دست می‌آید.

residual shear strength مقاومت برشی ماندگار (مکانیک سنگ)

تنش برشی‌ای که در اثر آن، مقاومت برشی با افزایش جابه‌جایی برشی، کاهش یا افزایش بیشتری نمی‌یابد. این تنش هنگامی حاصل می‌شود که جابه‌جایی برشی در مقایسه با آنچه که در مقاومت حداکثر به دست آمده است، بسیار زیاد باشد.

resin anchored rockbolt پیچ سنگ با گیرش چسبی (نگهداری)

نوعی پیچ سنگ که در آن، میله پیچ سنگ در داخل چال به وسیله چسب‌های ویژه‌ای محکم می‌شود.

resistor اتصال زمین (خدمات فنی)

قطعه سیم یا مدار ویژه‌ای که بدنه دستگاه‌های برقی را به زمین وصل می‌کند تا در صورت اتصالی، جریان برق را به زمین هدایت کند و مانع بروز صدمه به افراد شود.

resources منابع (عمومی اکتشاف)

انباشت طبیعی از مواد معدنی جامد، مایع یا گازی که حاوی یک یا چند کانه با کمیت و کیفیت بالقوه اقتصادی، باشد.

respirable dust گرد و غبار قابل تنفس (ایمنی)

گرد و غبار با ابعاد کمتر یا مساوی ۵ میکرون.

retaining wall دیواره حائل (معادن روباز)

دیواره‌ای از جنس بتن و باطله‌های معدن که در پای شیب پله‌های معدن، به منظور جلوگیری از حرکت توده سنگ، احداث می‌شود.

retreating longwall method روش استخراج جبهه کار بلند پسرو (معادن زیرزمینی)

یک روش استخراج که در آن، راهروهای بالایی و پایینی یک پهنه استخراجی جبهه کار بلند، قبل از شروع استخراج به طور کامل آماده سازی می‌شود و سپس عملیات استخراج را آغاز می‌کنند. جهت پیشروی جبهه کار استخراجی ممکن است از طرف مرز معدن به طرف بازکننده باشد و لذا امکان دارد که نگهداری راهروهای بالایی و پایینی یا یکی از آنها پس از پیشروی استخراج، ضروری نباشد.

return airway هواراه خروجی (تهویه)

چاه، تونل و یا راهرویی که هوای آلوده خروجی را از معدن به بیرون هدایت می‌کند.

return idler **قرقره برگشت (ترابری)**

غلتک‌های زیر نوار خالی در مسیر برگشت نوار نقاله که در اثر حرکت نوار به صورت هرزه‌گرد با آن به گردش در می‌آیند و نقش تکیه‌گاه را برای نوار خالی دارند.

reverse circulation system (RC) **سیستم جریان معکوس (حفاری اکتشافی)**

نوعی سیستم حفاری که در آن، سیال حفاری از فضای بین جدار داخلی گمانه و لوله حفاری عبور می‌کند و ذرات خرد شده را از درون لوله‌های حفاری داخل گمانه، به سطح زمین منتقل می‌سازد.

rigid steel set **قاب فولادی صلب (نگهداری)**

نوعی قاب فولادی، برای نگهداری تونلها که مقطع آن پس از نصب، ثابت باقی می‌ماند.

rim pull **کشش طوقه (ترابری)**

نیروی کششی که به زیر چرخ متحرک ماشینها اعمال می‌شود و معیاری برای سنجش نیروی موجود برای حرکت وسیله نقلیه در جایی است که چرخ با زمین در تماس است. میزان گشتاور پیچشی چرخ متحرک و شعاع آن، عامل تعیین کننده کشش طوقه است.

ring holes **چالهای شعاعی (چالزنی)**

مجموعه چالهایی که از یک نقطه بطور شعاعی در یک صفحه حفر می‌شوند.

rip **سقف کنی (معادن زیرزمینی)**

کندن سقف یک راهرو برای افزایش ارتفاع آن.

rippability **شیار پذیری (ترابری)**

قابلیت کنده شدن خاک و سنگ با استفاده از شیازن که انتخاب روش مناسب خرد کردن برای جا به جایی خاک از طریق اندازه‌گیری سرعت حرکت امواج صوتی در آنها تعیین می‌شود.

ripper **شیار زن (ترابری)**

کلنگ فولادی مخصوص شیار زدن خاک و یا خرد کردن قطعات سنگ به وسیله بولدوزر که به انتهای آن وصل است. استفاده از این وسیله سبب می‌شود که خاکهای فشرده و یا سنگ‌های نرم، برای بارگیری آماده شود.

تراشه کردن (حفر چاه و تونل) *ripping*

نوعی مکانیسم حفر سنگ در بعضی از انواع ماشینهای حفار بازویی که معمولاً برای حفر تونل در سنگ‌های نسبتاً نرم و ضعیف به کار می‌رود و در آن، با دوران سرمته، تراشه‌هایی از سنگ حفر می‌شود و بدین ترتیب، تونل پیشروی می‌کند.

شیارزنی (ترابری) *ripping*

عمل خرد کردن و جداسازی سنگ و خاک با استفاده از شیارزن. در گروه ویژه‌ای از خاک و سنگ، این فرآیند را می‌توان جایگزین عملیات چالزنی و آتشیاری ساخت.

ماشین بازویی (حفر چاه و تونل) *road header*

ماشینی برای حفر تونل که یک یا چند بازوی حفار دارد و با جابه‌جا کردن آنها در نقاط مختلف مقطع تونل، آنرا حفاری می‌کند.

راهرو(معدن زیرزمینی) *roadway*

هر نوع حفاریه زیرزمینی که طول آن در مقایسه با عرض و ارتفاعش زیاد باشد. انواع تونل، گالری، میان‌بر، رمپ و غیره را می‌توان راهرو نامید.

سنگ (عمومی) *rock*

مجموعه‌ای جامد از یک یا چند کانی که به طور طبیعی تشکیل شده باشد.

میل مهاری (نگهداری) *rock anchor*

نوعی پیچ سنگ که پس از نصب تحت کشش قرار می‌گیرد و در مقایسه با پیچ سنگ‌های معمولی بلندتر و محکم‌تر است و طول آن به ۸۰ متر نیز می‌رسد. این نوع پیچ موجب تقویت توده سنگ‌ها و افزایش مقاومت آنها تا چند مگا نیوتن می‌شود.

پیچ سنگ (نگهداری) *rock bolt*

میله‌ای فولادی که برای اتصال لایه‌ها و قطعات مختلف سنگ به یکدیگر به کار می‌رود. بدین منظور، ابتدا چالی در سنگ‌ها احداث و سپس میله‌ای فولادی را در آن محکم می‌کنند و سر انجام انتهای دیگر آنرا با پیچ می‌بندند.

سنگ دوز ← پیچ سنگ

rock bolting density چگالی پیچ سنگ (نگهداری)

تعداد پیچ سنگ‌های موجود در یک متر مربع از محل پیچ سنگ کاری شده.

rock burst ترکش سنگ (مکانیک سنگ)

شکستگی و خرد شدن ناگهانی توده سنگ در اثر تمرکز تنش‌های بر جای موثر بر سنگ.

rock drill —→ **rotary – percussion drill**

rock fall سنگ ریزش (ژئوتکنیک)

سقوط قطعات سنگ ناپایدار در اثر عوامل مختلف همچون یخ زدگی، تغییرات دما، فشار آب منفذی، باد و مشابه آنها.

rock mass rating (RMR) رده‌بندی ژئومکانیکی سنگ‌ها (مکانیک سنگ)

نوعی رده‌بندی مهندسی سنگ‌ها، براساس ۶ پارامتر اصلی توده سنگ، شامل مقاومت فشاری تک محوری، شاخص کیفیت سنگ (RQD)، فاصله داری درزه‌ها، وضعیت ناپیوستگی‌ها، وضعیت آبهای زیرزمینی و جهت یافتگی ناپیوستگی‌ها نسبت به امتداد تونل. هر یک از این پارامترها، با توجه به وضعیت توده سنگ، مقدار عددی مشخصی را به دست می‌دهند که از مجموع کلی آنها عدد RMR حاصل می‌شود. بر اساس شاخص RMR سنگ‌ها را به ۵ گروه تقسیم می‌کنند که از ۱۰۰ در مورد سنگ‌های خیلی محکم، تا کمتر از ۲۰ در مورد سنگ‌های ضعیف متغیر است.

rock quality designation (RQD) شاخص کیفیت سنگ (RQD) (مکانیک سنگ)

نسبت مجموع طول مغزه‌های حاصل از حفر گمانه با طول بیش از ۱۰ سانتی‌متر به طول کلی گمانه ضرب در عدد صد.

rock slope شیروانی سنگی (مکانیک سنگ)

توده سنگی که نسبت به سطح افق شیبدار باشد.

rock structure rating (RSR) رده بندی ساختاری سنگ (مکانیک سنگ)

نوعی رده بندی مهندسی توده سنگ، براساس مجموعه سه پارامتر A، B و C که در آن A مشخص کننده وضعیت زمین شناختی توده سنگ، B پارامتر مشخص کننده وضعیت هندسی توده سنگ (وضعیت ناپیوستگی‌ها نسبت به امتداد تونل) و C پارامتر مشخص کننده جریان آب زیرزمینی درزه‌های سنگ است.

rocker arm shovel**بارکننده بازوئی (ترابری)**

بارکننده‌ای که به وسیله بازوهای دواری که بر روی سینی جلوی ماشین نصب شده است، مواد را به سمت نوار زنجیری کوتاه و شیبدار بارکننده هدایت می‌کند و بار از طریق نوار زنجیری ماشین به باربر منتقل می‌شود.

rod tamping**خرج گذاری با سنبه (آتشباری)**

روش متداول خرج گذاری چالها که طی آن لول‌های ماده منفجره را در دهانه چال قرار می‌دهند و آنها را یکی یکی به کمک سنبه چوبی به ته چال می‌فرستند. این روش برای خرج گذاری مواد منفجره بسته بندی شده، به کار می‌رود و در مورد خرج گذاری مواد منفجره فله‌ای مانند آنفو، کاربرد ندارد.

roller cutter**ابزار برش غلتکی (حفر چاه و تونل)**

نوعی ابزار برش در ماشینهای حفار تمام مقطع که برای حفر تونل در سنگ‌های نسبتاً سخت به کار می‌روند. این ابزار به هنگام کار دستگاه، بر روی سنگ می‌غلتند و باعث خرد شدن آن می‌شوند.

roller cutter bit → conetype bit**rolling resistance****مقاومت غلتشی (ترابری)**

مجموع کل نیروهای داخلی و خارجی مقاوم در برابر حرکت چرخ ماشینهای بارگیری و باربری در سطوح افقی.

roof**سقف (معادن زیرزمینی)**

سنگ همبر بالایی لایه زغالسنگ یا یک کانسار لایه‌ای شکل. در کانسارهای پرشیب و کانسارهای فلزی به جای سقف معمولاً از اصطلاح کمر بالا استفاده می‌شود.

roof bolt**پیچ سقف (نگهداری)**

نوعی سیستم پیچ سنگ که در سقف حفاریات زیرزمینی نصب می‌شود.

room**اتاق (معادن زیرزمینی)**

۱- فضای زیرزمینی که عرض، طول و ارتفاع آن خیلی با هم تفاوت ندارند و از این نظر، با راهرو یا تونل که طول آنها زیاد است، متفاوت‌اند. ۲- در معادن زیرزمینی، اتاق‌ها به منظورهای مختلف مانند احداث انبار، آب انبار، تعمیرگاه و نظایر آن حفر می‌شوند. ۳- فضای زیرزمینی که پس از استخراج کانسنگ ایجاد می‌شود.

run-off-mine —————> *crude ore*

room & pillar روش استخراج اطاق و پایه (معدن زیرزمینی)

یک روش استخراج زیرزمینی که در آن، استخراج با حفر راهروهایی در جهت‌های متقاطع در داخل کانسنگ انجام می‌شود. پایه‌های باقی مانده نیز ممکن است برحسب شرایط روش، بعداً استخراج شوند.

room index شاخص فضا (خدمات فنی)

شاخصی که در طراحی سیستم روشنایی محیط به کار می‌رود و با رابطه
$$\text{شاخص فضا} = \frac{\text{طول} \times \text{عرض}}{\text{ارتفاع چراغ نسبت به سطح مورد نظر} \times (\text{طول} + \text{عرض})}$$
 تعریف می‌شود.

rope breaking strength مقاومت گسیختگی کابل فولادی (ترابری)

حداکثر تنش کششی که کابل قادر به تحمل آن است و اگر از این حد تجاوز کند، کابل پاره می‌شود. مقاومت گسیختگی، شاخصی برای تعیین ضریب ایمنی کابل فولادی در دوره بهره‌برداری از آن است.

rope haulage باربری با کابل فولادی (ترابری)

نوعی روش باربری با کابل فولادی در مسیرهای افقی و شیبدار که به وسیله واگن‌های مستقر بر روی ریل و گاه معلق شده از آن انجام می‌شود. در این روش، کشش صندوقه‌ها از طریق کشش کابل فولادی متصل به واگن‌ها تامین می‌شود.

rope rocket طناب‌گیر (حفاری)

قطعه‌ای در ماشین حفاری ضربه‌ای که به بالای دنگ متصل است و در داخل آن فضایی خالی وجود دارد که انتهای کابل از سوراخی که در بالای آن قرار گرفته است، وارد این فضا شده و به قطعه‌ای فولادی به نام ماندربل متصل می‌شود. این قطعه می‌تواند در داخل طناب‌گیر گردش کند.

rope shovel بیل مکانیکی کابلی (ترابری)

نوعی بیل مکانیکی که صندوقه آن به تیرک جام متصل است و به کمک کابل فولادی جابه‌جا می‌شود.

rotary – percussion drill چالزن دورانی ضربه‌ای (چالزنی)

نوع متداول چالزنی‌های معدنی که در آن حفر چال در اثر عمل توام دوران و ضربه انجام می‌گیرد.

rotary drill**چالزن دورانی (چالزنی)**

نوعی دستگاه چالزنی که در آن حفر چال صرفاً با دوران انجام می‌شود. این دستگاه فقط در سنگ‌های نرم کارایی دارد.

rotary piston pump**تلمبه با پیستون دوار (آبکشی)**

نوعی تلمبه که در آن پیستون‌هایی در داخل استوانه‌ها تعبیه شده است که با چرخش روتور، پیستون‌ها داخل استوانه‌ها حرکت رفت و برگشتی می‌یابند و در نتیجه، فشار لازم را برای آب، تامین می‌کنند. این تلمبه در دو نوع محوری و شعاعی ساخته می‌شود.

rotary pumps**تلمبه‌های دوار (آبکشی)**

گروهی از تلمبه‌ها که ساز و کار آنها بر مبنای دوران چرخ یا چرخ‌ها است و از انواع آنها می‌توان تلمبه‌های دنده‌ای، با پره‌های لغزان و با پیستون دوار را نام برد.

rotational slide**لغزش چرخشی (مکانیک سنگ)**

لغزش توده سنگ در امتداد سطوح منحنی و قاشقی شکل.

running rock —————> flow rock**rupture****گسیختگی (مکانیک سنگ)**

مرحله‌ای از شکست که طی آن سنگ به دو یا چند قطعه تقسیم می‌شود.

rupture zone**منطقه گسستگی (آتشیاری)**

منطقه‌ای که به هنگام آتشیاری بلافاصله پس از منطقه خردشدگی واقع است و در آن سنگ‌ها تحت تاثیر تنش‌های برشی قرار می‌گیرند که اگر این تنش‌ها از مقاومت برشی سنگ تجاوز کند، در سنگ درزه‌های شعاعی ایجاد می‌شود.

S

safety

ایمنی (عمومی)

۱- ایمن بودن محیط کار ۲- بی خطر بودن ۳- بی خطر سازی

safety barrier → *berm*

safety bench

پله ایمنی (معدن روباز)

پله‌ای که برای تأمین امنیت کار در پله‌های پایین دست، در دیواره معدن روباز احداث می‌شود. ریزش سنگ‌ها از بالادست در فضای این پله متوقف شده و از ادامه حرکت آنها به سمت پله‌های فعال در پایین دست، جلوگیری می‌شود.

safety detonator

چاشنی اطمینان (آتشباری)

لوله‌ای مسی یا آلومینیومی به قطر حدود ۶ میلیمتر و طول ۳۰ تا ۵۰ میلیمتر که برای انفجار مواد منفجره قوی به کار می‌رود.

safety flame lamp

چراغ اطمینان شعله‌ای (خدمات فنی)

چراغی که در قدیم برای ایجاد روشنایی انفرادی در معدن زغال و همچنین اندازه‌گیری میزان گاز متان و اکسیژن در هوای معدن به کار می‌رفت.

safety fuse **فتیله اطمینان (آتشباری)**

لوله‌ای از جنس الیاف کنف و پنبه با روکش قیری به قطر ۵ میلیمتر که داخل آن با باروت پر شده است و برای آتشباری در معادن روباز و زیرزمینی غیر زغالی به کار می‌رود. معمولاً یک متر از آن در هوای آزاد در مدت ۸۰ تا ۱۰۰ ثانیه می‌سوزد.

scaling **لق گیری (نگهداری)**

کندن و ریختن قطعات سنگ لق و شل از سقف و دیوارها پس از آتشباری.

Schmidt rebound hammer **چکش اشمیت (مکانیک سنگ)**

ابزاری که به کمک آن می‌توان مقاومت تقریبی توده سنگ را تخمین زد.

scraper **اسکرپر (ترابری)**

نوعی ماشین بارکننده - باربر صندوقه‌ای که در آن عمل بارگیری و باربری به وسیله خود ماشین و یا به کمک تراکتور هل دهنده دیگری انجام می‌گیرد.

scraper loader **بارکننده جرثقیلی (ترابری)**

ماشینی با جام متصل به کابل فولادی که از طریق پیچیدن کابل به دور جرثقیل دو طبقه، جام پر شده از مواد را بر روی سطح شیبدار فولادی به بالا و عقب ماشین می‌کشد. مواد جابه‌جا شده از طریق دریچه موجود در انتهای سطح شیبدار به درون واگن و یا بونکر تخلیه شده و جام خالی به وسیله قرقره‌ای که در جبهه کار تونل نصب شده است، مجدداً برای بارگیری به سمت محل بارگیری هدایت می‌شود.

screw compressor **کمپرسور پیچی (خدمات فنی)**

متداولترین نوع کمپرسور در معادن، متشکل از دو استوانه دوار که سطح خارجی آنها شیارهای پیچی شکل دارد و به آنها روتورهای نر و ماده می‌گویند. این دو استوانه در خلاف جهت هم می‌چرخند و هوای موجود در بین آنها به تدریج به جلو رانده شده و متراکم می‌شود.

secondary blasting **آتشباری ثانویه (آتشباری)**

عملیات آتشباری مجدد به منظور کاهش ابعاد قطعات سنگ حاصل از آتشباری اولیه و خرد کردن آنها به ابعاد مورد نظر.

secondary creep خزش دومین (مکانیک سنگ)

مرحله‌ای از تغییر شکل خزشی توده سنگ که در آن، آهنگ تنجش نسبت به زمان ثابت است.

secondary explosives مواد منفجره ثانویه (آتشباری)

مواد منفجره‌ای، قوی تر از مواد منفجره اولیه که در اثر حرارت یا شوک منفجر نمی‌شوند و حساسیت آنها کمتر از مواد منفجره اولیه است و انفجار آنها فقط به وسیله شوک حاصل از انفجار مواد منفجره اولیه انجام می‌گیرد.

secondary toppling failure شکست واژگونی ثانویه (مکانیک سنگ)

نوعی شکستگی که در اثر عوامل طبیعی مثل هوازدگی، سایش و فعالیت انسان در پای شیب رخ می‌دهد.

section → *district*

segment قطعه (نگهداری)

هر یک از قطعات بتنی پیش ساخته که برای دیوارسازی بتنی در تونلها و سایر حفاریات زیرزمینی به کار می‌رود.

segment سگمنت (سنگهای تزئینی)

قطعاتی فلزی که نگین‌هایی از جنس الماس یا کاربرد تنگستن دارند و آنها را بر روی کابل برش در سیستم سیم برش الماسه نصب می‌کنند.

selective mining استخراج انتخابی (عمومی استخراج)

استخراج بخش پر عیار کانسنگ و باقی گذاشتن کانسنگ کم عیار در محل .

self rescue mask ماسک نجات انفرادی (ایمنی)

وسیله‌ای که هر معدنچی به کمر بند خود می‌بندد و در زمان آتش سوزی به منظور جلوگیری از خفگی، آنرا به دهان خود متصل می‌کند.

semi – stable ground زمین نیمه پایدار (مکانیک سنگ)

زمین یا توده سنگی که در آن، تغییر شکل سنگ نزدیک نقطه تسلیم انجام می‌گیرد و سیستم نگهداری مورد نیاز آن باید نسبت به توده سنگ پایداری بیشتری داشته باشد. در این وضعیت، ریزش موضعی سنگ‌ها قابل انتظار است.

semi trailer**نیمه تریلر (ترابری)**

وسیله‌ای برای حمل بار که یک محور دارد و به وسیله یدک کش حمل می‌شود.

serie connection of caps**اتصال سری چاشنی‌ها (آتشباری)**

یکی از رایج‌ترین روشهای اتصال چاشنی‌های الکتریکی که در آن، همه چاشنی‌ها به صورت سری به هم وصل می‌شوند. در این روش سیم دوم از چاشنی اول به سیم اول از چاشنی دوم و سیم دوم چاشنی اخیر به سیم اول چاشنی سوم وصل می‌شود و این عمل برای تمام چاشنی‌ها ادامه می‌یابد، به نحوی که سر انجام دو رشته سیم یکی از چاشنی اول و یکی از چاشنی آخر باقی می‌ماند که آنها را با استفاده از سیم‌های رابط و سیم آتش، به منبع برق وصل می‌کنند.

serie connection network**شبکه تهویه سری (تهویه)**

نوعی شبکه تهویه که در آن، همه شاخه‌های شبکه به دنبال هم قرار گرفته و به صورت سری به هم وصل شده‌اند. در چنین شبکه‌ای، شدت جریانی که از تمامی شاخه‌ها عبور می‌کند یکسان و افت فشار کلی شبکه برابر با مجموع افت فشار شاخه‌ها است.

serie-parallel connection of caps**اتصال سری - موازی چاشنی‌ها (آتشباری)**

یک روش اتصال چاشنی‌ها که در آن چند چاشنی را در ردیف‌هایی به صورت سری به هم وصل کرده و چند ردیف سری را به صورت موازی به هم وصل می‌کنند.

shaft**چاه (معدن زیرزمینی)**

یک حفریه زیرزمینی که از سطح زمین به طرف پایین حفاری می‌شود. از چاه برای بالا آوردن کانسنگ استخراج شده و سنگ حاصل از حفاری‌ها، بالا و پایین بردن نفرت، وسایل و تجهیزات، تهویه، آبکشی، رساندن برق، آب و هوای فشرده و نظایر آنها استفاده می‌شود. معمولاً منظور از کلمه چاه به تنهایی، چاه قائم است. چاه مایل چاهی است که شیب داشته باشد.

shaft sinking**چاه کنی (معدن زیرزمینی)**

عملیات حفر چاه و بیرون آوردن سنگ‌های حفر شده و نصب سیستم نگهداری یا پوشش چاه.

shank**ته مته (چالزنی)**

قسمتی از مته که داخل دستگاه چالزن قرار می‌گیرد.

shape factor**فاکتور شکل (حفرچاه و تونل)**

نسبت مساحت مقطع یک حفریه زیرزمینی به محیط آن.

shear failure**گسیختگی برشی (مکانیک سنگ)**

نوعی گسیختگی که زمانی رخ می‌دهد که تنش‌های برشی موثر به حد بحرانی برسند و از مقاومت برشی سنگ تجاوز کنند.

shear modulus**مدول برشی (مکانیک سنگ)**

نسبت تنش برشی بر تنش برشی حاصله که به نام مدول صلبیت نیز نامیده می‌شود.

shear zone**منطقه برشی (مکانیک سنگ)**

بخشی از توده سنگ که در آن، در اثر برش، شکستگی و تخریب اتفاق افتاده است و ضخامت آن ممکن است به چندین متر برسد.

shield body**بدنه سپر (حفر چاه و تونل)**

تنه اصلی دستگاه سپر که در حفر تونل در زمین‌های سست به کار می‌رود و مرکب از استوانه‌ای فولادی است که لااقل به وسیله دو تقویت کننده دایره‌ای و تعدادی مهاریه قائم و افقی تقویت شده است. مهاریه‌ها، فضای داخلی سپر را به حجره‌هایی تقسیم می‌کنند که هر یک از آنها برای هدف معینی مثل حفاری و بارگیری به کار می‌رود.

shield cutting edge**لبه حفار سپر (حفر چاه و تونل)**

بخش حفار دستگاه سپر که در قسمت جلو آن قرار دارد و به وسیله ورقه‌های فولادی تقویت می‌شود.

shield support**پایه سپری (نگهداری)**

نسل سوم پایه‌های قدرتی که در آن علاوه بر سینی فلزی افقی که در بالای پایه‌ها قرار دارد، صفحه فلزی موربی نیز وجود دارد که قسمت پایین آن به صفحه پایه‌ها و قسمت بالای آن به سینی افقی سقف لولا شده است. دستگاه معمولاً چهار پایه هیدرولیکی دارد.

shield tail**دامن سپر (حفر چاه و تونل)**

قسمت دنباله دستگاه سپر که پس از بدنه قرار دارد و فضای لازم را برای نصب حلقه‌های نگهدارنده تونل، تامین می‌کند. طول دنباله، حداقل ۱/۵ برابر عرض هر یک از حلقه‌های نگهدارنده است.

shield tunnelling**تونلسازی سپری (حفر چاه و تونل)**

نوعی روش حفر تونل در زمین‌های سست و ریزشی که در آن از سپرهای فولادی که معمولاً مقطع دایره‌ای دارند، استفاده می‌شود. وجود سپر سبب می‌شود که حفاری تونل را بتوان در شرایط ایمن انجام داد و سیستم نگهداری اولیه را بر پا ساخت و ریزش را کنترل کرد.

shift**شیفت (عمومی استخراج)**

مدت کار روزانه رسمی یا قراردادی کارگران. گاه به جای آن از کلمه پست نیز استفاده می‌شود.

shock energy**انرژی موج ضربه (آتشباری)**

انرژی ناشی از انتشار موج انفجار در ستون ماده منفجره.

shock loss**افت ضربه‌ای (آبکشی)**

افتی که در نتیجه ضربه‌های وارد به آب در چرخ‌دوار و محفظه اطراف تلمبه‌های گریز از مرکز ایجاد می‌شود.

shock wave**موج ضربه (آتشباری)**

موجی که در اثر انفجار ماده منفجره ایجاد و در سنگ منتشر می‌شود و شرایط لازم برای شکستن سنگ را فراهم می‌سازد.

short-delay detonator**چاشنی کم تاخیری (آتشباری)**

نوعی چاشنی تاخیری، مخصوص معادن دارای گرد و گاز زغال که آن را در ۲۰ شماره می‌سازند و زمان تاخیر دو شماره متوالی آن ۰/۰۲۵ ثانیه است.

shortwall mining method**روش استخراج جبهه کار کوتاه (معادن زیرزمینی)**

یک روش استخراج زیرزمینی برای زغالسنگ، که در آن استخراج با احداث کارگاه‌هایی با جبهه کار کوتاه (در مقایسه با روش جبهه کار بلند که بیش از ۶۰ متر است) استخراج می‌شود و در اطراف کارگاه استخراج پایه‌هایی از زغالسنگ باقی می‌ماند. این روش، حالت اصلاح شده اتاق و پایه و حد فاصل روش‌های اتاق و پایه و جبهه کار بلند است.

shotcrete**بتن پاشی (نگهداری)**

بتن یا ملاتی که با استفاده از هوای فشرده و با سرعت زیاد بر سطح حفاریات زیرزمینی پاشیده می‌شود و بدین ترتیب، پیوندی قوی با سنگ به وجود می‌آورد.

shot firer —→ *blast man*

shot hole —→ *blast hole*

شاتریت ← بتن پاشی

shovel **بیل مکانیکی (ترابری)**

نوعی بارکننده صندوقه‌ای با عملکرد کابلی و یا هیدرولیکی که تمامی انواع بارکننده‌های صندوقه‌ای را که برای کندن جبهه کار و بارگیری خاک یا مواد حاصل از آتشیاری به کار می‌روند، شامل می‌شود. بیل‌های معادن سطحی از نوع کابلی و یا هیدرولیکی هستند. بیل جبهه کار، بیل جام‌دار و بیل نفوذی، اسامی دیگر این نوع بیل است.

shovel loader **بار کننده زیرزمینی (ترابری)**

ماشین بارکننده متداول در معادن زیرزمینی که با حرکت به سمت مواد سست شده، صندوقه متصل به شاسی آن بارگیری می‌شود. این بارکننده می‌تواند بار خود را از جوانب و یا عقب، تخلیه کند.

shoving jacks **جکهای انتقال سپر (حفر چاه و تونل)**

جکهای هیدرولیکی که از جمله متعلقات سپرها هستند و جا به جایی و انتقال سپر به وسیله آنها انجام می‌گیرد.

shrinkage stoping **روش استخراج انباره‌ای (معادن زیرزمینی)**

نوعی روش استخراج زیرزمینی برای لایه‌ها یا رگه‌های پرشیب، که در آن استخراج به صورت بالارو انجام می‌شود و کانسنگ استخراج شده موقتاً به عنوان ماده پر کننده برای محل استخراج شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته حجم اضافی کانسنگ استخراج شده از کارگاه به تدریج بیرون کشیده شده و در پایان، کانسنگ انبار شده در کارگاه نیز تخلیه می‌شود.

shut off head **ارتفاع در حالت بسته (آبکشی)**

ارتفاع نقطه تلاقی منحنی مشخصه تلمبه گریز از مرکز با محور قائم (محور فشار).

shuttle car **کامیون خطی (ترابری)**

کامیون باربری چرخ الاستیکی کوتاه مخصوص معادن زیرزمینی که به وسیله برق و یا باطری تغذیه می‌شود. ماشین بار خود را از یک بارکننده مداوم و یا باربر دیگر تحویل می‌گیرد و پس از حمل بار در مسیر تعیین شده، بار خود را به باربر بعدی تحویل می‌دهد و یا در بونکر مواد تخلیه کرده و مجدداً به محل بارگیری اولیه مراجعه می‌کند.

side cut**برش کناری (آتشباری)**

نوعی برش، مشتق از برش بادبزی که در آن در یک گوشه از جبهه کار، تعدادی چال با زاویه تمایل معین حفر می‌شود. این برش در مورد تونل‌هایی به کار می‌رود که در بخشی از جبهه کار سنگ سخت و در بخش دیگر آن، سنگ نرم وجود دارد.

side discharge shovel**بارکننده بغل ریز (ترابری)**

نوعی بارکننده که جام آن حول محور طولی گردش می‌کند و بار خود را به باربری که در کنار آن به انتظار ایستاده است، تحویل می‌دهد. باربر ممکن است نوار نقاله، واگن و یا کامیون باشد. انرژی این ماشین از طریق هوای فشرده و یا الکتریسته تامین می‌شود.

side dumper**واگن بغل ریز (ترابری)**

نوعی وسیله حمل مواد معدنی با توانایی گردش حول محور طولی برای تخلیه بار خود. برای تخلیه چنین وسیله‌ای، باید در محل تخلیه، رمپ شیبدار احداث شود. واگن گرانمای نمونه‌ای از این نوع واگن است.

side post**پایه (نگهداری)**

هر یک از چوب‌هایی که در طرفین تونل و زیر کلاهک، در یک قاب چوبی، نصب می‌شوند.

siderose**سیدروز (ایمنی)**

بیماری ریوی ناشی از تنفس گرد و غبار حاوی ذرات آهن.

silicon photodiode**نورسنج سیلیسیم (خدمات فنی)**

دستگاه نورسنجی که از دیودهای سیلیسیم تشکیل شده است و برای بررسی‌های نورسنجی در معادن به کار می‌رود.

silicosis**سیلیکوزیس (ایمنی)**

بیماری ریوی ناشی از تنفس گرد سیلیس و سیلیکات‌ها.

simultaneity factor**ضریب همزمانی (خدمات فنی)**

نسبت مصرف متوسط چند دستگاه برقی در یک زمان بر مجموع مصرف کلی آنها در همان زمان. اگر همواره تمام دستگاه‌ها با هم کار کنند، این ضریب واحد و در غیر این صورت، کمتر از واحد است.

single back up method

بارگیری از یک سمت (ترابری)

بارگیری کامیون به وسیله بیل از یک سمت.

single stage pump

تلمبه یک طبقه (آبکشی)

نوع متداول تلمبه‌های گریز از مرکز که در آن فقط یک چرخ‌دوار وجود دارد.

single suction pump

تلمبه با مکش ساده (آبکشی)

نوع متداول تلمبه‌های گریز از مرکز که در آن آب از یک طرف وارد تلمبه می‌شود.

skip

اسکیپ (ترابری)

صندوقه مخصوص حمل مواد در چاه

slabbing blasting → *cushion blasting**slab slide*

لغزش تخته‌ای (ژئوتکنیک)

نوعی لغزش که اغلب در رس‌های هوازده یا در واریزه‌های کم عمق دامنه‌ها اتفاق می‌افتد.

sleeper

تراورس (ترابری)

قطعات چوبی، بتنی و یا فولادی در سیستم حمل و نقل ریلی که بر روی بالاست قرار می‌گیرند و ریل نیز بر روی آنها نصب می‌شود.

بیل کششی ← خاک کش

slide

لغزش (ژئوتکنیک)

حرکت بخشی از دامنه در امتداد یک سطح گسیختگی مشخص.

sliding gate pump

تلمبه با پره‌های لغزان (آبکشی)

نوعی تلمبه دوار با روتوری که به حالت خارج از محور می‌چرخد و در داخل شکافهای شعاعی آن، پره‌های لغزان تعبیه شده است. پره‌های لغزان، قسمت داخلی تلمبه را به دو بخش مکش و رانش تقسیم می‌کنند که از یک قسمت آب وارد شده و از قسمت دیگر، آب با فشار به داخل لوله رانش هدایت می‌شود.

sling psychrometer**رطوبت سنج فلاخنی (تهویه)**

نوع قدیمی رطوبت سنج که در آن، محفظه حاوی دو دماسنج به وسیله سیستم دستی و مشابه فلاخن، به گردش در می‌آید و پس از آنکه دمای دو دماسنج به حد ثابتی رسید، اختلاف آنها قرائت می‌شود.

slope —————> **incline****slope stability****پایدارسازی شیب (معادن روباز)**

انتخاب شیب مناسب برای دیواره معادن روباز در طول مدت عمر آن به گونه‌ای که، شیب پایدار باقی بماند و از بروز خسارت‌های مالی و جانی جلوگیری شود. در انتخاب شیب بهینه علاوه بر مشخصات سنگ، عوامل مختلفی همچون وضعیت زمین‌شناختی منطقه، توپوگرافی، آب و هوا، و آب‌های زیرزمینی نیز دخالت دارند.

slot and wedge rock bolt**پیچ سنگ شکاف و گوه (نگهداری)**

نوعی پیچ سنگ که در انتهای آن شکافی ایجاد می‌کنند و گوه‌ای در آن قرار می‌دهند. پس از راندن گوه به داخل چال، به آن فشار وارد می‌کنند. شکاف ایجاد شده تحت فشار باز شده و گوه در داخل آن محکم می‌شود. پس از نصب پیچ در داخل چال، صفحه تکیه‌گاهی را به وسیله مهره محکم می‌بندند و بدین وسیله کشش کافی در پیچ ایجاد می‌شود.

slurry explosive**مواد منفجره ژله‌ای (آتشباری)**

مواد منفجره‌ای که حالت ژله‌ای دارند و در محیط‌های مرطوب قابل استفاده‌اند.

slurry shield**سپر گل (حفر چاه و تونل)**

نوعی سپر که برای حفر تونل در زمین‌های خیلی سست و آبدار به کار می‌رود و در آن، از گل ویژه‌ای که از مخلوط بنتونیت و آب به دست می‌آید، در جلو جبهه کار استفاده می‌کنند.

boom**بازوی حفار (حفر چاه و تونل)**

بازوی حفاری در ماشین‌های بازویی که مهمترین قسمت دستگاه است و می‌تواند در امتداد افقی و قائم حرکت کند و بدین ترتیب، در نقاط مختلف سطح مقطع تونل قرارگیرد. بازو، حالت تلسکوپی دارد و به کمک سیستم هیدرولیک، کوتاه و بلند می‌شود. در انتهای بازو، سرمته قرار دارد که با چرخش آن، مقطع تونل حفر می‌شود.

slusher**خاک کش (ترابری)**

نوعی دستگاه بارکننده - باربر که با کشیدن صندوقه بر روی مواد تلبار شده، بارگیری کرده و با حمل آن بر روی مسیر مسطح و یا

شیبدار، بار خود را در محل تخلیه خالی می‌کند.

slusher drift

تونل خاک کشی (ترابری)

تونلی در زیر بلوک استخراجی و بالای تونل باربری که خاک کش در آن مستقر می‌شود. مواد استخراج شده از کارگاه استخراج، با استفاده از نیروی ثقل به این تونل منتقل شده و با خاک کش به درون بونکر مواد معدنی ریخته می‌شود. بونکر بدون دریچه نیز، مواد معدنی را به صورت ثقلی به باربرهای مستقر در تونل باربری هدایت می‌کند.

smoke particles

ذرات دودی (تهویه)

ذرات گرد و غباری که قطرشان کمتر از $0/1$ میکرون است. این ذرات دائماً در هوای معدن معلق‌اند و هیچگاه ته‌نشین نمی‌شوند.

smooth blasting

آتشباری آرام (آتشباری)

نوعی سیستم آتشباری کنترل شده که از آن برای حصول اطمینان از سالم ماندن دیواره ترانشه‌ها استفاده می‌شود. در این روش، چالها نزدیک به هم حفر می‌شوند و آتشباری همه چالها در یک زمان انجام می‌گیرد. پس از انفجار چالهای ترانشه، چالهای کناری منفجر می‌شوند.

snub pully

قرقره خفتگیر (ترابری)

قرقره یا قرقره‌هایی که برای افزایش زاویه پیچش حامل بار به دور طبلک‌های متحرک باربرهای اصطکاکی به کار می‌روند. از آنجا که در باربرهای اصطکاکی، حامل بار، تسمه لاستیکی و یا کابل فولادی است، لذا هر چقدر زاویه پیچش حامل بار به دور طبلک‌های متحرک بیشتر شود، نیروی کشش اعمال شده به آن افزایش می‌یابد.

spacing

فاصله داری چالها (آتشباری)

فاصله بین چالها در جهت عمود بر امتداد بارسنگ که همان فاصله دو چال در یک ردیف است. این فاصله، (به جز در آتشباری کنترل شده) معمولاً بیش از بارسنگ است.

spacing

فاصله‌داری (مکانیک سنگ)

فاصله عمودی متوسط بین ناپیوستگی‌های مجاور در توده سنگ. این پارامتر اندازه بلوک‌های تشکیل دهنده توده سنگ را مشخص می‌کند.

spalling پوسته پوسته شدن (مکانیک سنگ)

کنده شدن ورقه‌های نازک سنگ از سطح داخلی حفریه زیر زمینی در اثر حفر تونل در بعضی از سنگ‌ها.

spalling condition شرایط ریزش (حفر چاه و تونل)

وضعیتی که طی آن، ساعت‌ها و حتی روزها پس از انجام عملیات آتشیاری، قطعاتی از سقف تونل ریزش کند.

span اسپان (خدمات فنی)

فاصله بین دو پایه برق در سیستم انتقال هوایی.

specific charge خرج ویژه (آتشیاری)

ماده منفجره مصرف شده برای حفر واحد حجم یا وزن سنگ که مقدار آن تابع مشخصات ماده منفجره، مشخصات سنگ و وضعیت زمین‌شناختی منطقه است.

specific drilling چالزنی ویژه (چالزنی)

طول چال حفر شده به ازای واحد حجم و یا وزن سنگ خرد شده.

specific energy انرژی مخصوص (حفر چاه و تونل)

انرژی لازم برای حفر واحد حجم سنگ به وسیله ماشین حفار بازویی.

specific pressure فشار مخصوص (آتشیاری)

فشار حاصل از انفجار یک تن ماده منفجره در فضائی به حجم یک متر مکعب.

spiral road system راه حلزونی (معادن روباز)

جاده‌ای که در دیواره کاواک به صورت حلزونی احداث می‌شود.

split شاخه (تهویه)

هر یک از انشعابات شبکه تهویه.

split set dowel**داول شکافدار (نگهداری)**

نوعی داول که میله آن لوله شکافداری است که از فولاد فنری قوی ساخته شده است و در ابتدای آن صفحه اتصال قرار دارد. پس از حفر چال، که قطر آن کمی کمتر از قطر میله اول است، داول را به داخل چال می‌رانند که در نتیجه، لوله جمع و یک‌گرایش اصطکاکی سرتاسری تامین می‌شود.

spontaneous combustion**خود سوزی (معدن زیرزمینی)**

اکسایش و در پی آن گرم شدن و سوختن کند و خود به خود کانسنگ‌های مستعد به اکسایش، بدون افروختن آتش. این پدیده معمولاً بر اثر اکسایش کانی‌های اکسید شونده شروع شده و به تدریج با گرم شدن توده کانسنگ، تشدید می‌شود و حتی ممکن است به آتش سوزی بینجامد. پدیده خود سوزی بیشتر در زغالسنگ اتفاق می‌افتد.

spontaneous liquification**رونگرایی خودبه‌خودی (ژئوتکنیک)**

حرکت توده ماسه یا سیلیت اشباع شده نرم و در اثر لرزش‌های ناشی از زلزله، آتشیاری، یا شمع کوبی. این جریان، در منطقه‌ای وسیع با سرعت ۱۰ تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت گسترش می‌یابد.

spoon failure**شکست قاشقی (ژئوتکنیک)**

نوعی شکست که در خاک، سنگ‌های به شدت درزه‌دار، یا سنگ‌های هوازده و ضعیف هنگامی اتفاق می‌افتد که ذرات خاک به طور غیرهمگن و پراکنده قرار گرفته باشند. جاری شدن آب در پای شیب و وجود شکاف طبیعی در سطح و یا پشت لبه شیب، از جمله عواملی‌اند که این نوع شکست را ایجاد می‌کنند.

spot time**زمان مانور بارگیری (ترابری)**

زمان لازم برای استقرار باربر در مکان تعیین شده برای بارگیری.

spotter**هدایتگر کامیون (ترابری)**

فردی که کامیون‌ها را برای بارگیری یا تخلیه، به مکان مناسب هدایت می‌کند.

spotting hoist**جرثقیل مانوری (ترابری)**

جرثقیل کوچکی که برای جا به جایی واگن‌های معدنی در محل بارگیری مستقر می‌شود.

spuding arm**خرک (حفاری)**

بازوئی در دستگاه حفاری ضربه‌ای که با حرکت آن، کابل متصل به رشته ابزار حفاری بالا و پایین می‌رود و باعث برخورد مته به کف چاه می‌شود.

square-set stoping**روش استخراج کرسی چینی (معدن زیرزمینی)**

یک روش استخراج زیرزمینی که در مورد توده‌های کانسنگی به کار می‌رود که ماده معدنی سنگ‌های درونگیر آن خود نگهدار نباشند و برای عملیات استخراج، از سیستم نگهداری چوبی، معمولا به شکل کرسی چینی، استفاده می‌شود.

squeezing ground**زمین لهیده (ژئوتکنیک)**

مصالح خمیری غنی از رس‌های ضعیف با درصد اشباع بالا که عمدتا مرکب از گوژ گسل‌ها، سنگ‌های میکادار تجزیه شده و شیل‌های نرم‌اند.

squeezing rock**سنگ لهیده (مکانیک سنگ)**

سنگی که اگر در داخل آن تونلی حفر شود، بدون آن که افزایش حجم محسوسی داشته باشد، به طور آهسته به داخل تونل حرکت می‌کند.

stability graph method**روش نمودار پایداری (مکانیک سنگ)**

روشی برای تحلیل پایداری تونل‌ها که براساس آن، با در دست داشتن ویژگی‌های ژئومکانیکی توده سنگ، تنش‌های برجای موجود و شکل و جهت یافتگی تونل، می‌توان مشخص کرد که آیا تونل بدون نصب سیستم نگهداری پایدار می‌ماند و یا حتما باید در آن سیستم نگهداری نصب کرد.

stabilizer**پایدار کننده (حفاری)**

ابزاری که پشت سرمته قرار می‌گیرد و باعث می‌شود که سرمته حفاری حول محور مرکزی خود بچرخد و بدین ترتیب مانع انحراف گمانه می‌شود. این ابزار معمولا از اتصال و جوش دو یا سه میله مربعی یا مارپیچی شکل تشکیل می‌شود.

stable ground**زمین پایدار (مکانیک سنگ)**

زمین یا توده سنگی که در آن، تغییر شکل بدون ایجاد درزه و شکاف انجام می‌گیرد و تنش‌های وارده کمتر از نقطه تسلیم است. اگر در این زمین یا توده سنگ، سیستم نگهداری نصب شود، سنگ و سیستم نگهداری طی عمر حفاریه زیرزمینی پایدار باقی می‌مانند.

انباشتگر (ترابری)*stacker*

نوار نقاله‌ای که در سازه فولادی طولیل مخصوص انتقال مواد معدنی به توده همگن سازی مواد، مستقر می‌شود. مواد استخراج شده از معدن به وسیله این نوار در کپه‌های موازی از مواد با کیفیت متفاوت بر روی هم تلمبار می‌شود. در زمان برداشت، نوار با حرکتی در جهت عمود بر مسیر خود، خوراک یکنواختی از ماده معدنی را برای کارخانه فرآوری، تأمین می‌کند.

زمان پابرجایی (مکانیک سنگ)*stand up time*

مدت زمانی که تونلی که با دهانه فعال معینی در داخل سنگ حفر شده است، بدون هیچ گونه وسیله نگهداری یا بر جا باقی بماند و ریزش نکند.

دکل استاندارد (حفاری)*standard derrick*

دکلی که به صورت یکجا قابل انتقال نیست مگر آنکه فاصله انتقال بسیار کم و مسطح باشد که در این حالت آنرا روی زمین می‌کشند. در غیر این صورت، باید قسمتهای مختلف آن را باز و به طور مجزا از هم حمل کرد و در محل مورد نظر دو باره آنها را به یکدیگر متصل ساخت و سپس از آن استفاده کرد.

راه انداز (خدمات فنی)*starter*

وسيله‌ای که در مدار لامپ‌های فلورسنت تعبیه می‌شود تا در شروع کار، ولتاژ لازم برای تخلیه اولیه را تامین کند و لامپ را به کار اندازد.

فشار استاتیکی (تهویه)*static pressure*

نیروی که هوای ساکن در هر نقطه بر واحد سطح اعمال می‌کند. عامل فشار استاتیکی هوا، ضربات مولکول‌های آن است و بنابراین هر چقدر تعداد ضربات زیادتر شود، به همان نسبت فشار استاتیکی هوا هم زیادتر خواهد بود.

جرز فلزی (نگهداری)*steal crib*

نوعی وسیله نگهداری که به صورت جک پیچی ساخته شده است و برای نگهداری کارگاه، در حدفاصل جبهه کار و محل تخریب شده یا پر شده، به کار می‌رود.

قاب فولادی (نگهداری)*steel set*

نوعی سیستم نگهداری تونل‌ها، مرکب از دو یا سه تکه فولادی که جمعاً مقطع دوزنقه یا هلالی شکلی را تشکیل می‌دهند.

stem

میله (چالزنی)

میله‌ای که انرژی دورانی و ضربه‌ای را به سرمته منتقل می‌کند.

stemming

گل گذاری (آتشباری)

عمل پر کردن قسمتی از چال که خرج گذاری نشده است، با مخلوطی از ماسه ریز و خاک رس، به منظور محدودسازی فضای چال و استفاده از فشار گاز حاصل از انفجار برای حفر سنگها. طول این قسمت چال باید حدوداً نصف تا $\frac{2}{3}$ طول چال باشد.

بستن چال ← گل گذاری

steradian

استرادیان (خدمات فنی)

واحد اندازه‌گیری زاویه فضایی و آن عبارت از زاویه‌ای است که سطح عرقچین مقابل به آن در کره به شعاع واحد، برابر واحد سطح باشد. تغییرات زاویه فضایی از صفر تا 4π است.

sterad → *steradian*

استراد ← استرادیان

stilb

استیلب (خدمات فنی)

واحد اندازه‌گیری درخشندگی که معادل یک شمع بر سانتیمتر مربع است.

stockpile

تلمبار مواد (ترابری)

توده‌ای از مواد معدنی که به دلیل عدم توازن تولید و مصرف، آنها را در محلی انباشته می‌کنند و یا به عنوان ذخیره ماده معدنی برای حصول اطمینان از روند تولید داریم واحد فرآوری، مورد استفاده قرار می‌دهند.

stope

کارگاه استخراج (معادن زیرزمینی)

۱- محلی در یک معدن زیرزمینی که در آنجا عملیات حفر و استخراج کانسنگ انجام می‌شود. ۲- حفریه‌ای زیرزمینی که به منظور استخراج کانسنگ و مجزا از آماده سازی، احداث می‌شود.

stopper

پایه تلسکوپ (چالزنی)

نوعی پایه که برای حفر چالهای سر بالا به کار می‌رود. این پایه از چند میله تشکیل شده است که به حالت تلسکوپ داخل هم قرار گرفته‌اند و طول آن قابل کم و زیاد شدن است و بدین ترتیب می‌توان آن را برای تونل‌های با ارتفاع مختلف به کار برد.

stopping **سد هوا (تهویه)**

دیواری که به منظور جلوگیری از ورود هوا و یا به قصد جدا کردن یک قسمت از شبکه تهویه از سایر قسمت‌ها احداث می‌شود.

strain **تنجش (مکانیک سنگ)**

تغییر شکل نسبی ایجاد شده در جسم در اثر اعمال تنش بدون ایجاد جابه‌جایی.

stratified rock **سنگ لایه‌لایه (مکانیک سنگ)**

سنگی که از لایه‌های مجزا تشکیل شده و ممکن است چسبندگی بین لایه‌های آن ناچیز باشد و لایه‌ها در امتداد صفحات لایه‌بندی، به آسانی از هم جدا شوند.

stray currents **جریان‌های ولگرد (آتشباری)**

جریان‌های الکتریکی که در اثر عواملی مختلف مثل رعد و برق، عبور کابل‌ها و سیم‌های فشار قوی از حوالی محل، جریان‌ات رادیویی، و نظایر آنها در زمین جریان دارند و ممکن است موجب انفجار ناخواسته چاشنی‌ها شوند.

stress **تنش (مکانیک سنگ)**

شدت نیروهای داخلی جسم در واحد سطح.

stress concentration **تمرکز تنش (مکانیک سنگ)**

نسبت بین تنش جدید در یک نقطه از توده سنگ پس از ایجاد سازه، به تنش موجود در آن نقطه قبل از احداث سازه.

strip mining method **روش استخراج نواری (معادن روباز)**

نوعی روش استخراج در معادن روباز که طی آن، سنگ باطله یا روباره در محلهای استخراج شده تلبار می‌شود. از این روش، برای استخراج معادن زغال سنگ استفاده می‌شود.

stripping **باطله برداری (معادن روباز)**

عمل برداشتن مواد باطله از روی کانسنگ به گونه‌ای که استخراج کانسنگ با حداقل اختلاط امکان پذیر شود.

strut **لارده (نگهداری)**

قطعه چوبی که در حد فاصل دو قاب چوبی متوالی در تونلها نصب می‌شود.

stull**پایه چوبی (نگهداری)**

ستون‌های چوبی که اضلاع قائم قاب‌های چوبی را تشکیل می‌دهند و به منظور نگهداری سنگ‌های سست و یا کمر بالا مورد استفاده قرار می‌گیرند.

subdrilling**اضافه حفاری (چالزنی)**

حفر چال تا حد پایین‌تر از کف پله پایینی در معادن روباز. اگر میزان اضافه حفاری کم باشد، در پای پله سکو ایجاد می‌شود و به آتشیاری ثانویه نیاز خواهد بود و اگر بیش از اندازه باشد، موجب لرزش زمین می‌شود و کف پله پایینی را می‌شکند، به طوری که حفر چال در پله پایینی را با مشکل مواجه می‌سازد.

sublevel**طبقه فرعی (معدن زیرزمینی)**

طبقه میانی بین راهروهای بالایی و پایینی طبقه اصلی. طبقه فرعی در بعضی از روش‌های استخراج برای کوتاه‌تر کردن طول جبهه کار یا طبقه ایجاد می‌شود و در بعضی از روش‌ها نیز، جزیی از عملیات استخراجی است.

sublevel caving method**روش تخریب از طبقات فرعی (معدن زیرزمینی)**

یک روش استخراج زیرزمینی که معمولاً در مورد توده‌های کانسنگ پرشیب و ضخیم به کار می‌رود و طی آن، تونل‌های طبقات فرعی در فواصل معینی حفر شده و کانسنگ اطراف تونل با انجام آتشیاری، استخراج می‌شود و پس از استخراج کانسنگ، کمربالا را در فضای استخراج شده تخریب می‌کنند.

sublevel stoping method**روش استخراج از طبقات فرعی (معدن زیرزمینی)**

یک روش استخراج زیرزمینی که معمولاً در مورد توده‌های کانسنگ پرشیب و ضخیم و با کانسنگ و کمرهای مستحکم به کار می‌رود و طی آن تونل‌های فرعی در فواصل معینی حفر شده و کانسنگ اطراف تونل، با انجام آتشیاری، استخراج می‌شود و فضای استخراج شده نیز خالی ماند.

successive slip**لغزش‌های متوالی (ژئوتکنیک)**

نوعی لغزش که خود مرکب از تعدادی لغزش کم عمق است و در شیب‌های رسی بیش تحکیم شده شکافدار رخ می‌دهد.

suction pipe**لوله مکش (آبکشی)**

لوله‌ای که از طریق آن آب وارد تلمبه می‌شود. از آنجا که عامل حرکت آب در این لوله فشار اتمسفر محل است لذا طول آن محدودیت دارد و نباید از حدی تجاوز کند.

sudden outburst**تصاعد آنی (تهویه)**

نوعی روش تصاعد گاز زغال که در مدت زمان کوتاهی رخ می‌دهد و طی آن، مقدار فوق‌العاده زیادی گاز از لایه یا سنگ‌های درونگیر خارج شده و به همراه آن حجم وسیعی از زغال سنگ یا سنگ به بیرون پرتاب می‌شود.

sump**مخزن آب (آبکشی)**

مخزنی که معمولاً در پایین‌ترین قسمت معادن زیرزمینی احداث می‌شود تا آب‌هایی را که در حفاریات معدنی جریان دارد به داخل آن هدایت کنند و آنگاه به کمک خط لوله و تلمبه، آب موجود در آن را به سطح زمین منتقل سازند.

super elevation**شیب عرضی (ترابری)**

اختلاف ارتفاع داخل و خارج مسیر راه در قوس‌ها که برای حذف اثر نیروی گریز از مرکز ناشی از حرکت ماشین‌آلات چرخدار در قوسها احداث می‌شود. شیب عرضی با فاصله دو چرخ در یک محور و مجذور سرعت نسبت مستقیم و با شعاع قوس، نسبت عکس دارد.

support**نگهداری (نگهداری)**

فرآیندی که طی آن، با نصب سیستم‌هایی مانند چوب، قاب‌های فلزی، دیوارسازی و نظایر آن از حرکت سنگ‌های اطراف حفاریات جلوگیری شده و در عین حال، وزن قطعات سست، که امکان سقوط دارند، به وسیله این سیستم تحمل می‌شود.

surcharge angle**زاویه سر بار (ترابری)**

زاویه شیب کپه شدن مواد بر روی بستر دارای مانع، که معمولاً ۱۰ تا ۱۵ درجه کمتر از زاویه قرار ماده مورد نظر است.

surface mining**معدنکاری سطحی (معدن روباز)**

نام کلی روش‌های استخراج روباز اعم از روش‌های کاواک روباز، معدن روباز، و مانند آن.

surface mounted drill (SMD)**ماشین حفاری سطحی (چالزنی)**

نوعی ماشین حفاری ضربه‌ای که ضربه‌زن آن در سطح زمین قرار دارد. در حفاری با این ماشین می‌توان از پیستون‌های با قطر زیاد استفاده کرد که در نتیجه، شرایط به کارگیری ماشین‌های با قدرت زیاد فراهم می‌شود و سرعت حفاری در چالها افزایش می‌یابد.

swelling factor**ضریب تورم (ترابری)**

تفاضل اختلاف وزن یک متر مکعب مواد بر جا و یک متر مکعب از همان مواد به حالت سست شده، بر وزن یک متر مکعب مواد سست شده.

swelling dowel**داول باز شونده (نگهداری)**

نوعی داول که میله آن را لوله‌ای که به نحوی خاص به هم پیچیده شده است تشکیل می‌دهد. پس از قرار دادن لوله در داخل چال، آبرا با فشار به داخل آن تزریق می‌کنند. در نتیجه، لوله از هم باز می‌شود و به جدار چال می‌چسبد و بدین ترتیب، نوعی گیرش سرتاسری تامین می‌شود.

swelling ground**زمینهای تورمی (ژئوتکنیک)**

شیل‌های نرم، گوژ گسل‌ها، و سنگ‌های آذر آواری و میکادار تجزیه شده حاوی کانی مونتموریلونیت.

swelling rock**سنگ تورمی (مکانیک سنگ)**

سنگی که اگر در آن تونلی حفر شود، به علت انبساط و تورم به داخل تونل جریان می‌یابد. این ویژگی مختص سنگ‌هایی است که حاوی کانی‌های رسی تورمی از قبیل مونت موریلونیت با ظرفیت تورمی بالا هستند.

switch back road system ———→ **zigzag road system****switch gear****کلید خانه (خدمات فنی)**

مجموعه‌ای از کلید، رله و مدار شکن که همگی در جعبه‌ای قرار دارند و آنها را در مدار تغذیه دستگاه‌ها قرار می‌دهند تا ضمن تغذیه مدار، آنرا حفاظت کند.

switch house ———→ **switch gear****swing angle****زاویه چرخش (ترابری)**

زاویه‌ای که بیل مکانیکی بین مکان‌های بارگیری و تخلیه دوران می‌کند. این مشخصه عامل مهمی در زمان سیکل بارگیری است و بر روی چرخه باربری نیز تأثیر دارد.

T, U

table jacks

جک‌های سکو (حفر چاه و تونل)

جک‌هایی که از جمله متعلقات سپرها هستند و به کمک آنها می‌توان یک صفحه فولادی را که از آن به عنوان سکوی کار استفاده می‌شود، در ارتفاعات مختلف قرار داد تا افراد به آسانی بتوانند کار خود را انجام دهند.

take

محدوده معدن (عمومی)

۱- محدوده‌ای از یک کانسار که در پروانه بهره برداری معدن برای استخراج تعیین می‌شود. ۲- محدوده‌ای از یک کانسار که برای احداث یک معدن در نظر گرفته می‌شود.

tamping rod —————→ *blasting rod*

temporary support

نگهداری موقت (نگهداری)

سیستمی که برای تامین ایمنی در طول عملیات حفاری نصب می‌شود.

tensile strength

مقاومت کششی (مکانیک سنگ)

حداکثر تنش کششی‌ای که جسم قادر است تحمل کند تا به مرحله گسیختگی برسد.

tertiary creep

خزش سومین (مکانیک سنگ)

مرحله‌ای از خزش توده سنگ که در آن، آهنگ تغییر شکل نسبت به زمان افزایش می‌یابد و سرانجام به گسیختگی سنگ می‌انجامد.

thermal drilling —————→ *flame jet drilling*

throughput**شدت جریان مخصوص (تهویه)**

شدت جریانی که در اثر عبور آن از شبکه تهویه، افت انرژی واحد در آن ایجاد شود.

throw —————> **fly rock****true burden** —————> **blasted burden****thrust jacks****جک‌های رانش (حفر چاه و تونل)**

مجموعه جک‌های هیدرولیکی در ماشین حفار تمام مقطع که از یک سو به چنگ زن‌ها و از سوی دیگر، به صفحه حفار متکی هستند و به کمک آنها، ماشین به سمت جلو حرکت می‌کند.

thrust pit**چاهک رانش (حفر چاه و تونل)**

چاهکی که در روش رانش لوله، در شروع کار حفر می‌شود تا از طریق آن بتوان عملیات رانش لوله را آغاز کرد. عمق چاهک برابر عمق تونل است و طول آن به اندازه‌ای است که همه لوازم از قبیل حلقه‌های رانش، لوله‌ها و جک‌ها در آن جای می‌گیرند.

thrust weight**بار روی مته (چالزنی)**

میزان نیروی وارده به مته که مقدار بهینه آن باعث افزایش راندمان چالزنی می‌شود. بار بهینه روی مته به مشخصات مته، سیستم چالزنی و مقاومت سنگ بستگی دارد.

tie bar**میله مهار (نگهداری)**

هر یک از میله‌های فولادی که قاب‌های فلزی متوالی تونل‌ها را به یکدیگر متصل می‌سازند.

tifoor**تیفور (ترابری)**

نوعی جرثقیل دستی برای انجام کارهای تعمیراتی و خدماتی در معادن.

timber ducting**لوله تهویه تخته‌ای (تهویه)**

نوعی لوله تهویه فرعی که با تخته سه لایی ساخته می‌شود.

timbering چوب بستکاری (نگهداری)

نگهداری حفريات زیرزمینی با استفاده از چوب برای جلوگیری از ریزش سقف، جبهه کار، یا دیواره آنها.

tip محل تخلیه (ترابری)

مکانی برای تخلیه مواد معدنی.

tipper واگن برگردان (ترابری)

وسیله‌ای که با قرارگیری واگن‌های حامل مواد معدنی در آن، به گردش در می‌آید و در اثر چرخش، بار صندوقه واگن خالی می‌شود. پس از تخلیه، واگن برگردان به حالت اولیه بر می‌گردد.

toppling load بارواژگونی (ترابری)

بار بیشتر از بار نامی جام بار کننده که دراز آن محور عقب دستگاه از زمین بلند شود.

باروارونگی ← بارواژگونی

toothed type bit سرمته داندانه (چالزنی)

سرمته‌ای که دندانه‌هایی شبیه به دندان دارد و مناسب‌ترین سرمته برای شیل‌های سخت، ماسه سنگ و آهک است.

toothed wheel bit سرمته چرخشی دندانه‌ای (چالزنی)

نوعی سرمته دندانه‌ای با حرکت چرخشی که در سنگ‌های سختی همچون گرانیت، کانسنگ‌های بسیار سخت، شیل‌های سخت، ماسه سنگ، آهک و سنگ آهن بسیار سخت، قابلیت نفوذ قابل توجهی دارد.

top cut برش بالایی (آتشباری)

نوعی برش بادبزی که در آن تعدادی چال در قسمت بالای جبهه کار تونل به گونه‌ای حفر می‌شوند که تمایل آنها به سمت سقف تونل باشد. این برش در مورد سنگ‌های لایه‌لایه نرم تا متوسط به کار می‌رود و به ویژه در تونل‌های با ابعاد بزرگ راندمان بالایی دارد.

top slicing method روش برش‌های از بالا به پایین (معدن زیرزمینی)

یک روش استخراج زیرزمینی که در توده‌های کانسنگ پرشیب به کار می‌رود و طی آن استخراج از بالا به پایین انجام می‌گیرد. پس

از حفر کانسنگ، کف کارگاه استخراج با تیرها و صفحات چوبی یا فولادی فرش شده و پس از استخراج هر برش، تمام وسایل نگهداری جمع آوری می‌شود تا سقف روی فرش کف، تخریب شود و این عمل ادامه می‌یابد تا کارگاه به طبقه پایینی برسد.

toppling failure

شکست واژگونی (مکانیک سنگ)

نوعی شکست که با چرخش و واژگونی قطعات سنگ، حول یک نقطه یا خط همراه است.

track man

ریل کش (ترابری)

فردی که وظیفه نصب و تعمیر ریل‌ها را به عهده دارد.

track mine

معدن ریلی (ترابری)

معدنی که در آن از باربرها و بارکننده‌های ریلی و یا چرخ زنجیری استفاده می‌شود.

track roller

قرقره ریل (ترابری)

قرقره‌ای که مانع سایش کابل فولادی بر روی ریل می‌شود، به این صورت که آنرا بر روی تراورس زیر ریل نصب می‌کنند و کابل فولادی سیستم کششی را از روی آن عبور می‌دهند تا در اثر کشیده شدن، از سایش کابل جلوگیری شود.

trackless mine

معدن بدون ریل (ترابری)

معدنی که ماشین‌آلات اصلی آن نوار نقاله و یا انواع ماشین‌های چرخ لاستیکی باشد.

traction effort

نیروی کشش (ترابری)

نیروی لازم برای کشیدن وسیله حمل و نقل تا بتواند بر نیروهای مقاوم در برابر حرکت وسیله غلبه کند.

tractive resistance

مقاومت در برابر کشیدن (ترابری)

مجموع نیروهایی مانند نیروی ناشی از اصطکاک، شیب، قوس، اینرسی حرکتی و دیگر نیروهای مشابه که در برابر حرکت وسایل متحرک بارکننده یا باربر مقاومت می‌کنند. معمولاً نیروهای مقاوم را به صورت واحد وزن وسیله بیان می‌کنند که با معلوم بودن وزن آن، نیروی مقاوم وسیله متحرک برآورد می‌شود.

tractor

تراکتور (ترابری)

نوعی ماشین خودکشش چرخ لاستیکی و یا چرخ زنجیری که برای تبدیل قدرت موتور به قدرت کششی به کار می‌رود و ضمن

کشیدن خود، قادر است وسیله و یا تجهیزات دیگری را نیز به دنبال بکشد. لودر، بولدوزر و اسکرپرهاى معادن سطحى، از انواع آن محسوب مى‌شوند که به تجهیزات اضافى برای بارگیرى، کندن و باربرى مجهز شده‌اند.

کشنده ← تراکتور

trailer

تریلر (ترابرى)

وسيله‌ای برای حمل بار که دو محور دارد و به وسیله یدک کش حمل می‌شود. صندوقه تریلرهای تک، معمولاً عقب ریز و گاه بغل ریز و ته ریز و صندوقه‌های تریلرهای گروهی بغل ریز یا ته ریز است.

trammng capacity

ظرفیت باربرى (ترابرى)

حداکثر بار مجاز در صندوقه ماشین به گونه‌ای که پایدار باشد. معمولاً ظرفیت باربرى را ۵۰ درصد بار واژگونی بارکننده، باربر یا جرثقیل‌ها در نظر می‌گیرند.

بار عملیاتی ← ظرفیت باربرى

translation slide

لغزش انتقالی (مکانیک سنگ)

نوعی لغزش که در امتداد سطوح لایه‌بندی، گسل‌ها، ترک‌ها، یا شکاف‌هایی که تقریباً با سطح زمین موازی‌اند رخ می‌دهد. این لغزش به چهار شیوه مختلف تحت عناوین بلوکی، تخته‌ای، چنگانه، یا گسیختگی‌های پیشرونده انجام می‌گیرد.

trapdoor

دریچه (تهویه)

از جمله تاسیسات متداول تهویه که به منظور جدا کردن دو جریان مختلف هوا از یکدیگر و نیز جلوگیری از ورود هوای اصلی به قسمت‌های کور شبکه تهویه، به کار می‌روند و به صورت دریچه یا دو لته ساخته می‌شود.

trenching machine

شیارکن (حفاری اکتشافی)

نوعی ماشین، مخصوص حفر و انتقال مواد حاصل از حفر شیارهای عمیق مثل ترانشه و تاسیساتی مانند لوله آب، گاز، نفت و کابل برق و تلفن.

trip

قطار (ترابرى)

مجموعه‌ای از واگن‌های معدنی و لکوموتیو.

tripping**تعویض سرمته (حفاری)**

عملیات بیرون آوردن رشته ابزار حفاری به منظور عوض کردن سرمته.

trolley wire**خط تغذیه (خدمات فنی)**

سیم برقی که در سقف تونل‌ها نصب می‌شود و به وسیله پانتوگراف، لکوموتیوهای برقی معدن را تغذیه می‌کند.

troughing idler**قرقره هرزگرد رفت (ترابری)**

قرقره‌های استوانه‌ای زاویه‌دار حمل بار در نوار نقاله برای ایجاد فضای مناسب قرارگیری بار.

truck**کامیون (ترابری)**

هر نوع وسیله چرخ‌دار خود کشش که برای باربری مواد مورد استفاده قرار می‌گیرد. در معدنکاری، به نیمه تریلرهای عقب ریز و کف ریز که برای حمل باطله و ماده معدنی به کار می‌روند نیز اطلاق می‌شود.

truck dispatching system**روش گسیل کامیون (ترابری)**

سیستم کنترل باربر از مرکز نظارت، از طریق به کارگیری سیستم رادیویی، تلفنی، کامپیوتری و یا علائم صوتی، تصویری و نوری. با استفاده مناسب از این روش می‌توان کنترل مؤثری بر تولید معدن اعمال کرد.

trussen rock bolt**پیچ سنگ دوقلو (نگهداری)**

نوعی سیستم پیچ سنگ که از دو پیچ سنگ که در سقف محکم می‌شوند، تشکیل شده است و میله‌ای، این دو پیچ سنگ را به هم متصل می‌سازد. کاربرد عمده این نوع پیچ سنگ در حفاریات زیرزمینی با دهانه‌های بزرگ است که با استفاده از این نوع پیچ سنگها، زون‌های کششی سقف این حفاریات، حذف می‌شود.

tungsten halogen lamp**لامپ تنگستن‌هالوژن (خدمات فنی)**

نوعی لامپ رشته‌ای که در داخل جاب آن مقداری گاز هالوژن اضافه شده است.

tunnel → adit**تونل ← تونل باز کننده****tunnel boring machine (T.B.M)****ماشین تونل کنی (حفر چاه و تونل)**

نام دیگر ماشین‌های حفر تمام مقطع که برای حفر تونل‌های دایره‌ای شکل، به کار می‌روند.

شاخص کیفیت تونلسازی (Q) (مکانیک سنگ)**tunneling quality index(Q)**

نوعی رده‌بندی مهندسی توده سنگ، براساس ۶ پارامتر توده سنگ، شامل شاخص RQD ، تعداد درزه‌ها، زبری درزه‌ها، دگرسانی درزه‌ها، کاهش آب درزه‌ها و کاهش تنش. هر یک از این پارامترها باتوجه به وضعیت توده سنگ مقدار عددی مشخصی را به دست می‌دهند که از ترکیب کلی آنها، عدد Q (بین ۰/۰۰۱ تا ۱۰۰۰) حاصل می‌شود که هر چقدر بیشتر باشد، نشانه محکمتر بودن توده سنگ است.

تلمبه توربینی (آبکشی)**turbine pump**

نوعی تلمبه گریز از مرکز که در آن در اطراف چرخ‌دوار، تعدادی پره ثابت تعبیه شده است که آب پس از ترک چرخ‌دوار، از لابه‌لای آنها می‌گذرد و به فضای اطراف چرخ، هدایت می‌شود.

ماشین حفاری توربینی (حفاری)**turbo drill**

نوعی ماشین حفاری دورانی که در آن، چرخش سرمته با توربینی انجام می‌شود که بلافاصله قبل از سرمته قرار دارد و لذا نیازی به چرخش لوله‌های حفاری نیست.

دوراهی (ترابری)**turn out**

وسیله‌ای برای انتقال واگون‌ها از یک خط به خط دیگر راه‌آهن که ممکن است متقارن، راست گرد و یا چپ گرد باشد. دوراهی از سوزن، راه ارتباطی و ریل‌های محافظ تشکیل می‌شود.

بالابری غیر تعادلی (ترابری)**unbalanced hoisting**

نوعی سیستم بالابری که در آن تنها یک باربر وجود دارد. این روش در چاه‌های کم عمق و با تولید کم و یا مراحل اولیه احداث چاه‌های عمیق به کار گرفته می‌شود. این اصطلاح در برابر بالابری تعادلی به کار می‌رود.

خرج ناکافی (آتشباری)**undercharge**

خرج‌گذاری چال با مقدار مواد منفجره‌ای که کمتر از حد لازم باشد.

under drilling → subdrilling**گمانه‌های زیرزمینی گاز زدایی (تهویه)****underground degasification holes**

گمانه‌هایی که به منظور بیرون کشیدن و هدایت گاز زغال به خارج از معدن حفر می‌شوند. این کار، از سویی موجب سهولت تهویه معدن می‌شود و از سوی دیگر می‌توان از گازهای حاصله استفاده کرد.

underhand stoping method روش استخراج پایین رو (معدن زیرزمینی)

روش استخراجی که در آن جهت کلی پیشروی استخراج، از راهروی بالای طبقه به طرف راهرو پایین طبقه است.

undrcurrent circuit breaker مدار شکن جریان کم (خدمات فنی)

نوعی مدار شکن که وقتی شدت جریان برق مدار از حد معینی کمتر شود، مدار مربوطه را قطع می‌کند.

uniaxial compressive strength مقاومت فشاری تک محوری (مکانیک سنگ)

حداکثر تنش فشاری که یک نمونه استوانه‌ای از سنگ تحت بار تک محوری، تحمل می‌کند.

uniform flow جریان یکنواخت (آبکشی)

جریانی که در آن، بردار سرعت در طول مسیر حرکت چه از نظر جهت و چه از نظر مقدار، ثابت باشد.

unstable ground زمین ناپایدار (مکانیک سنگ)

زمین یا توده سنگی که در آن، تغییر شکل سنگ با گسترش شکاف و ترک همراه است. در این شرایط، حفاریات زیرزمینی به سیستم نگهداری نیاز دارند.

upcast shaft چاه خروجی (تهویه)

چاهی که هوای آلوده را از معدن به بیرون هدایت می‌کند.

utility factor ضریب بهره‌گیری مؤثر (ترابری)

میزان استفاده واقعی از وسائل و تجهیزات، با در نظر گرفتن ساعات آماده به کار و تعمیرات.

utilization بهره دهی (حفر چاه و تونل)

شاخصی که برای بیان نحوه عملکرد ماشین حفار تمام مقطع به کار می‌رود و به صورت درصد زمانی نسبت به زمان کل شیفت که طی آن دستگاه در حال حفاری بوده است، تعریف می‌شود.

utilization factor ضریب بهره دهی (خدمات فنی)

نسبت جریان نور مفید چراغ به جریان کلی آن که نشانگر مقدار نوری است که بر سطح مورد نظر می‌تابد.

V, W

V cut

برش V (آتشباری)

نوعی برش که در آتشباری تونل‌ها به کار می‌رود و در آن، چالها به گونه‌ای حفر می‌شوند که مجموعه آنها حالت حرف V را دارند.

valuation

ارزشیابی (عمومی)

ارزش و قیمت‌گذاری یک معدن و یا یک طرح معدنی.

valley fill method

روش دره پرکنی (معدن روباز)

یکی از روش‌های متداول تلبار کردن باطله در معدن روباز که طی آن، باطله حاصل از عملیات استخراجی را در دره‌های اطراف می‌ریزند و آنها را پر می‌کنند.

vane number coefficient

ضریب تعداد پره (آبکشی)

نسبت انرژی حاصله به وسیله تلمبه‌گریز از مرکز در حالت با تعداد پره‌های محدود به مقدار نظیر آن در حالت با تعداد پره‌های بینهایت.

varied flow → *nonuniform flow*

جریان متغیر ← جریان غیر یکنواخت

velocity head

ارتفاع نظیر سرعت (تهویه)

حاصل تقسیم مجذور سرعت سیال بر دو برابر شتاب جاذبه.

velometer

سرعت سنج (تهویه)

دستگاه اندازه‌گیری سرعت هوا به طور مستقیم. این دستگاه پروانه‌ای دو شاخه‌ای دارد که در اثر جریان هوا به دور محور خود تغییر حالت می‌دهد و بسته به سرعت هوا، وضعیت تعادلی می‌یابد که متناسب با سرعت جریان است و می‌توان وضعیت تعادل را مستقیماً بر حسب سرعت هوا مدرج کرد.

ventilated psychrometer

رطوبت سنج تهویه‌دار (تهویه)

نوع جدید رطوبت سنج که در آن پروانه کوچکی نصب شده است که با به کار انداختن آن، هوا از درون محفظه حاوی دماسنج‌ها عبور می‌کند و پس از آنکه دمای آنها به حد ثابتی رسید، با قرائت آنها، میزان رطوبت هوا را محاسبه می‌کنند.

ventilation pipe

لوله تهویه (تهویه)

لوله‌ای فلزی یا برزنتی که در سیستم تهویه فرعی برای انتقال هوای تازه به جبهه کار و یا خروج هوای آلوده از آن به کار می‌رود.

ventilator → *fan**vertical borehole*

گمانه قائم (حفاری اکتشافی)

گمانه‌ای که نسبت به خط قائم حداکثر ۳ تا ۵ درجه انحراف داشته باشد.

vertical shaft

چاه قائم (معدن زیرزمینی)

چاهی که با شیب ۹۰ درجه نسبت به افق حفر شود.

vibrator

لرزنده (نگهداری)

دستگاهی برای به ارتعاش در آوردن بتن و متراکم کردن آن.

virgin stress

تنش اولیه (مکانیک سنگ)

تنش‌هایی که قبل از احداث هرگونه حفاریات زیرزمینی در توده سنگ وجود دارد.

virtual work principal

اصل کار مجازی (مکانیک سنگ)

اصلی که بر اساس آن، برای جسم در حال تعادل، کار انجام شده بوسیله نیروهای خارجی در طول مجموعه‌ای از تغییر مکانهای مجازی، برابرست با کار انجام شده به وسیله مسیر تنش‌های داخلی در طول تنش‌های مجازی که حاصل اعمال تغییر مکانهای واقعی است.

void ratio

نسبت پوکی (مکانیک سنگ)

نسبت بین حجم مجموعه منافذ یک نمونه از سنگ به حجم مجموعه ذرات آن.

volumetric convergence

همگرایی حجمی (مکانیک سنگ)

حرکت سقف، کف و دیواره‌های تونل به سمت فضای خالی ایجاد شده در سنگ که نتیجه آن، کاهش سطح داخلی تونل و حجم حفریه است.

volumetric loss

افت حجمی (آبکشی)

افتی که در تلمبه‌های گریز از مرکز در نتیجه برگشت آب از ابتدای لوله رانش و بازگردش مجدد آن ایجاد می‌شود.

volute pump

تلمبه با مجرای حلزونی (آبکشی)

نوع متداول تلمبه‌های گریز از مرکز که در آن در اطراف چرخ دوار، فضایی حلزونی قرار دارد که مقطعش به تدریج واگرا می‌شود و بدین ترتیب، انرژی سرعتی آب را به انرژی فشاری تبدیل می‌کند.

vortex chamber

اطاق گردابی (آبکشی)

فضای دایره‌ای موجود در اطراف چرخ دوار در بعضی از انواع تلمبه‌های گریز از مرکز که سبب ایجاد حرکت گردابی آزاد آب می‌شود.

wagon drill

ارابه چالزنی (حفاری)

نوعی دستگاه حفاری ضربه‌ای - دورانی که تقریباً در تمام معادن روباز به کار می‌رود و در آن چالزن و دکل بر روی ارابه‌ای نصب شده‌اند و به کمک آن حمل و نقل می‌شوند. با توجه به ابعاد نسبتاً بزرگ این دستگاه تنها در مواردی که ابعاد حفاریات معدنی زیرزمینی به اندازه کافی بزرگ باشد، می‌توان از آن استفاده کرد.

واگون دریل ← ارابه چال زنی**waste**

باطله (عمومی)

۱- سنگی که ممکن است همراه با ماده معدنی استخراج شود ولی دارای کانه نیست یا عیار آن پایین تر از عیار حد اقتصادی است.
۲- سنگ‌های همبر کانسنگ. ۳- سنگی که پس از عملیات کانه آرایی و جدا شدن کانی با ارزش، باقی می‌ماند.

water separator

آبگیر (خدمات فنی)

ظرف استوانه‌ای شکلی که آنرا در مسیر خط لوله هوای فشرده تعبیه می‌کنند تا آب همراه با هوای فشرده در آن جمع شود. به کمک شیریه که در ته ظرف قرار دارد، آب موجود در آن را تخلیه می‌کنند.

water well

چاه آب (حفاری)

چاهی که به منظور بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی حفر می‌شود.

wedge failure

شکست گوه‌ای (مکانیک سنگ)

نوعی شکست که هنگامی اتفاق می‌افتد که دو ناپیوستگی به طور مورب در لبه و دامنه شیب گسترش یابند و یکدیگر را قطع کنند و خط تقاطع آنها در دامنه شیب ظاهر شود. در چنین مواردی، گوه‌ای از سنگ، که بین این دو صفحه ناپیوستگی قرار دارد، در امتداد خط تقاطع سقوط می‌کند.

wedge shaped cut

برش گوه‌ای (آتشباری)

نوعی برش مشتق از برش V که برای حفر سنگ‌های محکم و متوسط کار می‌رود. این برش حاوی چند ردیف چال است که هر زوج آنها امتداد متفاوتی دارند و گاه در وسط برش نیز تعدادی چال خالی در نظر گرفته می‌شود.

weight strength of explosives

قدرت وزنی ماده منفجره (آتشباری)

مقدار انرژی مفیدی که در اثر انفجار واحد وزن ماده منفجره حاصل می‌شود. معمولاً این قدرت را با قیاس به ماده منفجره‌ای مانند آنفو به صورت نسبی بیان می‌کنند.

wet drilling

چالزنی تر (چالزنی)

نوعی سیستم چالزنی که در آن برای خارج ساختن خرده سنگ‌های حفر شده از چال، از آب استفاده می‌شود.

wet shotcrete

بتن پاشی تر (نگهداری)

نوعی روش اجرای بتن پاشی که در آن اجزای بتن و آب را در مخلوط کن‌های ویژه‌ای آماده می‌کنند. این مخلوط به کمک تلمبه‌های ویژه به شیلنگ تغذیه منتقل و با سرعت بر سطح مورد نظر پاشیده می‌شود.

winch

جرثقیل طبلکی (ترابری)

طبلکی دوار که با کشیدن کابل فولادی متصل به وسایل نقلیه، موجب جابه‌جایی آنها می‌شود. نوع پر قدرت آن در بالابر چاه‌ها و یا سیستم‌های باربری با کشش کابلی کاربرد دارد و از انواع کوچک آن به عنوان سیستم‌های کشش بار در باربری و خدمات موقت

معدنکاری استفاده می‌شود. انواع دستی، هوای فشرده، و الکتریکی آن نیز وجود دارد.

وینچ ← جرثقیل طبکی

winning

استخراج (معادن زیرزمینی)

عملیات کندن و جا به جایی سنگ و کانسنگ از جبهه کار.

winze

پایین رو (معادن زیرزمینی)

دویلی که از طبقه بالاتر به سمت پائین حفر می‌شود.

wire cutting machine

ماشین سیم برش (معادن روباز)

ماشینی که برای جدا کردن بلوک‌های سنگ‌های تزئینی به کار می‌رود. دستگاه از یک چرخ متحرک تشکیل شده است که به وسیله منبع برقی یا هیدرولیکی تغذیه می‌شود و بر روی ریل‌های ثابتی حرکت می‌کند. در این سیستم، دو قرقره راهنما بر روی ریل‌ها نصب می‌شود که طول سیم در حال تماس را با چرخ محرک تنظیم می‌کنند و نوسانات سیم را کاهش می‌دهند.

wire mesh

تور سیمی (نگهداری)

توری بافته شده از مفتول‌های فولادی که برای محصور کردن قطعات کوچک سنگ بین پیچ سنگ‌ها و داوول‌ها و یا مسلح کردن شاتکریت به کار می‌رود.

wire rope safety factor

ضریب ایمنی کابل فولادی (ترابری)

نسبت بار گسیختگی کابل فولادی به بار معلق شده از آن.

wirerope

کابل فولادی (ترابری)

کابلی که از رشته سیم‌های فولادی بافته شده، ساخته شده است و عمدتاً برای باربری، بالابری و خدمات در معادن به کار می‌رود.

wooden crib

جرز چوبی (نگهداری)

نوعی سیستم نگهداری، مرکب از قطعات چوب که به حالت عمود بر هم از کف تا سقف محل استخراج شده در کارگاه استخراج چیده می‌شوند تا قسمت استخراج شده، یعنی حدفاصل جبهه کار تا بخش پرشده یا تخریب شده، را نگهداری کنند.

wooden roof bolt**پیچ سنگ سقفی چوبی (نگهداری)**

نوعی سیستم نگهداری، مرکب از پیچ سنگ‌های چوبی که به وسیله چسب در جای خود محکم می‌شوند و به عنوان سیستم مهارتی برای مقاوم کردن جبهه کارها، پایه‌های زغالسنگی و موارد مشابه به کار می‌رود.

working bench**کارگاه استخراج (معادن روباز)**

پله یا مجموعه‌ای از پله‌ها در یک معدن روباز که در عملیات معدنکاری سطحی فعال اند. عرض این پله به عواملی همچون عرض کامیون، فاصله لازم بین کامیون تا لبه پله، طول لازم برای گردش بازوی جام ماشین بارگیری، فاصله محور وسیله بارگیری تا بدنه خارجی آن و فاصله حداقل این وسیله تا نقطه خاکبرداری بستگی دارد.

working capital**سرمایه در گردش (عمومی)**

مقدار پولی که برای هزینه‌های عملیات جاری مؤسسه باید در دست باشد.

working pit slope**شیب کارگاه استخراج (معادن روباز)**

شیب میانگین و موقت مجموعه پله‌های کاری معدن که به عواملی مثل ابعاد ماشین‌آلات معدنی و بهینه سازی برنامه باطله برداری، به ویژه در سال‌های ابتدایی عمر معدن، بستگی دارد. به تدریج و با عقب راندن پله‌های فعال به سمت حد نهایی معدن، پرشیب سازی دیواره‌های کارگاه‌ها از بالا به پایین تا رساندن تدریجی شیب آنها به شیب میانگین در حد نهایی معدن آغاز می‌شود و پله‌های کاری جدید، به سمت افق‌های پایین تر آماده سازی و جایگزین پله‌های کاری قبلی می‌شوند.

X, Y, Z

yield pillars → *abutment pillars*

yield point

نقطه تسلیم (مکانیک سنگ)

نقطه‌ای از منحنی تنش - تنجش که در آن سنگ از حالت الاستیک به حالت پلاستیک تغییر وضعیت می‌دهد. این نقطه، آغاز تغییر شکل دائمی و برگشت ناپذیر در سنگ است.

yielding steel set

قاب فلزی کشوئی (T.H) (نگهداری)

نوعی قاب فلزی سه تکه که قطعات آن قادرند در داخل یکدیگر بلغزند. این قطعات به وسیله کرپی به یکدیگر متصل می‌شوند و بنابراین، با افزایش فشار موثر بر قاب، مقطع آن به تدریج جمع می‌شود.

zigzag road system

راه زیگراگی (معادن روباز)

شکلی از مسیر راه‌های احداث شده در دیواره معادن سطحی. به منظور احتراز از احداث راه در بخش‌های سست دیواره و یا اجتناب از احداث راه در دیواره‌های پرشیب و مرتفع معدن، در دامنه دیواره کم ارتفاع و کم شیب آن، راهی به شکل زیگزاگ حفر می‌کنند.